



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# فریبستان نامہ

## آرزو

محمدی ری شہری

ہنگامی: سیدہ سعیدہ انظور علیا علیا  
مترجمہ: سیدہ سعیدہ انظور علیا علیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ نامه آرزو

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	فرهنگ نامه آرزو
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	درآمد
۱۸	أمل، در لغت
۲۰	أمل، در قرآن و حدیث
۲۰	اشاره
۲۱	یک . نقش أمل در زندگی فردی و اجتماعی
۲۳	دو . گم شده انسان
۲۵	سه . راه رسیدن به آرزو و آفت آن
۲۶	چهار . خطر آرزوی دراز
۲۷	پنج . حکمت کوتاه کردن آرزو
۳۰	فصل یکم : نقش آرزو در زندگی
۳۰	۱ / ۱ لطف و رحمتی از جانب خداوند
۳۰	۲ / ۱ همراهی همدم
۳۲	۳ / ۱ مایه برپایی دنیا
۳۴	۴ / ۱ دورترین چیزها
۳۴	۵ / ۱ در پیری جوان می شود
۳۶	۶ / ۱ حکایت اجل و آرزو
۴۵	فصل دوم : آرزوی حقیقی
۴۵	۱ / ۲ آموزگار آرزو
۵۴	۲ / ۲ منتهای آرزو

۵۶	۳ / ۲ آرزوی نهایی عارفان
۶۰	۴ / ۲ آرزوی نهایی دوستداران
۶۰	۵ / ۲ نهایت آرزوها
۶۲	۶ / ۲ بالاتر از آرزوها
۶۲	۷ / ۲ بهترین آرزو
۶۶	۸ / ۲ بایسته آرزو برای دنیا و آخرت
۶۸	۹ / ۲ بایسته آرزو هنگام قطع شدن آرزوها
۷۴	فصل سوم : راه رسیدن به آرزوها
۷۴	۱ / ۳ نیت نیک
۷۴	۲ / ۳ کردار نیک
۷۶	۳ / ۳ شکیبایی
۷۶	۴ / ۳ کار کردن برای سرای ماندگاری
۷۸	۵ / ۳ تکیه کردن به خدا
۸۰	۶ / ۳ کمک جستن از خدا
۸۶	فصل چهارم : آفتهای آرزوها
۸۶	۱ / ۴ نیت بد
۸۶	۲ / ۴ سستی و تنبلی
۸۶	۳ / ۴ ناشکیبایی
۸۸	۴ / ۴ طلب محال
۸۸	۵ / ۴ پرداختن به سرگرمی ها
۸۸	۶ / ۴ پرداختن به زواید
۸۸	۷ / ۴ حاکمیت فرومایگان
۹۰	۸ / ۴ گناهکاری
۹۰	۹ / ۴ اهمیت ندادن به آخرت

۹۲	۱۰ / ۴ تکیه بر غیر خدا
۹۶	فصل پنجم: کوتاه کردن آرزوها
۹۶	۱ / ۵ سفارش به کوتاهی آرزو
۱۰۰	۲ / ۵ عوامل کوتاه شدن آرزو
۱۰۰	الف شناخت خود
۱۰۰	ب زیرکی
۱۰۰	ج منتظر اجل بودن
۱۰۶	د اندرز دادن به خود
۱۰۸	ه مبارزه با آرزو
۱۰۸	و دروغ شمردن آرزو
۱۱۰	ز دعا
۱۱۲	۳ / ۵ نتایج کوتاهی آرزو
۱۱۲	الف نیکویی کردار
۱۱۲	ب خلوص عمل
۱۱۲	ج راستی کردار
۱۱۲	د زهد
۱۱۴	ه بی نیازی نفس
۱۱۴	و سلامت نفس
۱۱۴	ز علم لدنی
۱۱۶	ح بهشت
۱۱۸	فصل ششم: برحذر داشتن از آرزوهای نکوهیده
۱۱۸	۱ / ۶ زندهار از آرزوی دراز
۱۲۲	۲ / ۶ از آرزوی پوچ بپرهیزید
۱۲۴	۳ / ۶ از آرزوهای فریبنده بپرهیزید

- ۱۲۸ ..... ۴ / ۶ آرزو، دروغ‌ترین چیزهاست.
- ۱۳۰ ..... ۵ / ۶ آرزو چون سراب است.
- ۱۳۴ ..... ۶ / ۶ بسا آرزوهای بی حاصل!
- ۱۳۸ ..... فصل هفتم: خاستگاه‌های آرزوهای بیهوده.
- ۱۳۸ ..... ۱ / ۷ نادانی
- ۱۴۰ ..... ۲ / ۷ حماقت
- ۱۴۲ ..... ۳ / ۷ غفلت
- ۱۴۴ ..... ۴ / ۷ گناه کردن
- ۱۴۴ ..... ۵ / ۷ ولایت شیطان
- ۱۴۶ ..... ۶ / ۷ ترجیح دادن دنیا بر آخرت
- ۱۴۸ ..... ۷ / ۷ علاقه به مال و ثروت
- ۱۴۸ ..... ۸ / ۷ شقاوت
- ۱۵۰ ..... فصل هشتم: زیان‌های آرزوهای باطل
- ۱۵۰ ..... ۱ / ۸ از بین رفتن خرد
- ۱۵۲ ..... ۲ / ۸ از بین رفتن بینش
- ۱۵۴ ..... ۳ / ۸ از یاد بردن مرگ
- ۱۵۴ ..... ۴ / ۸ از یاد بردن آخرت
- ۱۵۶ ..... ۵ / ۸ سخت دلی
- ۱۵۸ ..... ۶ / ۸ به تأخیر انداختن عمل
- ۱۵۸ ..... ۷ / ۸ کوتاهی کردن در عمل
- ۱۶۰ ..... ۸ / ۸ از یاد بردن عمل
- ۱۶۰ ..... ۹ / ۸ تباهی عمل
- ۱۶۲ ..... ۱۰ / ۸ بدی عمل
- ۱۶۴ ..... ۱۱ / ۸ کوچک شمردن نعمت‌ها



- ۱۶۴ ..... ۱۲ / ۸ کم رضایتی
- ۱۶۴ ..... ۱۳ / ۸ افسوس
- ۱۶۶ ..... ۱۴ / ۸ فقر نفس
- ۱۶۶ ..... ۱۵ / ۸ رنج بسیار
- ۱۶۶ ..... ۱۶ / ۸ تلف شدن عمر
- ۱۶۸ ..... ۱۷ / ۸ هلاکت
- ۱۷۰ ..... ۱۸ / ۸ هجوم ناگهانی آجل
- ۱۹۶ ..... درباره مرکز

## فرهنگ نامه آرزو

## مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه آرزو/ محمدی ری شهری، با همکاری محمد کاظم طباطبائی؛ مترجم حمیدرضا شیخی .

مشخصات نشر : قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۲۲.

شابک : ۷۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۴۹۳-۱۵۰-۵

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : امید -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : احادیث اخلاقی

شناسه افزوده : طباطبائی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -

شناسه افزوده : مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث

رده بندی کنگره : BP۲۵۰/۷/م۳ف۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۲۸۰۳۱

ص: ۱

اشاره











ص: ۷

پیشگفتار فرهنگ نامه، کتابی است که در آن، دانش، فرهنگ (۱) و حکمت باشد. فرهنگ نامه آرزو، قطره‌ای دیگر از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی (۲) دیگر از دانش نامه میزان الحکمه است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده‌ای دارند، به ترتیب الفبایی، با نظم نوین و با ذکر نمونه کاربردها (شواهد)، معنانشناسی و تحلیل و تبیین می‌گردند. در لابه‌لای این دانش نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شبانه‌روزی و گسترده، با آنها، سر و کار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این گونه واژه‌ها و اصطلاحات، به صورت کتاب همراه، و کتاب راهنما، در اختیار همگان قرار گیرد. با این نگاه، مدخل‌هایی از این دست که گفتیم، به صورت کتاب‌هایی مستقل و در اندازه‌هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد،

۱- فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (ر. ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن).

۲- در دانش نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله‌ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن).



ص: ۸

در اختیار علاقه مندان قرار می گیرند . گفتنی است که در این سلسله آثار ، برای آنچه مربوط به رفتار یا احوال خاص است (مانند : ادب ، اذان ، شادی و آرزو) ، نام «فرهنگ نامه» و برای آنچه مربوط به گروه های اجتماعی (مانند : بسیجیان ، جوانان و کودکان) می شود و یا آموزه های حکیمانه پیشوایان بزرگ اسلام یا حکمای بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می نماید ، نام «حکمت نامه» را برگزیدیم . فرهنگ نامه آرزو ، سومین کتاب از مجموعه فرهنگ نامه هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگ ارزش های رفتاری در دست تدوین اند . در این فرهنگ نامه ، مسائل مهمی ، مانند: نقش آرزو در زندگی ، گم شده حقیقی انسان ، راه رسیدن به آرزوها ، فواید کوتاه کردن آرزو ، خطر آرزوهای طولانی ، خاستگاه آرزوهای بیهوده و زیان های آرزوهای پوچ و بی حاصل ، از منظر قرآن و حدیث ، مورد بررسی قرار خواهد گرفت . گفتنی است که در تدوین این مجموعه ، از همکاری محقق ارجمند جناب آقای محمّد کاظم طباطبایی بهره بردم . از ایشان و دیگر همکارانی که در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» ، در ساماندهی این اثر سهیم هستند ، بویژه مترجم گران قدر آن ، جناب آقای حمید رضا شیخی که با ترجمه زیبا و دقیق خود ، فهم آیات و احادیث این فرهنگ نامه را برای پارسی زبانان میسر ساخت صمیمانه سپاس گزارم واز خداوند منّان ، پاداشی در خور فضل و کرامتش ، برای آنان مسئلت دارم . رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . محمدی ری شهری ۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۴ ۱۷ جمادی اول ۱۴۲۷

ص: ۹

## درآمد

## أمل، در لغت

درآمدأمل، در لغتأمل و رجا، از جهت معنا به یکدیگر نزدیک اند و برخی لغت شناسان گفته اند که معنای واحدی دارند و میان آنها اختلاف اندکی وجود دارد. خلیل بن احمد فراهیدی گفته است: اَمَل، یعنی امید. (۱) ابن فارس نیز آنچه را فراهیدی گفته، تأیید می کند و می گوید: اَمَل، یعنی درنگ و انتظار. (۲) در تاج العروس، درباره معنای «أمل» آمده است: اَمَل، بر وزن جَبَل و نَجْم و شَبْر (وزن آخر، به گفته ابن جنّی)، به معنای امید است. معروفش همان وزن نخست (جَبَل) است. از ظاهر سخن فیروزآبادی و برخی دیگر، بر می آید که آرزو و امید، یک چیز است؛ اما علمای لغت شناس، میان آن دو فرق گذاشته اند. مناوی می گوید: امل یا رجا، توقع حصول چیزی است و بیشتر در موردی به کار می رود که حصول آن، دور به نظر برسد. مثلاً اگر

۱- العین: ص ۵۴.

۲- معجم مقاییس اللغة: ج ۱ ص ۱۴۰.

ص: ۱۰

کسی قصد سفر به شهری دور دست را داشته باشد، می گوید: «أَمَلْتُ» و نمی گوید: «طَمَعْتُ»، مگر آن که شهر، نزدیک باشد؛ چرا که «طمع»، فقط برای مورد نزدیک است و «رجاء» برای بین «امل» و «طمع»؛ زیرا «راجی (امیدوار)»، گاهی اوقات، بیم آن دارد که امیدش تحقق پیدا نکند. پس به معنای خوف و بیم به کار نمی رود. به نیت رسیدن به خیر، «أَمَل» می گویند و به ترس و نگرانی قلبی، «ایحاش». (۱) معنای «مُنَى» و «تَمَنَّى»، مانند امل و رجا، به یکدیگر نزدیک است؛ اما غالباً بر خیالات باطل اطلاق می شوند. راغب، در المفردات در این باره می نویسد: «مُنَى»، به معنای اندازه گیری (تقدیر) است. گفته می شود: «مَنَى لَكَ المَانِي؛ تقدیر کننده برای تو تقدیر کرد». از همین معناست: «مَنَا» که به قولی، چیزی است که با آن، وزن می کنند و «مَنَى»، چیزی است که جانداران از آن خلق می شوند. خداوند متعال فرموده است: «أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يُمْنِي؛ (۲) آیا آبی از منی ای که ریخته می شود، نبود؟» و «مِن نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى؛ (۳) از آبی، آن گاه که ریخته شود»؛ یعنی به قدرت خداوند، از آن موجودی که نبوده است، اندازه گیری و آفریده می شود. واژه «مَتِيه» نیز از همین معناست، به معنای أَجَل (سررسید عمر) که برای موجود زنده، مقدر

۱- تاج العروس: ج ۴ ص ۳۰.

۲- قیامت: آیه ۳۷.

۳- نجم: آیه ۴۶.

ص: ۱۱

## أمل، در قرآن و حدیث

### اشاره

شده است و جمع آن ، «منایا» ست . «تمنی» نیز به معنای تقدیر و تصویر کردن چیزی در ذهن است. این کار ، گاه از روی تخمین و گمان است و گاه از روی اندیشه و از روی یک اصل ؛ اما چون اکثراً از روی تخمین است ، دروغ بیشتر در آن راه دارد . پس اکثر تمنی ها تصوّر چیزی اند که حقیقت ندارد (تمنی به معنای آرزوی واهی و بی اساس است) . خداوند متعال می فرماید: «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا يَتَمَنَّى ؛ (۱) مگر انسان آنچه را تمنا کند ، دارد؟» و «فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ ؛ (۲) پس ، تمنای مرگ کنید» و «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهَا أَيَّدَمًا ؛ (۳) و هرگز، آن را تمنا نمی کنید» . واژه «أمتیه» ، یعنی صورت حاصل در نفس از تمنای چیزی، و چون دروغ ، عبارت است از تصوّر چیزی که حقیقت (واقعیت) ندارد و آوردن آن ، تصوّر در قالب لفظ تمنی است ، چون خاستگاهی برای دروغ است. (۴)

أمل، در قرآن و حدیثواژه های «أمل» ، «رجاء» و «تمنی» ، در قرآن کریم نیز معنای نزدیک به هم دارند . در قرآن، دو بار واژه «أمل» به کار رفته است ؛ یک بار به معنای آرزوی نیکو (۵) و یک بار به معنای آرزوی

۱- .نجم : آیه ۲۴ .

۲- .بقره : آیه ۹۴ .

۳- .جمعه : آیه ۷ .

۴- .المفردات : ص ۷۷۹ .

۵- .کهف : آیه ۴۶ .

### یک . نقش اَمَل در زندگی فردی و اجتماعی

نکوهیده . (۱) واژه «رجاء» و مشتقات آن هم ۲۷ بار آمده که غالب آنها در آرزوهای نیکو به کار رفته است . به عکس واژه «منی» و مشتقات آن ، ۲۱ بار به کار رفته که در غالب موارد ، مقصود ، آرزوهای نکوهیده است . گفتنی است که شماری از روایات ، مؤید نظر تاج العروس در متفاوت بودن معنای «اَمَل» و «رجاء» است ؛ یعنی اَمَل ، غالباً در مواردی استعمال می شود که رسیدن به آن ، بعید به نظر می رسد. در این بخش ، نکات تربیتی مهمی درباره آرزو مورد توجه قرار گرفته که اجمالاً به آنها اشاره می کنیم :

یک . نقش اَمَل در زندگی فردی و اجتماعاً آرزوی کمال ، ریشه در سرشت انسان دارد . انسان ، ذاتاً در جستجوی کمال مطلق است و بدین جهت ، آرزوهای او حدّ و حصر ندارد . (۲) این خصوصیت فطری ، در حقیقت ، موتور زندگی و اصلی ترین عامل پیشرفت تمدن بشر و تکامل جامعه انسانی است . جهان ، با آرزو برپاست (۳) و انسان با آرزو زندگی می کند . اگر آرزو از آدمی گرفته شود ، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی دهد، (۴) هیچ باغبانی نهال نمی نشاند، ۵ هیچ پژوهشی انجام نمی شود ، هیچ کشف تازه ای در جهان علم ، رُخ نخواهد داد و سرانجام ، جامعه بشر ، هیچ حرکتی به سوی تکامل نخواهد داشت . از این رو ، پیامبر خدا ، آرزو را رحمتی می داند که خداوند متعال

۱- حجر: آیه ۳ .

۲- ر. ک: ص ۲۵ ح ۱۰ و ۱۱ .

۳- ر. ک: ص ۲۳ ح ۴ .

۴- ر. ک: ص ۲۱ ح ۱ .

به جامعه بشر ارزانی داشته است. (۱) مسئله مهم در بهره‌گیری انسان از این موهبت الهی، چگونگی تربیت آن است که اگر این خصوصیت فطری درست تربیت شود، انسان با دستیابی بر آرزوهای خود، آرامش پیدا می‌کند تا آن جا که به تدریج، به تعبیر قرآن، صاحب «نفس مطمئن» می‌گردد، و اگر درست تربیت نشود، آرزومند، سراب را آب می‌پندارد و همه عمر، در طلب سراب می‌دود. مرگش فرا می‌رسد، اما چیزی را می‌خواهد که بدان، دست پیدا نمی‌کند و اگر به چیزی که خیال می‌کرد در آرزوی آن است، دست یافت، مطلوب خود را در آن نمی‌بیند. لذا هیچ‌گاه در زندگی احساس راحتی و آرامش ندارد و به گفته امام علی علیه السلام: مَنْ سَعَى فِي طَلَبِ السَّرَابِ طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ. اَمَّنْ اَمَّلَ الرَّيَّ مِنَ السَّرَابِ خَابَ اَمَلُهُ وَمَاتَ بِعَطَشِهِ. (۲) هر که در طلب سراب بکوشد، زحمت او به درازا می‌کشد و تشنگی اش افزون می‌شود. هر که سیرابی از سراب را آرزو کند، به آرزویش نمی‌رسد و از تشنگی می‌میرد. به منظور تربیت آرزو، ابتدا باید دید که فطرت انسان در جستجوی چیست و آن‌گاه، آرزوهای درست را از آرزوهای نادرست جدا کرد. سپس با تمام توان برای رسیدن به آرزوهای

۱- ر. ک: ص ۲۱ ح ۱.

۲- ر. ک: ص ۷۶ ح ۹۷.

## دو . گم شده انسان

فطری حقیقی و اجتناب از آرزوهای کاذب کوشید.

دو . گم شده انسانفطرت آدمی ، مطلق گراست و آرزو دارد به کمال مطلق برسد . از این رو ، به هیچ حدّی از کمالات ، قانع نیست . این خصوصیت فطری ، یکی از دلایل مهم خداشناسی است ، چنان که در نامه امام خمینی رحمه الله به گورباچف ، رهبر شوروی سابق، به این نکته مهم ، اشاره شده است : انسان ، در فطرت خود ، هر کمالی را به طور مطلق می خواهد و شما خوب می دانید که انسان ، می خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است ، دل نبسته است . اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود: جهان دیگری هم هست ، فطرتا مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد . انسان ، هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود: علوم دیگری هم هست ، فطرتا مایل است آن علوم را هم بیاموزد . پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد . آن ، خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم ، گرچه خود ندانیم . انسان می خواهد به «حقّ مطلق» برسد تا فانی در خدا شود . (۱)

۱- . صحیفه امام : ج ۲۱ ص ۲۱ (نامه امام به گورباچف در تاریخ ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۷) .

ص: ۱۵

خداوند متعال ، با دادن این خصوصیت فطری به انسان ، در حقیقت ، آموزگارِ آرزومندان خویش است (۱) و گویا به انسان می گوید : گم شده تو منم . مطلوب و مأمول حقیقی تو منم . تو مرا که کمال مطلق هستم ، می خواهی و نمی دانی . همه آرزوها به من ختم می شود (۲) و بدین جهت ، اهل معرفت به من عشق می ورزند و نهایت آرزوهای آنان ، (۳) بلکه بالاتر از آرزوی آنان منم (۴) . اگر با من پیوند برقرار کردی ، در دنیا و آخرت ، کامیاب خواهی شد (۵) . در قرآن کریم آمده است : «مَنْ كَانُ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا. (۶) و هر کس پاداش دنیا را بخواهد ، پاداش دنیا و آخرت ، نزد خداست » . و آن هنگام به آرامش مطلق می رسید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ (۷) آگاه باش که با یاد خدا ، دل ها آرامش می یابد » . همچنین خداوند می فرماید : اگر مرا فراموش کنید ، خود را فراموش کرده اید :

۱- ر . ک : ص ۳۵ (آموزگار آرزو) .

۲- ر . ک : ص ۳۵ ح ۲۷ .

۳- ر . ک : ص ۴۹ (آرزوی نهایی دوستداران) .

۴- ر . ک : ص ۵۱ (بالاتر از آرزوها) .

۵- ر . ک : دانش نامه میزان الحکمه : ج ۵ ص ۳۱ (جامعه نمونه) .

۶- نساء : آیه ۱۳۴ .

۷- رعد : آیه ۲۸ .



## سه . راه رسیدن به آرزو و آفت آن

«تَسْأُوا اللَّهَ فَأَنْسِلُهُمْ أَنْفُسَهُمْ . (۱) خدا را فراموش کردند، پس خدا هم خویشتن آنها را از یادشان بُرد . و در این صورت ، انسان، به هر آرزویی از خواسته های خود دست یابد ، احساس آرامش نخواهد داشت : «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا . (۲) هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت ، زندگی تنگی خواهد داشت . و با این وصف ، خداوند، خطاب به انسان می فرماید : اگر می خواهی بهتر خود را به تو معرفی کنم ، من همانم که وقتی امیدت از همه جا قطع شد ، از من قطع امید نمی کنی و با همه وجود به من پناه می آوری و مرا می خوانی و از من، حلّ مشکل خود را می خواهی .

سه . راه رسیدن به آرزو و آفت آنهنگامی که انسان ، هدف نهایی زندگی و برترین آرزوها را تشخیص داد ، همه خواسته ها و آرمان های او در جهت رسیدن به این هدف قرار می گیرد ؛ زیرا می داند هر خواسته ای که در جهت این آرزوی بزرگ است ، درست و حق است و هر چه در جهت خلاف آن است ، نادرست و باطل است . اما رسیدن به آرمان های ارزشمند ، در نخستین گام ، نیازمند انگیزه نیکو و خودباوری ، سپس تلاش ، صبر ، استقامت ، توکل بر خداوند متعال و یاری خواستن از اوست .

---

۱- حشر : آیه ۱۹ .

۲- طه : آیه ۱۲۴ .

**چهار . خطر آرزوی دراز**

در مقابل ، تشخیص ندادن هدف زندگی ، نیازهای حقیقی و آرزوهای درست ، اهمیت ندادن به زندگی جاوید ، کسالت ، بی صبری ، اشتغال به کارهای بیهوده و سرگرمی های زیانبار ، آلودگی های اخلاقی و عملی ، و از همه مهم تر ، متکی نبودن بر استعداد های خدادادی و تکیه کردن بر غیر خداوند متعال در زندگی ، آفت رسیدن به آرزوهاست . رهنمودهای ارزنده اهل بیت علیهم السلام در این باره ، در فصل سوم و چهارم ، خواهد آمد .

چهار . خطر آرزوی درازپیش از این توضیح دادیم که آرزو ، رحمت الهی و قوام زندگی است . ممکن است کسی چنین بیندارد که انسان ، باید از این رحمت و سرمایه ، هر چه بیشتر استفاده کند . بنا بر این ، چرا احادیث اسلامی نسبت به خطر آرزوی دراز ، هشدار داده اند؟ در پاسخ باید گفت : درست است که آرزو ، نعمت است و سرمایه زندگی ؛ اما اگر این سرمایه درست مصرف نشود ، همانند همه نعمت های دیگر الهی ، به نعمت تبدیل می شود و موجب بدبختی و تیره روزی انسان می گردد . نخستین شرط بهره گیری از نعمت آرزو ، معرفت است . اگر کسی نداند در دنیا چه آرزوهایی عقلانی ، منطقی و دست یافتنی است ، عمر خود را صرف خیالات و موهوماتی می کند که هیچ گاه بدانها دست نخواهد یافت . نکته قابل تأمل ، این که در احادیث اسلامی ، از یک سو جهل ، حماقت ، غفلت ، آلوده گی های اخلاقی و عملی ، دنیاپرستی و

### پنج . حکمت کوتاه کردن آرزو

شقاوت به عنوان ریشه های آرزوهای باطل و نکوهیده ، معرّفی شده اند و از سوی دیگر ، زوال عقل و از دست رفتن بصیرت ، فراموشی زندگی پس از مرگ ، قساوت قلب ، کوتاهی در انجام دادن کارهای نیک و یا فراموشی آنها و افتادن در دام انواع فسادها و سختی ها و ناکامی ها ، به عنوان آثار و زیان های آرزوهای نکوهیده ، مطرح گردیده اند . این گونه سخن گفتن درباره زمینه ها و زیان های آرزو نکوهیده ، بدان معناست که مرتبه پایین تری از جهل و آلودگی های اخلاقی و عملی ، مبدأ و ریشه آرزوهای باطل و مرحله ای بالاتر از آن ، معلول آرزوهای نکوهیده است ، بدین سان که انسان در اثر نادانی ، چیزهایی را آرزو و طلب می کند که او را از نظر اخلاقی و عملی آلوده می کنند ، و آلودگی ذهن و جان نیز ، زمینه ساز جهل افزون تر و آرزوهای خطرناک تر می گردد ، تا آن جا که در کام مرگ ، فرو رود و بدین ترتیب ، هر چه آرزوهای باطل انسان طولانی تر گردد ، جهل و آلودگی و ناکامی او در زندگی بیشتر می شود .

پنج . حکمت کوتاه کردن آرزو با تأمل در آنچه در تبیین خطر داشتن آرزوهای بلند ، بدان اشارت رفت ، حکمت توصیه اکید پیشوایان اسلام به پیروان خود در مورد ضرورت کوتاه کردن آرزوهای مادی روشن می شود . افزون بر این ، ارزش هایی از قبیل : نیکوکاری ، اخلاص ، صداقت ، پارسایی ، سلامت جان ، بی نیازی روحی و مهم تر : دستیابی به معارف شهودی و در نهایت ، آسایش همیشگی در بهشت جاوید ،

ص: ۱۹

از نگاه احادیث اسلامی، از آثار کوتاه کردن آرزوهای مادی است. دقت در آنچه ذکر شد، نشان می‌دهد که توصیه احادیث اسلامی به کوتاه کردن آرزو، برای بهره‌گیری بیشتر از زندگی و بیان نقش این موهبت الهی در خودسازی و سازندگی است و هرگز به معنای ندیدن افق آینده زندگی که مانع پیشرفت‌های مادی می‌شود نیست. در این باره، به یاری خدا، در همین دانش نامه، در ذیل عنوان «دنیا»، به تفصیل، سخن خواهیم گفت.

ص: ۲۰

الفصل الأول : دور الأمل في الحياة ۱ / اَرْحَمَهُ مِنَ اللّٰهِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّمَّا الأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللّٰهِ لِأُمَّتِي ، لَوْلَا الأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمٌّ وَلَدًا ، وَلَا عَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا. (۱)

۱ / ۲ رفیق مؤنسلا امام علی علیه السلام: الأمل رفیق مؤنس. (۲)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوب إليه : الأمل رفیق مؤنس ، إن لم يُبلغك فقد استمتعت به. (۳)

- 
- ۱- تاریخ بغداد : ج ۲ ص ۵۲ الرقم ۴۴۸ ، الفردوس : ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۱۳۶۹ ، لسان المیزان : ج ۵ ص ۸۱ ح ۲۶۷ کلها عن أنس ، کنز العمال : ج ۳ ص ۴۹۱ ح ۷۵۶۰ ؛ نزهه الناظر : ص ۲۱ ح ۵۱ ، أعلام الدين : ص ۲۹۵ نحوه ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۱۷۳ ح ۸ .
  - ۲- غرر الحكم : ح ۱۰۴۲ ، عیون الحكم والمواعظ : ص ۲۹ ح ۴۴۲ .
  - ۳- شرح نهج البلاغه : ج ۲۰ ص ۳۴۰ ح ۹۰۱ ؛ غرر الحكم : ح ۱۰۴۲ ، عیون الحكم والمواعظ : ص ۲۹ ح ۴۴۲ وليس فیهما ذیلہ .

ص: ۲۱

**فصل یکم : نقش آرزو در زندگی****۱ / ۱ لطف و رحمتی از جانب خداوند****۱ / ۲ همراهی همدم**

فصل یکم : نقش آرزو در زندگی ۱ / ۱ لطف و رحمتی از جانب خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آرزو، در حقیقت، رحمتی از جانب خداوند برای امت من است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزندی را شیر نمی داد و هیچ باغبانی، نهالی نمی کاشت.

۱ / ۲ همراهی همدم امام علی علیه السلام : آرزو، همراهی همدم است.

امام علی علیه السلام از حکمت های منسوب به ایشان : آرزو، همراهی همدم است. اگر تو را [به مقصد] نرساند، [لااقل] از او بهره مند می شوی.

ص: ۲۲

۱ / ۳ قِوَامُ الدُّنْيَا لِإِمَامٍ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّنْيَا بِالْأَمَلِ . (۱)

عنه عليه السلام : كُلُّ امْرِئٍ طَالِبٌ أُمِّيَّتُهُ وَمَطْلُوبٌ مَيِّتُهُ . (۲)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ : الْآمَالُ مَطَايَا ، وَرُبَّمَا حَسِرَتْ وَنَقَبَتْ (۳) أَخْفَافُهَا . (۴)

عنه عليه السلام : يَبْلُغُ الْآمَالِ يَهُونُ رُكُوبُ الْأَهْوَالِ . (۵)

عنه عليه السلام : إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ (۶) حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلِ ، وَعُمِرَتْ بِالْآمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ . (۷)

تاریخ دمشق عن داود بن أبي هند وحميد: بينما عيسى عليه السلام جالس وشيخ يعمل بمسحاته يثير بها الأرض ، فقال عيسى عليه السلام : اللَّهُمَّ انزع منه الأمل . فوضع الشيخ المسحاة واضطجع فلبث ساعة . فقال عيسى عليه السلام : اللَّهُمَّ اردد إليه الأمل . فقام فجعل يعمل . فقال له عيسى عليه السلام : ما لك بينما أنت تعمل ألقى مسحاتك واضطجعت ساعة ، ثم إنك قمت بعد تعمل؟! فقال الشيخ : بينا أنا أعمل إذ قالت لي نفسي : إلى متى تعمل وأنت شيخ كبير؟! فألقى المسحاة واضطجعت . ثم قالت لي نفسي : والله ما بذلك من عيش ما بقيت ، فقامت إلى مسحاتي . (۸)

۱- غرر الحكم : ح ۲۳۵ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۶۱ ح ۱۵۷۳ .

۲- غرر الحكم : ح ۶۹۱۰ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۷۷ ح ۶۳۸۴ .

۳- نَقَبَ الْخَفُّ : خُرَّقَ . وَنَقَبَ الْبَعِيرُ : رَقَّتْ أَخْفَافُهُ (مجمع البحرين : ج ۳ ص ۱۸۲۲ «نقب»).

۴- شرح نهج البلاغه : ج ۲۰ ص ۳۰۷ ح ۵۱۸ .

۵- غرر الحكم : ح ۴۳۵۸ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۱۸۹ ح ۳۸۹۲ .

۶- خَضِرُهُ : أَي غَضُهُ نَاعِمَةٌ طَرِيهٌ (النهاية : ج ۲ ص ۴۱ «خضر»).

۷- تحف العقول : ص ۱۸۰ ، نهج البلاغه : الخطبه ۱۱۱ وفيه «تحلت» بدل «عمرت» ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۱۴ ح ۷۳ ؛ الجوهره : ص ۷۹ ، مطالب السؤل : ص ۵۰ .

۸- تاريخ دمشق : ج ۴۷ ص ۴۶۸ ؛ تنبيه الخواطر : ج ۱ ص ۲۷۲ وفيه «لابد لك من عيش» بدل «ما بذلك من عيش» ، بحار الأنوار : ج ۱۴ ص ۳۲۹ ح ۵۸ .

## ۱ / ۳ مایه برپایی دنیا

۱ / ۳ مایه برپایی دنیا امام علی علیه السلام: دنیا، به آرزو برپاست.

امام علی علیه السلام: هر انسانی در پی آرزوی خویش است و مرگ، در پی اوست.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: آرزوها مَرگب اند و گاه باشد که فرو بمانند و شَم هایشان بسایند.

امام علی علیه السلام: با [امید] رسیدن به آرزوهاست که به پیشواز خطرها رفتن، آسان می شود.

امام علی علیه السلام: من، شما را از دنیا برحذر می دارم؛ چرا که دنیا، شیرین و چشم نواز است، آکنده از خواهش های نفسانی و دل بسته دنیاست؛ به آرزوها آباد است و به فریبندگی ها، آراسته.

تاریخ دمشق به نقل از داوود بن ابی هند و حُمید: عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل خود، سرگرم کار بود و زمین را شخم می زد. عیسی علیه السلام گفت: «خدایا! آرزو را از او بگیر». پیرمرد، در دم، بیل را زمین گذاشت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی علیه السلام گفت: «خدایا! آرزو را به او بازگردان». بی درنگ، آن پیر برخاست و به کار کردن پرداخت. عیسی علیه السلام به او فرمود: «چه شد که کار می کردی و بیل را انداختی و ساعتی دراز کشیدی. سپس، دوباره برخاستی و به کار پرداختی؟!» پیرمرد گفت: همان طور که مشغول کار بودم، نفسم به من گفت: تا کی کار می کنی؟ دیگر پیر و سال خورده گشته ای؟! پس، بیل را انداختم و دراز کشیدم. سپس نفسم به من گفت: به خدا سوگند، تا زنده ای باید کار کنی. برخاستم و بیل را برداشتم.



ص: ۲۴

۱ / ۴ أبعدُ الأشياءِ الإمامَ عليَّ عليه السلام: الآمالُ لا تنتهي. (۱)

عنه عليه السلام: الأملُ لا غايةَ له. (۲)

الإمام الرضا عليه السلام: أبعدُ الأشياءِ الأملُ. (۳)

۱ / ۵ يَشِبُّ فِي الْهَرَمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَتَشِبُّ مِنْهُ اثْنَتَانِ: الْحِرْصُ وَالْأَمَلُ. (۴)

عنه صلى الله عليه و آله: لا يزالُ قلبُ الكبيرِ شابًا فيأثنتين: في حُبِّ الدُّنيا و طولِ الأملِ. (۵)

۱- غرر الحكم: ح ۶۳۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۰ ح ۱۲۹۲.

۲- غرر الحكم: ح ۱۰۱۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۰ ح ۴۵۲.

۳- جامع الأحاديث للقمي: ص ۲۲۸، غرر الحكم: ح ۲۹۲۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۳ ح ۲۴۹۴ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام وفيهما «شيء» بدل «الأشياء».

۴- تحف العقول: ص ۵۶، المجازات النبويه: ص ۳۵۱ ح ۲۶۹، تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۶۳ وفيه «حب المال» بدل «الحرص»، الخصال: ص ۷۳ ح ۱۱۳ عن أنس، إرشاد القلوب: ص ۳۹، روضه الواعظين: ص ۴۷۰ وفي الثلاثة الأخيره «تبقى» بدل «تشب»، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۶۱ ح ۷؛ صحيح مسلم: ج ۲ ص ۷۲۴ ح ۱۱۵ وفيه «الحرص على المال والحرص على العمر»، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۲۳۱ ح ۱۲۱۴۳، الزهد لابن المبارك: ص ۸۷ ح ۲۵۶ وفيهما «يبقى» بدل «تشب» وكلها عن أنس، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۶۰ ح ۷۴۳۷.

۵- صحيح البخاري: ج ۵ ص ۲۳۶۰ ح ۶۰۵۷ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۹۰ ح ۷۵۵۶.

ص: ۲۵

**۱ / ۴ دورترین چیزها****۱ / ۵ در پیری جوان می شود**

۱ / ۴ دورترین چیزها امام علی علیه السلام: آرزوها، پایان ندارند.

امام علی علیه السلام: آرزو را پایانی نیست.

امام رضا علیه السلام: دورترین چیزها آرزوست.

۱ / ۵ در پیری جوان می شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی زاده، پیر می شود و دو چیز در او جوان می گردد: آرزو آرزو.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل پیر، همواره در دو چیز، جوان است: در دنیا دوستی و داشتن آرزوی دراز.

ص: ۲۶

۱ / ۶ مَثَلُ الْأَجَلِ وَالْأَمَلِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَثَلُ الْإِنْسَانِ وَالْأَمَلِ وَالْأَجَلِ؛ فَمَثَلُ الْأَجَلِ إِلَى جَانِبِهِ وَالْأَمَلُ أَمَامَهُ، فَبَيْنَمَا هُوَ يَطْلُبُ الْأَمَلَ أَمَامَهُ أَتَاهُ الْأَجَلُ فَاخْتَلَجَهُ (۱). (۲).

الترغيب والترهيب عن أنس: خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطًّا، وَقَالَ: هَذَا الْإِنْسَانُ، وَخَطَّ إِلَى جَانِبِهِ خَطًّا وَقَالَ: هَذَا أَجْلُهُ، وَخَطَّ آخَرَ بَعِيدًا مِنْهُ فَقَالَ: هَذَا الْأَمَلُ، فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ جَاءَهُ الْأَقْرَبُ. (۳).

عارضه الأحمدي عن أبي سعيد الخدري: غَرَسَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عودًا بَيْنَ يَدَيْهِ وَآخَرَ إِلَى جَانِبِهِ وَآخَرَ بَعْدَهُ، وَقَالَ: أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: هَذَا الْإِنْسَانُ، وَهَذَا الْأَمَلُ، فَتَعَاطَى الْأَمَلُ فَيَخْتَلِجُهُ الْأَجَلُ دُونَ الْأَمَلِ. وَهَذِهِ صَوْرَتُهُ: (۴).

M۴۱۳\_T۱\_File\_۳۵۶۰۶۱۹

۱- يقال: اخْتَلَجَتِ الْمَيِّتُ الْقَوْمَ؛ أَي اجْتَدَبْتَهُمْ (لسان العرب: ج ۲ ص ۲۵۸ «خلج»).

۲- الفردوس: ج ۴ ص ۱۴۴ ح ۶۴۴۴، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۹۴ ح ۷۵۷۴ نقلاً عن ابن أبي الدنيا وكلاهما عن أنس.

۳- الترغيب والترهيب: ج ۴ ص ۲۴۴ ح ۲۲، صحيح البخاري: ج ۵ ص ۲۳۵۹ ح ۶۰۵۵، السنن الكبرى: ج ۳ ص ۵۱۴ ح ۶۵۰۵ كلاهما نحوه.

۴- عارضه الأحمدي بشرح صحيح الترمذي: ج ۱۰ ص ۳۲۰؛ تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۲۷۲ نحوه.

ص: ۲۷

## ۱ / ۶ حکایت اجل و آرزو

۱ / ۶ حکایت اجل و آرزو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت انسان و آرزو و اجل، چنان است که اجل در کنار اوست و آرزو، پیشاپیش او: در حالی که آرزو را پیش روی خود دنبال می‌کند، ناگاه، اجل فرا می‌رسد و او را در می‌زباید.

الترغیب والترهیب به نقل از آنس: پیامبر خدا، خطی کشید و فرمود: «این انسان است» و در کنار آن، خط دیگری کشید و فرمود: «این، اجل اوست» و دورتر از آن، خط سومی کشید و فرمود: «این هم آرزوست». در حالی که انسان سرگرم است، ناگهان، آن نزدیک تر، خود را به او می‌رساند.

عارضه الأحمودی به نقل از ابوسعید خُدَری: پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه چوبی در برابر خود به زمین فرو بُرد و چوب دیگری در کنار آن و یک چوب دیگر، بعد از آن. سپس فرمود: «آیا می‌دانید این چیست؟». گفتند: خدا و پیامبر او بهتر می‌دانند. فرمود: «این یکی، انسان است و این، آرزو. در حالی که سرگرم آرزوست، اجل، او را در می‌زباید و مانع رسیدنش به آرزو می‌شود. تصویر آن، چنین است»:

M۴۱۳\_T۱\_File\_۳۵۶۰۶۲۵

ص: ٢٨

عارضه الأَحْوَذِيَّ عن الزبيح بن خثيم عن عبد الله وَاللَّفْظُ لِلْبَخَارِيِّ : خَطَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطًّا مُرَبَّعًا وَخَطًّا خَطًّا فِي الْوَسَيْطِ وَخَطًّا خَطًّا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسَيْطِ مِنْ جَانِبِهِ ، فَقَالَ : هَذَا الْإِنْسَانُ وَهَذَا أَجْلُهُ مُحِيطٌ بِهِ وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ أَمْلُهُ ، وَهَذِهِ الْخِطُّ الصِّغَارُ الْأَعْرَاضُ ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا ... . قَالَ ابْنُ الْعَرَبِيِّ : لَمْ يُتَقَنَّ الْبَخَارِيُّ هَذَا الْحَدِيثَ : فَإِنَّهُ مَهْدٌ ثَلَاثَةٌ مَعَانِي ، وَهِيَ الْخَطُّ الْمُرَبَّعُ وَاحِدٌ ، وَالْخَطُّ الَّذِي فِي وَسْطِهِ اثْنَانُ ، وَالْخِطُّ الصِّغَارُ ثَلَاثَةٌ ، ثُمَّ قَالَ : أُعْطِيَ لِكُلِّ مَمَّهْدٍ مِثَالَهُ ، فَقَالَ : هَذَا الْإِنْسَانُ وَاحِدٌ ، وَهَذَا أَجْلُهُ مُحِيطٌ بِهِ اثْنَانُ ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ أَمْلُهُ ثَلَاثَةٌ ، وَهَذِهِ الْخِطُّ الصِّغَارُ الْأَعْرَاضُ أَرْبَعَةٌ . وَإِنَّمَا صَوَابُهُ مَا رَوَاهُ غَيْرُهُ ، قَالَ عَبْدُ اللَّهِ : خَطَّ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطًّا مُرَبَّعًا وَخَطًّا وَسَطَ الْخَطِّ الْمُرَبَّعِ ، وَخَطَّ خُطُوطًا إِلَى جَانِبِ الْخَطِّ الَّذِي فِي وَسَيْطِ الْمُرَبَّعِ ، وَخَطَّ خَارِجَ الْخَطِّ الْمُرَبَّعِ ، ثُمَّ قَالَ : أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ : هَذَا الْخَطُّ الْأَوْسَطُ الْإِنْسَانُ ، وَالْخُطُوطُ الَّتِي إِلَى جَانِبِهِ الْأَعْرَاضُ ، وَالْأَعْرَاضُ تَنْهَشُهُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ ؛ إِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا أَصَابَهُ هَذَا ، وَالْخَطُّ الْمُرَبَّعُ الْأَجَلُ الْمُحِيطُ بِهِ ، وَالْخَطُّ الْخَارِجُ الْبَعِيدُ الْأَمْلُ ، وَهَذِهِ صَوْرَتُهُ: (١)

M٤١٣\_T١\_File\_٣٥٦٠٦٢٧

١- .عارضه الأَحْوَذِيَّ بشرح صحيح الترمذی : ج ١٠ ص ٣١٨ وراجع صحيح البخاری : ج ٥ ص ٢٣٥٩ ح ٦٠٥٤ والترغيب والترهيب : ج ٤ ص ٢٤٤ ح ٢١ .

ص: ۲۹

عارضه الأحمودی به نقل از ربیع بن خُثیم ، از عبد الله (لفظ از بخاری است) : پیامبر صلی الله علیه و آله مرتعی رسم کرد و در وسط آن ، خطی کشید و در چهار طرف آن خط ، خطوط کوچکی رسم کرد و آن گاه فرمود: «این ، انسان است و این هم اجل اوست که او را در میان گرفته است و این خطی که بیرون قرار دارد ، آرزوی اوست و این خطوط کوچک ، بلایا و حوادث اند. اگر این یکی [خط] به او نخورد ، این دیگری او را می‌گذرد...». ابن عربی می‌گوید: بخاری، این حدیث را به درستی نیاورده؛ چرا که سه معنا برشمرده است: یکی ، مربع ؛ دوم ، خطی که در میان آن است ؛ و سوم ، خطوط کوچک. ابن عربی ، سپس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله برای هر موردی مثالش را آورده و فرموده است: «این ، انسان است ، یک؛ این ، اجل اوست که او را در میان گرفته است ، دو؛ این خطی که بیرون از مربع است ، سه؛ و این خطوط کوچک ، بلایا و حوادث اند ، چهار». صورت درست این حدیث ، آن است که دیگرانی غیر از بخاری روایت کرده اند عبدالله گفته است: پیامبر خدا ، برای ما چارگوشی رسم کرد و در وسط چار گوش ، خطی کشید و در کناره های خط میان چار گوش ، خطوطی رسم کرد و بیرون چار گوش نیز یک خط کشید . سپس فرمود: «می‌دانید این چیست؟». گفتند : خدا و پیامبر او داناترند . فرمود: «این خط میانی ، انسان است ؛ خطوطی که در اطراف آن هستند ، بلایا و حوادث اند و این بلایا و حوادث ، از هر سو او را می‌گزند . اگر این یکی به هدف نخورد ، آن یکی به او می‌خورد . چار گوش ، اجل است که او را در میان گرفته، و خط بیرونی و فاصله دار ، آرزوست. تصویر آن ، چنین است» :

ص: ٣٠

معدن الجواهر: أَخَذَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] حَجْرَيْنِ فَأَلْقَى بَيْنَ يَدَيْهِ حَجْرًا وَقَالَ: هَذَا أَمَلُ ابْنِ آدَمَ . وَأَلْقَى خَلْفَهُ حَجْرًا وَقَالَ : هَذَا أَجَلُهُ ، فَهُوَ يَرَى أَمَلَهُ وَلَا يَرَى أَجَلَهُ. (١)

الإمام علي عليه السلام: الأجلُ حصادُ الأملِ. (٢)

عنه عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِعْلَمْ يَقِينَا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ ، وَأَنَّكَ فِي سَبِيلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ. (٣)

عنه عليه السلام: لَا تَخْلُو النَّفْسُ مِنَ الْأَمَلِ حَتَّى تَدْخُلَ فِي الْأَجْلِ. (٤)

١- معدن الجواهر : ص ٢٥ .

٢- غرر الحكم : ح ٦٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩ ح ٤٤٥ .

٣- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ص ٧٧ ، كشف المحجّه : ص ٢٣٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٣٩ ح ٨٨ ؛ كنز العمال : ج ١٩ ص ١٧٥ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

٤- غرر الحكم : ح ١٠٨٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٧ ح ٩٨٧٢ .

ص: ۳۱

معدن الجواهر: پیامبر خدا، دو عدد سنگ برداشت و یکی را جلوی خود انداخت و فرمود: «این، آرزوی پسر آدم است». سپس سنگ دیگر را پشت آن انداخت و فرمود: «این، اجل اوست. بنا بر این، او آرزویش را می بیند و اجلش را نمی بیند».

امام علی علیه السلام: اجل دروکننده آرزوست.

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به فرزندش حسن علیه السلام: یقین بدان که تو هرگز به آرزویت نمی رسی و هرگز از اجلت فراتر نمی روی. تو همان راهی را می روی که آنان که پیش از تو بوده اند، رفته اند.

امام علی علیه السلام: آدمی تا پایان عمر، از آرزو تهی نیست.



ص: ۳۲

عنه عليه السلام: غايَةُ الأَمَلِ الأَجَلُ. (۱)

عنه عليه السلام: فَيُغْرورُ الأَمالِ انقِضاءُ الأَجالِ. (۲)

عنه عليه السلام: تَأريخُ المُنَى المَوْتُ. (۳)

الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام مِنْ خُطْبِهِ لَهُ بِالبَصْرَةِ: إِعْلَمُوا أَنَّكُمْ فِي أَجَلٍ مَحْدودٍ وَأَمَلٍ مَمْدودٍ وَنَفْسٍ مَعْدودٍ ، وَلأَبَدٌ لِلأَجَلِ أَنْ يَتَناهى ، وَلِلأَمَلِ أَنْ يُطوى ، وَلِلنَّفْسِ أَنْ يُحصى . ثُمَّ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ وَقَرَأَ : «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا كَتِيبِينَ \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ » (۴) . (۵)

۱- غرر الحكم : ح ۶۳۵۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۴۹ ح ۵۹۲۵ .

۲- غرر الحكم : ح ۶۴۷۱ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۵۴ ح ۶۰۰۲ .

۳- تحف العقول : ص ۲۱۴ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۵۳ ح ۸۷ .

۴- الإنفطار : ۱۲۱۰ .

۵- الأمالی للصدوق : ص ۱۷۱ ح ۱۶۹ عن مسعده بن صدقه ، روضه الواعظین : ص ۵۳۵ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار

الأنوار : ج ۷۸ ص ۷۰ ح ۲۴ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ۲۰ ص ۲۸۱ ح ۲۲۳ .

ص: ۳۳

امام علی علیه السلام: پایانه آرزو، اجل است.

امام علی علیه السلام: در فریب آرزوها، عمرها به پایان می رسد.

امام علی علیه السلام: تاریخ آرزوها، مرگ است.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش امام علی علیه السلام [در سخنرانی اش] در بصره فرمود: «بدانید که شما عمری محدود و آرزویی دامنه دار و نفسی معدود دارید. ناگزیر، عمر به پایان می رسد و طومار آرزو، پیچیده می شود و نفس، به شماره می افتد». آن گاه، چشمان ایشان اشکبار شد و این آیات را خواند: «و قطعاً بر شما نگهبانانی گماشته است؛ بزرگوارانی نویسنده [ی اعمال شما] که آنچه انجام می دهید، می دانند» .

الفصل الثاني: المأمول الحقيقي ٢ / ١ مُعَلِّمُ الْأَمَلِ بِحَارِ الْأَنْوَارِ عَنْ نَوْفِ الْبِكَالِيِّ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُبَادِرًا، فَقُلْتُ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: دَعْنِي يَا نَوْفُ، إِنَّ أَمَالِي تُقَدِّمُنِي فِي الْمَحْبُوبِ، فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ وَمَا أَمَالُكَ؟ قَالَ: قَدْ عَلِمَهَا الْمَأْمُولُ وَاسْتَعْيَتْ عَنْ تَبْيِينِهَا لِعَيْرِهِ، وَكَفَى بِالْعَبْدِ أَدْبًا أَنْ لَا يُشْرِكَ فِي نِعْمِهِ وَإِرْبِهِ (١) غَيْرَ رَبِّهِ. فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي خَائِفٌ عَلَى نَفْسِي مِنَ الشَّرِّ (٢)، وَالتَّطَلُّعُ إِلَى طَمَعٍ مِنْ أَطْمَاعِ الدُّنْيَا. فَقَالَ لِي: وَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ عِصْمَةِ الْخَائِفِينَ وَكَهْفِ الْعَارِفِينَ؟! فَقُلْتُ: دَلَّنِي عَلَيْهِ! قَالَ: اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؛ تَصَلِّ أَمَلُكَ بِحُسْنِ تَفَضُّلِهِ، وَتُقْبَلُ عَلَيْهِ بِهَمِّكَ، وَأَعْرِضْ عَنِ النَّازِلِ فِي قَلْبِكَ، فَإِنَّ أَجَلَكَ بِهَا فَأَنَا الضَّامِنُ مِنْ مَوْرِدِهَا، وَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّهُ يَقُولُ: «وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا تُقَطَّعَنَّ أَمَلٌ كُلٌّ مِنْ يُؤْمَلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ، وَلَا كَشُونَهُ ثَوْبَ الْمَدْلَةِ فِي النَّاسِ، وَلَا بَعْدَنَهُ مِنْ قُرْبِي، وَلَا قُطْعَنَهُ عَنْ وَصَلِي، وَلَا خَمْلَانَ (٣) ذَكَرَهُ حِينَ يَرَعَى غَيْرِي. أَيْؤْمَلُ وَيَلْمُهُ لِشِدَائِدِهِ غَيْرِي وَكَشَفُ الشَّدَائِدِ بِيَدِي؟! وَيَرْجُو سِوَايَ وَأَنَا الْحَيُّ الْبَاقِي! وَيَطْرُقُ أَبْوَابَ عِبَادِي وَهِيَ مُعَلَّقَةٌ وَيَتْرُكُ بَابِي وَهُوَ مَفْتُوحٌ! فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِكَثِيرِ جُرْمِهِ فَخَبِثَتْ رَجَاءَهُ؟! جَعَلْتُ أَمَالَ عِبَادِي مُتَصَلِّهًا لِي، وَجَعَلْتُ رَجَاءَهُمْ مَدْخُورًا لَهُمْ عِنْدِي، وَمَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ تَسْبِيحِي، وَأَمَرْتُ مَلَائِكَتِي أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، أَلَمْ يَعْلَمْ مَنْ فَدَحَتْهُ (٤) نَائِبُهُ مِنْ نَوَائِبِي أَنْ لَا يَمْلِكَ أَحَدٌ كَشْفَهَا إِلَّا بِإِذْنِي؟! فَلِمَ يُعْرِضُ الْعَبْدُ بِأَمَلِهِ عَنِّي وَقَدْ أُعْطِيْتُهُ مَا لَمْ يَسْأَلْنِي، فَلِمَ يَسْأَلُنِي وَسَأَلَ غَيْرِي؟ أَفْتَرَانِي أَبْتَدِي خَلْقِي مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ، ثُمَّ أَسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي؟! أَبْخِيلُ أَنَا فَيُخْلِنِي عَبْدِي؟ أَوْلَيْسَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ لِي؟ أَوْلَيْسَ الْكَرَمُ وَالْجُودُ صِفَتِي؟ أَوْلَيْسَ الْفَضْلُ وَالرَّحْمَةُ بِيَدِي؟ أَوْلَيْسَ الْأَمَالَ لَا يَنْتَهِي إِلَّا إِلَيَّ، فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي؟ وَمَا عَسَى أَنْ يُؤْمَلَ الْمُؤْمَلُونَ مِنْ سِوَايَ؟! وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْ جَمَعْتُ أَمَالَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ، مَا نَقَصَ مِنْ مُلْكِي بَعْضُ عُضْوِ الذَّرَّةِ، وَكَيْفَ يَنْقُصُ نَائِلٌ أَنَا أَفْضَتُهُ؟! يَا بُوْسَا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي، يَا بُوْسَا لِمَنْ عَصَانِي وَتَوَثَّبَ عَلَيَّ مَحَارِمِي، وَلَمْ يُرَاقِبْنِي وَاجْتَرَأَ عَلَيَّ». ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ السَّلَامُ لِي: «يَا نَوْفُ! ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: إِلَهِي إِنْ حَمَدْتِكَ فِيمَا وَهَبْتِكَ، وَإِنْ مَجَّدْتِكَ فِيمَادِكِ، وَإِنْ قَدَّسْتِكَ فَبِقُدْرَتِكَ، وَإِنْ هَلَّلْتِكَ فَبِقُدْرَتِكَ، وَإِنْ نَظَرْتَ فِإِلَى رَحْمَتِكَ، وَإِنْ عَضَّضْتَ (٥) فَعَلِي نِعْمَتِكَ، إِلَهِي إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوَلُوعُ (٦) بِذِكْرِكَ، وَلَمْ يَزُوهُ (٧) السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيْتَةً وَمَيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً. إِلَهِي تَنَاهَتْ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ إِلَيْكَ بِسَرَائِرِ الْقُلُوبِ، وَطَالَعَتْ أَصْغَى السَّامِعِينَ لَكَ نَجِيَّاتِ الصُّدُورِ، فَلَمْ يَلْقَ أَبْصَارُهُمْ رُدًّا دُونَ مَا يُرِيدُونَ، هَتَكَتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ حُجُبَ الْعَفْلَةِ، فَسَكَنُوا فِي نُورِكَ، وَتَنَفَّسُوا بِرُوحِكَ، فَصَارَتْ قُلُوبُهُمْ مَغَارِسَ لَهَيْتِكَ، وَأَبْصَارُهُمْ مَأَكْفَ لِقُدْرَتِكَ، وَقَرَّبَتْ أَرْوَاحُهُمْ مِنْ قُدْسِكَ، فَجَالَسُوا اسْمَكَ بِوَقَارِ الْمُجَالَسَةِ، وَخُضُوعِ الْمُخَاطَبَةِ، فَاقْبَلْتَ إِلَيْهِمْ إِقْبَالَ الشَّفِيقِ، وَأَنْصَتَ لَهُمْ إِنْصَاتَ الرَّفِيقِ، وَأَجَبْتَهُمْ إِجَابَاتِ الْأَحْبَاءِ، وَنَاجَيْتَهُمْ مُنَاجَاةَ الْأَخْلَاءِ، فَبَلَّغَ بِي الْمَحَلَّ الَّذِي إِلَيْهِ وَصَلُوا، وَأَنْقَلْنِي مِنْ ذِكْرِي إِلَى ذِكْرِكَ، وَلَا تَتْرُكْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَلَكُوتِ عِزِّكَ بَابًا إِلَّا فَتَحْتَهُ، وَلَا حِجَابًا مِنْ حُجُبِ الْعَفْلَةِ إِلَّا هَتَكْتَهُ، حَتَّى تُقِيمَ رُوحِي بَيْنَ ضِيَاءِ عَرْشِكَ، وَتَجْعَلَ لَهَا مَقَامًا نُصَبَ نُورِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي مَا أَوْحَشَ طَرِيقًا لَا يَكُونُ رَفِيقِي فِيهِ أَمَلِي فِيكَ، وَأَبْعَدَ سَفَرًا لَا يَكُونُ رَجَائِي مِنْهُ دَلِيلِي مِنْكَ، خَابَ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِ غَيْرِكَ، وَضَعُفَ رُكْنٌ مَنْ اسْتَنَّادَ إِلَى غَيْرِ رُكْنِكَ. فَيَا مُعَلِّمَ مُؤْمَلِيهِ الْأَمَلِ فَيَذْهَبُ عَنْهُمْ كَأَنَّهُ الْوَجَلُ (٨)، لَا تَحْرَمْنِي صَالِحَ الْعَمَلِ، وَآكَلَانِي كَلَاءَةً (٩) مَنْ فَارَقْتَهُ الْحَيْلُ، فَكَيْفَ يَلْحَقُ مُؤْمَلِيكَ ذُلُّ الْفَقْرِ وَأَنْتَ الْعَنِيُّ عَنْ مَضَارِّ الْمُذْنِبِينَ! إِلَهِي وَإِنَّ كُلَّ حَلَاوَةٍ مُنْقَطِعَةٌ، وَحَلَاوَةُ الْإِيمَانِ تَرْدَادُ حَلَاوَتِهَا اتِّصَالًا بِكَ. إِلَهِي وَإِنَّ قَلْبِي قَدْ بَسَطَ أَمَلَهُ فِيكَ، فَأَذِقْهُ مِنْ حَلَاوَةِ بَسْطِكَ إِيَاءَهُ الْبُلُوغَ لِمَا أَمَلُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةً مَنْ يَعْرِفُكَ كُنْهَ (١٠) مَعْرِفَتِكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يَتَّبَعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْأَلُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَفِتْنَةٍ أَعَدْتَ بِهَا أَحْبَاءَكَ مِنْ خَلْقِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمَسْكِينِ الَّذِي قَدْ تَحَيَّرَ فِي رَجَاءِهِ، فَلَا يَجِدُ مَلْجَأًا وَلَا مَسْنَدًا يَصِلُ بِهِ إِلَيْكَ، وَلَا يُسْتَدَلُّ بِهِ عَلَيْكَ إِلَّا بِكَ، وَبَارَكَانِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا مِنْكَ، فَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي ظَهَرَ بِهِ لِخَاصِّهِ أَوْلِيَاءِكَ، فَوَحَّدوكَ وَعَرَفوكَ فَعَبَدوكَ بِحَقِيقَتِكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسَكَ لِأَقْرَبِكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ بِكَ، وَلَا

تَجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِمَّنْ يَعْبُدُ الْإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى ، وَالْحَظَنِي بِلِحْظِهِ مِنْ لِحْظَاتِكَ تُنَوِّرُ بِهَا قَلْبِي بِمَعْرِفَتِكَ خَاصَّةً وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» . (۱۱)

- ۱- الأَرَبُ : الحَاجِه (المصباح المنير : ص ۱۱ «أرب»).
- ۲- الشَّرَه : أسوأ الحِرص ؛ وهو غلبه الحِرص (لسان العرب : ج ۱۳ ص ۵۰۶ «شره»).
- ۳- الخامل : الخفي الساقط الذي لا نباهه له ، يقال : هو خامل الذِّكر ، خَمَلٌ يَخْمُلُ خُمُولاً وَأَخْمَلَهُ اللَّهُ (لسان العرب : ج ۱۱ ص ۲۲۱ «خمل»).
- ۴- فَدَحَتْه : أَثْقَلَتْه (النهاية : ج ۳ ص ۴۱۹ «فدح»).
- ۵- عَضَضْتُ اللَّقْمَةَ ، وبها ، وعليها ، عَضَاً : أَمَسَكْتُهَا بِالْأَسْنَانِ (مجمع البحرين : ج ۲ ص ۱۲۳۱ «عضض»).
- ۶- أُولِعَ بِالشَّيْءِ فَهُوَ مُوَلِّعٌ بِهِ : أَي مُغْرِيٌّ بِهِ (الصحاح : ج ۳ ص ۱۳۰۴ «ولع»).
- ۷- زَوَى : جمع (لسان العرب : ج ۱۴ ص ۳۶۵ «زوى»).
- ۸- الوَجَلُ : الفزع (النهاية : ج ۵ ص ۱۵۷ «وجل»).
- ۹- الكِلَاءُ : الحفظ والحراسه (النهاية : ج ۴ ص ۱۹۴ «كلأ»).
- ۱۰- الكُنْه : نهايه الشئ وحقيقته (لسان العرب : ج ۱۳ ص ۵۳۷ «كنه»).
- ۱۱- بحار الأنوار : ج ۹۴ ص ۹۴ ح ۱۲ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

## فصل دوم : آرزوی حقیقی

## ۲ / ۱ آموزگار آرزو

فصل دوم : آرزوی حقیقی ۲ / ۱ آموزگار آرزو بحارالانوار به نقل از نَوفِ بکالی : امیرمؤمنان که دروهای خدا بر او باد را دیدم که پشت کرده، شتابان می رود. گفتم: کجا می روی، سرورم؟ فرمود: «رهایم کن ، ای نوف! آرزوهایم مرا به سوی معشوق می راند. گفتم : سرورم! آرزوهایت چیست؟ فرمود: «آن که آرزویم به اوست، خود، آنها را می داند و مرا نیازی نیست تا آنها را به غیر او بازگویم . در ادب بنده ، همین بس که در برخورداری ها و نیازهایش ، کسی جز خداوندگار خویش را شریک نگرداند». گفتم : ای امیرمؤمنان! من از آزمندی و چشمداشت به آرزویی از آرزوهای دنیوی بر نفس خویش بیمناکم. فرمود: «چرا به حمایتگاه بیمناکان و پناهگاه خداشناسان ، پناه نمی بری؟». گفتم : آن را نشانم بده . فرمود: «خداوندِ والا و بزرگ. آرزویت را به حُسنِ تفضّل او پیوند بزن و با تمام خواست، به او روی بیاور ، و اگر هر آنچه [جز خدا] در دلت وارد می شود ، درمان کنی، من ، ضامن جایگزین آنم. (۱) با تمام وجود، به خداوند پاک، رو کن؛ زیرا او می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، امید هر کس را که به غیر از من امید بندد ، به یأس مبدّل می سازم و جامه خواری در میان مردم بر او می پوشانم و او را از قُرب خویش ، دور می سازم و پیوندم را با او می بُرم و او را گم نام می سازم؛ زیرا به غیر من توجّه می کند. وای بر او! آیا در گرفتاری هایش به جز من آرزومند می شود با آن که رفعِ سختی ها و گرفتاری ها در دست من است؟! و به کسی جز من ، امید می بندد ، در حالی که زنده پاینده منم؟! و درهای بسته بندگانم را می کوبد و در خانه مرا که باز است ، رها می کند؟! کیست که با همه گناهانش به من امید بندد و من نومیدش کنم؟! آرزوهای بندگانم را پیوسته به خویش قرار داده ام و امیدشان را نزد خود ، برای آنان انداخته ام و آسمان هایم را از کسانی که از تسییح گویی من خسته نمی شوند، آکنده ساخته ام و به فرشتگانم فرمان داده ام که درها را میان من و بندگانم نبندند. آیا آن که بلایی از بلایای من کمرش را خم کرده است ، نمی داند که هیچ کس نمی تواند آن بلا را برطرف سازد ، جز با اجازه من؟! پس، چرا بنده، با این که آنچه از من درخواست نکرده است ، به او عطا کرده ام، آرزویش را از من می گرداند و از من درخواست نمی کند و از غیر من می خواهد؟! آیا منی که بی درخواست بنده ام به او می دهم، اگر از من درخواست شود ، پاسخ درخواست کننده ام را نمی دهم؟! مگر من بخلی ورزیده ام که بنده ام به من، گمان بخل می برد؟ آیا دنیا و آخرت، از آن من نیست؟ آیا آقایی و بخشندگی، صفت من نیست؟ آیا فضل و رحمت ، در دست من نیست؟ آیا نه این است که آرزوها جز به من، ختم نمی شوند؟ پس، جز من کیست که آرزوها را قطع کند؟ و چگونه است که آرزومندان ، غیر مرا آرزو می کنند؟! به عزّت و جلالم سوگند ، اگر آرزوهای زمینیان و آسمانیان را جمع کنم، سپس ، آرزوهای یکایک آنان را برآورده سازم ، به اندازه یک عضو مورچه از مُلک من کاسته نمی شود. چگونه چیزی که من ، بخشنده آنم، کاستی گیرد؟! بیچاره ، نومیدانِ از رحمت من! نگون بخت ، آن که نافرمانی کند و به حرام های من پردازد و مرا در نظر نگیرد و بر من دلیری کند! ». امام علیه السلام که بر او و خاندانش سلام باد سپس فرمود: «ای نوف! این دعا را بخوان: معبود من! اگر تو را می ستایم ، به واسطه موهبت هایی است که به من داده ای و اگر تو را تمجید می کنم، به خواست خود توست و اگر تقدیست می کنم ، به نیروی توست و اگر توحید تو را می گویم ، به قدرت و توانی است که مرا داده ای و اگر می نگرم، به رحمت تو می نگرم و اگر [لقمه ای] می جَوم ، نعمت تو را می جَوم. معبود من! هر آن که اشتیاق یاد تو به خود ، مشغولش ندارد و سفر ، او را به جوار قرب ، نزدیک نمی کند، زندگی اش برای او مُردن است و مُردنش، مایه افسوس او. معبود من! نگاه های آنان که با باطن دل ها می نگرند ، به تو منتهی شده است و گوش

های آنان که نخواستند سینه‌ها را می‌شنوند، به تو دوخته شده، و هیچ چیز، مانع نگاه‌های آنان در برابر آنچه می‌خواهند، نیست. میان خود و آنان، پرده‌های غفلت را دریدی. پس در نور تو آرمدند و با نسیم تو، دم زدند. دل‌هایشان، نهالستان هیبت تو شد و دیدگانشان، سرشکباران قدرتت. جان‌هایشان را به مقام قدس خود، نزدیک ساختی. پس با وقارِ همنشینی و خضوعِ هم‌سخنی با نام تو همنشین شدند و تو چونان یاری شفیق، به آنان رو کردی و رفیقانه، به ایشان گوش سپردی و دوستانه، پاسخشان را دادی و چونان همدمان، با آنها به نجوا پرداختی. پس، مرا نیز به جایگاهی که آنان رسیدند، برسان و از فکر و یاد خودم، به یاد خودت منتقل کن و هر دری را که میان من و ملکوت عزت توست، به رویم بگشای و همه پرده‌های غفلت را از هم ببرد، تا روح مرا در میان روشنایی عرشت، اقامت بخشی و برایش مقامی در برابر نور خودت قرار دهی، که بی‌گمان، تو بر هر کاری توانایی. معبود من! چه تنها و دلگیر است آن راهی که آرزومندی ام به تو هم سفرم نباشد، و چه دور و دراز است آن سفری که امیدم به تو ، راهنمای راهم نباشد! هر آن که به ریسمان غیر از تو چنگ در زد، ناکام شد و تکیه گاه کسی که به غیر از تکیه گاه تو تکیه کند، سُست است. پس، ای آن که به آرزومندانش آرزو می‌آموزد و اندوه ترس و وحشت را از آنان می‌برد! مرا از کردار نیک و شایسته، محروم مگردان و مرا آن گونه نگهداری کن که از بیچاره در مانده، نگهداری می‌کنی. چگونه خوارِ فقر به آرزومندان رسد، در حالی که تو از گزندهای گنهکاران، بی‌نیازی؟! معبود من! هر حلاوتی، سر به آمدنی است؛ اما حلاوت ایمان، با رسیدن به تو، افزایش می‌یابد. معبود من! دلم امید فراوان به تو بسته است، پس تو نیز شیرینی رسیدن به آرزو را فراوان به او بچشان، که تو بر هر کاری توانایی. معبود من! چونان درخواست کسی که حقیقت تو را نیک می‌شناسد، هر خیری را که سزاوار است مؤمن آن را در پیش گیرد، از تو درخواست می‌کنم و از هر شَرّ و فتنه‌ای که دوستانت را از آنها پناه داده‌ای، به تو پناه می‌برم، که به راستی تو بر هر کاری توانایی. معبود من! از تو درخواست می‌کنم، چونان درخواست بینوایی که در امیدش سرگشته مانده است و هیچ پناه و تکیه گاهی که با آن به تو برسد و به تو ره یابد، جز تو نمی‌یابد. به حق ارکان و مقامات که توسط تو تعطیل بردار نیستند، و به حق آن نامت که به واسطه آن بر اولیای ویژه ات آشکار گشتی و در نتیجه، تو را یکتا دانستند و شناختند و تو را چنان که هستی، پرستیدند، از تو درخواست می‌کنم که خودت را به من بشناسانی تا، از سرِ ایمانی راستین به تو، به پروردگاری ات اقرار نمایم. مرا، ای معبود من! از آنانی قرار مده که نام بی‌معنا را می‌پرستند، و از آن نیم‌نگاه‌هایت، نیم‌نگاهی به من بیفکن تا بدان، دل مرا به نور معرفت خودت و معرفت اولیایت، روشن گردانی، که به راستی تو بر هر کاری توانایی.

۱- جمله فإِنْ أَجْلَكَ بِهَا فَأَنَا الضامن... ظاهراً معنای محصلی ندارد و احتمال تصحیف در عبارت وجود دارد. احتمال دارد فإِنْ أَجَلْتُ باشد. در این صورت، یعنی آنچه به قلب وارد می‌شود [از ناراستی و نادرستی‌ها] آن را درمان کنی، من ضامنم که جایگزین بهترین برایش بیاید. گفتنی است: إجل در لغت به معنای درمان کردن است. بی‌إجل أجَلونی ای داوونی منه (لسان العرب، ماده اجل).

ص: ۳۶

..

ص: ۳۷

..



ص: ۳۸

..

ص: ۳۹

..

ص: ۴۰

..

ص: ۴۱

..

ص: ۴۲

۲ / ۲ مُنتَهَى الْأَمِيرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الدُّعَاءِ : يَا رَبَّاهِ يَا سَيِّدَاهِ ، وَيَا أَمَلَاهِ وَيَا غَايَةَ رَغْبَتَاهِ ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله فى عودتِهِ يَوْمَ وادى القُرى : يا الله . . . لا- تَزِدْ مَسْأَلَتِي ، وَلَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي ، وَلَا تَنْقُصْ رَغْبَتِي ، وَارْحَمْ ذُلِّي وَتَضَرُّعِي ، وَفَقْرِي وَفَاقَتِي ، فَمَا لِي رَجَاءٌ غَيْرُكَ وَلَا أَمَلٌ سِوَاكَ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعَاءِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى : يَا مَنْ يَرْجُوهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا اللَّهُ ، يَا ثِقَةَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا اللَّهُ ، يَا أَمَلَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا اللَّهُ ، يَا رَجَاءَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا اللَّهُ . (۳)

۱- مكارم الأخلاق : ج ۲ ص ۱۴۳ ح ۲۳۵۴ عن معاذ بن جبل ، الإقبال : ج ۱ ص ۳۲۳ عن حفص بن البختری عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الدعوات : ص ۶۰ ح ۱۴۸ ، مصباح المتهدج : ص ۵۵۹ ح ۶۵۵ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ۹۵ ص ۱۶۴ ح ۱۷ .

۲- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص ۱۰۰ ، بحار الأنوار : ج ۹۴ ص ۲۱۸ ح ۱۷ .

۳- البلد الأمين : ص ۴۲۰ ، بحار الأنوار : ج ۹۳ ص ۲۶۶ ح ۱ .

## ۲ / ۲ منتهای آرزو

۲ / ۲ منتهای آرزوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا: پروردگارا سرورا، امیدا، و ای نهایت آرزو! از تو درخواست می کنم، ای خدا، ای خدا، ای خدا! که قیافه مرا با آتش [دوزخ]، زشت رو نسازی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از تعویذ ایشان در روز وادی القری (۱): خدایا! ... درخواستم را رد مکن و دعایم را در پرده مدار و رغبتم را کم مکن و بر خواری و التماس من، و بر ناداری و درویشی ام رحم آور؛ زیرا مرا امیدی جز تو و آرزویی جز تو نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «اسمای حسنا»: ای آن که اهل آسمان ها و زمین، بدو امید بسته اند، ای خدا! ای مورد وثوق اهل آسمان ها و زمین، ای خدا! ای آرزوی اهل آسمان ها و زمین، ای خدا! ای امید اهل آسمان ها و زمین، ای خدا!

---

۱- وادی القری، سرزمینی است در نزدیکی مدینه. گفته اند منطقه سکونت قوم ثمود بوده که در قرآن به آن اشاره شده است: «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِي» (الفجر: ۹) (تفسیر الواحدهی: ج ۲ ص ۱۲۰۰) مراد از روز وادی القری، روزی است که پیامبر در برگشت از خیبر یهودیان وادی القری را محاصره کرد و درباره آنان فرمود: اینان همان غضب شدگان هستند (رجوع شود به تفسیر الطبری: ج ۱ ص ۸۰).

ص: ۴۴

فاطمه علیها السلام مِنْ دُعَائِهَا عَقِيبَ صَلَاةِ الظُّهْرِ : يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَمُنْتَهَى أُمِّيَّةِ السَّائِلِينَ ، أَنْتَ مَوْلَايَ فَتَحْتْ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ (۱) ، فَلَا تُغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَالْإِجَابَةِ . (۲)

الإمام الحسين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ : اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَصْدَرَ ، وَقَدَّرَ فَهْرَ ، وَعَصَى فَسْتَرَ ، وَاسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ ، يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ . (۳)

الإمام زين العابدين عليه السلام فِي مُنَاجَاةِ الْمُفْتَقِرِينَ : يَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْآمِلِينَ ، وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ ، وَيَا أَقْصَى طَلْبَةِ الطَّالِبِينَ ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ... لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي ، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي . (۴)

۲ / ۳ غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دُعَائِهِ قَبْلَ صَلَاةِ اللَّيْلِ : اللَّهُمَّ إِلَيْكَ حَنَّتْ قُلُوبُ الْمُحِبِّينَ (۵) ، وَبِكَ أَنْسَتْ عُقُولُ الْعَاقِلِينَ ، وَعَلَيْكَ عَكَفَتْ (۶) رَهْبَةُ الْعَالَمِينَ ، وَبِكَ اسْتَجَارَتْ أَفْنِدَةُ الْمُقْصِرِينَ . فَيَا أَمَلَ الْعَارِفِينَ ، وَرَجَاءَ الْآمِلِينَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَأَجِرْنِي مِنْ فُضَائِحِ يَوْمِ الدِّينِ ، عِنْدَ هَتِكِ الشُّتُورِ ، وَتَحْصِيلِ مَا فِي الصُّدُورِ . (۷)

- ۱- الإِنَابَةُ : الرَّجُوعُ إِلَى اللَّهِ بِالتَّوْبَةِ (النَّهْيَةُ : ج ۵ ص ۱۲۳ «نوب»).
- ۲- فَلَاحُ السَّائِلِينَ : ص ۳۱۵ ح ۲۱۲ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ۸۶ ص ۶۸ ح ۴ .
- ۳- الْإِقْبَالُ : ج ۲ ص ۸۵ ، الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص ۲۵۷ وَفِيهِ «الطَّالِبِينَ» بَدَلَ «رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ» ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ۹۸ ص ۲۲۳ .
- ۴- بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ۹۴ ص ۱۵۰ نَقْلًا عَنْ بَعْضِ كُتُبِ الْأَصْحَابِ .
- ۵- الْإِخْبَاتُ : الْخُشُوعُ وَالتَّوَاضُعُ (النَّهْيَةُ : ج ۲ ص ۴ «خبت»).
- ۶- عَكَفَ عَلَى الشَّيْءِ : أَقْبَلَ عَلَيْهِ مُوَظِّبًا لَا يَصْرِفُ عَنْهُ وَجْهَهُ . وَقِيلَ : أَقَامَ (لِسَانَ الْعَرَبِ : ج ۹ ص ۲۵۵ «عكف»).
- ۷- بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ۸۷ ص ۲۴۲ ح ۵۱ نَقْلًا عَنْ الْمَصْبَاحِ لِلسَّيِّدِ ابْنِ الْبَاقِي .

ص: ۴۵

**۲ / ۳ آرزوی نهایی عارفان**

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان در تعقیب نماز ظهر: ای کریم ترین کریمان و منتهای آرزوی درخواست کنندگان! تویی آن مولای من که در دعا و توبه را به رویم گشودی. پس در پذیرش و اجابت را بر من مبنده.

امام حسین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: خداوندا، ای پادشاه قدرتمند، ای آن که همه چیز، مقهور قدرت اوست، ای آن که نافرمانی می شود و پرده پوشی می کند، و از او آمرزش می طلبند و می آمرزد، ای غایت آرزوی آرزومندان، و ای منتهای امید امیدواران!

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات نیازمندان: ای منتهای آرزوی آرزومندان، ای نهایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب طالبان، و ای عالی ترین اشتیاق مشتاقان! ... به پیشگاه تو خضوع و از تو خواهش می کنم، و به درگاه تو، التماس و از تو درخواست می کنم.

۲ / ۳ آرزوی نهایی عارفانامام علی علیه السلام در دعای پیش از نماز شب: بار خدایا! دل های اهل خشوع، شیفته تو آند و خردهای خردمندان، با تو انس گرفته است و عالمان، همواره از تو در بیم اند و دل های اهل تقصیر، به تو پناه آورده اند. پس، ای آرزوی عارفان، و ای امید آرزومندان! بر محمد و خاندان پاک او درود فرست و مرا از رسوایی های روز پاداش، آن گاه که پرده ها کنار می روند و آنچه در سینه هاست، هویدا می گردد، پناه ده.



ص: ۴۶

عنه عليه السلام في دعاء يوم الأحد: اللهم إني أسألك سؤال مُذنبٍ أوبقته (۱) معاصيه في ضيق المسلك، وليس له مُجبرٌ سواك، ولا أملٌ غيرك، ولا مُعيتٌ أرأف به منك، ولا مُعتمدٌ يعتمد عليه غير عفوِكَ. (۲)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دعاء يوم عرفة: يا أملی، يا رجائی، يا خیر مُستغاثٍ، يا أجود المُعطين، يا من سبقت رحمته عصبه، يا سيدي ومولاي وثقتي ورجائي ومُعتمدي، ويا ذخری وظهري وعُدتي وغايه أملی ورغبتی. (۳)

الإمام الصادق عليه السلام في دعاء يوم عرفة: أسألك الرحمة يا سيدي ومولاي وثقتي، يا رجائي، يا مُعتمدي ومَلجئي، وذخری وظهري وعُدتي، وأملی وغايتي. (۴)

الإمام العسكري عليه السلام من دعاء عَلمه لِمَسجونٍ: اللهم أنت غيائي وعِمادي، وأنت عصمتي ورجائي، ما لي أملٌ سواك ولا رجاءٌ غيرك. (۵)

۱- يقال: وَبِقَ يَبِقُ؛ إذا هَلَكَ. وأوبقَه غيرُه فهو موبق (النهاية: ج ۵ ص ۱۴۶ «وبق»).

۲- البلد الأمين: ص ۱۰۵، العدد القوي: ص ۳۴۶ نحوه، جمال الأسبوع: ص ۵۳ كلاهما من دون إسناده إلى المعصوم.

۳- مصباح المتجهد: ص ۶۹۵ ح ۷۷۱، الإقبال: ج ۲ ص ۱۰۸، المزار للمفيد: ص ۱۶۱، المزار الكبير: ص ۴۵۴ كلاهما من دون إسناده إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۳۲.

۴- الإقبال: ج ۲ ص ۱۵۱، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۶۳.

۵- بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۹ ح ۵ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي عن عبد الله بن جعفر الحميري، المقنعه: ص ۱۳۶ نحوه من دون إسناده إلى المعصوم.

ص: ۴۷

امام علی علیه السلام در دعای روز یکشنبه: بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم، به سان درخواست کردن گنهکاری که نافرمانی هایش، راه را بر او تنگ کرده و به هلاکتش درافکنده است و پناه دهنده ای جز تو ندارد و امیدی غیر از تو ندارد و فریادرسی مهربان تر از تو ندارد و تکیه گاهی که بر او تکیه کند، جز عفو و بخشش تو ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز عرفه: ای آرزوی من، ای امید من، ای بهترین کسی که از او یاری می‌طلبند، ای بخشنده ترین بخشندگان، ای کسی که مهرش بر خشمش پیشی دارد، ای آقای من، مولای من، مورد وثوق من، امید من، تکیه گاه من، ای اندوخته من، پشتوانه من، ساز و برگ من، و غایت آرزو و اشتیاق من!

امام صادق علیه السلام در دعای روز عرفه: رحمت از تو درخواست می‌کنم، ای سرورم و مولایم و مورد وثوقم، ای امید من، ای تکیه گاه و پناه من، ای اندوخته و پشتوانه و ساز و برگ من، ای آرزو و آرمان من!

امام عسکری علیه السلام از دعایی که به یک زندانی آموخت: بار خدایا! تویی فریادرس و تکیه گاه من، و تویی نگهدار و امید من. مرا آرزویی جز تو و امیدی جز تو نیست.

ص: ۴۸

۲ / ۴ غایه آمالِ الْمُحِبِّينَ لِإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مُنَاجَاةِ الْمُحِبِّينَ : يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سِوَاكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِداً إِلَى رِضْوَانِكَ ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِداً (۱) عَنْ عَصِيانِكَ. (۲)

۲ / ۵ غَايَةُ الْمُنيَالِ إِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مُنَاجَاةِهِ : أَتُحَرِّقُنِي بِالنَّارِ يَا غَايَةَ الْمُنيَفَائِنِ رَجَائِي ثُمَّ أَيْنَ مَحَبَّتِي! (۳)

عنه عليه السلام في مُنَاجَاةِهِ : إِلَهِي وَمَوْلَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي . . . . (۴)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ مَشْهَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُمَّ . . . إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي ، وَمُنْتَهَى مُنَايَ ، وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ . (۵)

۱- الذُّودُ : السَّوْقُ وَالطَّرْدُ وَالذَّفْعُ (لسان العرب : ج ۳ ص ۱۶۷ «ذود»).

۲- بحار الأنوار : ج ۹۴ ص ۱۴۹ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

۳- المناقب لابن شهر آشوب : ج ۴ ص ۱۵۱ عن طاووس الفقيه ، بحار الأنوار : ج ۴۶ ص ۸۱ ح ۷۵ .

۴- بحار الأنوار : ج ۹۴ ص ۱۳۰ ح ۱۹ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

۵- مصباح المتعجب : ص ۷۳۹ ح ۸۳۰ ، الغارات : ج ۲ ص ۸۴۸ ، المزار الكبير : ص ۲۸۴ ح ۱۳ ، الإقبال : ج ۲ ص ۲۷۴ ، البلد الأمين : ص ۲۹۶ كلها عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام ، كامل الزيارات : ص ۹۴ ح ۹۳ عن أبي علي مهدي بن صدقه الرقي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۱۰۰ ص ۲۶۵ ح ۲ .

ص: ۴۹

**۲ / ۴ آرزوی نهایی دوستداران****۲ / ۵ نهایت آرزوها**

۲ / ۴ آرزوی نهایی دوستداران امام زین العابدین علیه السلام در مناجات شیفتگان: ای آرزوی دل های مشتاقان، و ای غایت آرزوهای شیفتگان! محبت به تو و محبت به دوستدارانت و محبت و علاقه به هر کاری که مرا به مقام قُرب تو می رساند، از تو درخواست می کنم و از تو می خواهم که خودت را از هر آنچه غیر از توست، نزد من محبوب تر گردانی و محبت مرا به خودت، راهبر [من] به سوی خشنودی ات، و شوقم را به تو، مانع [من] از نافرمانی ات قرار دهی.

۲ / ۵ نهایت آرزوها امام زین العابدین علیه السلام از مناجات ایشان: آیا مرا با آتش می سوزانی، ای غایت آرزوها! / پس امیدم چه می شود؟ پس شیدایی ام کجاست؟!

امام زین العابدین علیه السلام از مناجات ایشان: معبودا، سرورا، و ای امید غایی من! ... .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در کنار آرامگاه امیرمؤمنان: بار خدایا! ... تو ولی نعمت منی، تو منتهای آرزوهای منی، تو امید نهایی من، در بازگشتگاه و سرای آخرت هستی.

ص: ٥٠

عنه عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ ، وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الزَّاجِعِينَ . (١)

٢ / ٦ فَوْقَ الْمُنِيرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذِكْرِ فَضْلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، إِنَّهَا الْجَارِيَةُ الَّتِي تَجُوزُ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقِهِ رَأْسِهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ . . . فَيُوجِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا : يَا فَاطِمَةُ ! سَلِّنِي أُعْطِكَ ، وَتَمَنِّي عَلَيَّ أَرْضِيكَ ، فَتَقُولُ : إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَفَوْقَ الْمُنَى . (٢)

٢ / ٧ خَيْرٌ مَأْمُولًا لِإِمَامٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ ، وَالتَّعْدَادِ الْكَثِيرِ ، إِنْ تُؤَمَّلَ فَخَيْرٌ مَأْمُولٍ ، وَإِنْ تُرَجَّ فَخَيْرٌ مَرْجُوءٌ . اللَّهُمَّ وَقَدْ بَسَّطْتَ لِي فِيمَا لَا أَمْدُحُ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا أَثْنِي بِهِ عَلَى أَحَدٍ سِوَاكَ ، وَلَا أُوجِّهُهُ إِلَى مَعَادِنِ الْخَبِيثِ وَمَوَاضِعِ الرَّيْبِ ، وَعَدَلْتَ بِلِسَانِي عَنِ مَدَائِحِ الْأَدْمِيِّينَ ، وَالتَّنَائِ عَالِي الْمَرْبُوبِينَ الْمَخْلُوقِينَ . اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مَثْنٍ عَلَيَّ مِنْ أَثْنِي عَلَيْهِ مَثُوبَةٌ مِنْ جَزَاءٍ ، أَوْ عَارِفَةٌ مِنْ عَطَاءٍ ، وَقَدْ رَجَوْتُكَ دَلِيلًا عَلَى ذَخَائِرِ الرَّحْمَةِ وَكُنُوزِ الْمَغْفِرَةِ . اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَفْرَدِكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي هُوَ لَمَّكَ ، وَلَمْ يَرِ مُسْتَحِقًّا لِهَذِهِ الْمَحَامِدِ وَالْمَمَادِحِ غَيْرَكَ ، وَبِي فَاقَهُ إِلَيْكَ لَا يَجِبُ مَسْكَنَتَهَا إِلَّا فَضْلُكَ ، وَلَا يَنْعَشُ (٣) مِنْ خَلَّتْهَا (٤) إِلَّا - مِنْكَ وَجُودُكَ ، فَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْمَقَامِ رِضَاكَ ، وَأَغْنِنَا عَنِ مَدِّ الْأَيْدِي إِلَى سِوَاكَ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٥) .

١- .الصحيحه السجاديّه : ص ١٢٣ الدعاء ٣١ .

٢- .تأويل الآيات الظاهره : ج ٢ ص ٤٨٤ ٤٨٥ عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ١٣٩ ح ١٤٤ .

٣- .نَعَشَ الْإِنْسَانُ يَنْعَشُهُ : تَدَارَكَهُ مِنْ هَلَكِهِ ، وَنَعَشَهُ اللَّهُ وَأَنْعَشَهُ : سَدَّ فَقْرَهُ (لسان العرب : ج ٦ ص ٣٥٦ «نعش»).

٤- .الْخَلَّةُ : الْحَاجَةُ وَالْفَقْرُ (النهاية : ج ٢ ص ٧٢ «خلل»).

٥- .نهج البلاغه : الخطبه ٩١ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ١١٤ ح ٩٠ .

ص: ۵۱

## ۲ / ۶ بالاتر از آرزوها

## ۲ / ۷ بهترین آرزو

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا، ای کسی که وصفِ وصف کنندگان از عهده و صفش بر نمی آید، و ای کسی که امیدِ امیدواران، از او فراتر نمی رود [و همه امیدها به او می انجامد]!

۲ / ۶ بالاتر از آرزوهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان مقام والای فاطمه علیها السلام در روز قیامت: سوگند به آن که جانم در دست اوست، او بانویی است که در صحنه قیامت، سوار بر ناقه ای که سر آن از خشیت الهی است ... عبور می کند، و خداوند عز و جله او وحی می فرماید که: «ای فاطمه! از من بخواه تا به تو عطا کنم و آرزو کن تا خشنودت گردانم» و فاطمه علیها السلام می گوید: معبود من! تو خود آرزو و بالاتر از آرزوهایی.

۲ / ۷ بهترین آرزو امام علی علیه السلام در دعا: خدایا! تو سزاوار ستایشِ زیبا و شمارشِ نعمت های بی پایانی. اگر آرزو شوی، بهترین آرزو شده ای و اگر به تو امید بسته شود، بهترین کسی هستی که بدو امید بسته می شود. خدایا! تو به من توانِ بیان دادی و من با آن غیر از تو را نمی ستایم و کسی جز تو را ثنا نمی گویم و آن را متوجه کان های ناکامی و محرومیت و جایگاه های شک و بی اعتمادی (مخلوقات) نمی سازم. تو زبانم را از ستودن آدمیان و ثناگویی بر آنان، که خود، دست پرورده و آفریده اند، باز داشتی. خدایا! برای هر ثناگویی، بر آن که ثنایش گوید، پاداشی و دهشی است و من به تو امید بسته ام که راهنما بر اندوخته های رحمت و گنج های آموزشی. خدایا! در پیشگاه تو کسی ایستاده است که تنها تو را یگانه می داند، و یکتایی، ویژه توست، و غیر از تو را سزای این مدح و ستایش ها نمی داند. مرا به تو، چنان نیازی است که تنها فضل تو آن را می تواند جبران کند و تنها بخشش تو می تواند آن را بزدايد. پس، اینک که در پیشگاه تو ایستاده ایم، خشنودی ات را به ما ارزانی فرما و ما را از دست دراز کردن به سوی غیر خودت، بی نیاز گردان، که بی گمان، تو بر هر کاری توانایی.

ص: ۵۲

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ قَبْلَ صَلَاةِ اللَّيْلِ : يَا أَمَلَ الْعَارِفِينَ ، وَرَجَاءَ الْآمِلِينَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . . . (۱).

فاطمه عليها السلام فِي دُعَائِهَا عَقِيبَ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ : سَيِّدِي . . . إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى (۲).

الإمام زين العابدين عليه السلام فِي الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ ، وَأَنْتَ الْمَرْجُوُّ ، وَرَازِقُ الْخَيْرِ ، وَكَاشِفُ السُّوءِ (۳).

عنه عليه السلام فِي الدُّعَاءِ : يَا مَنْ هُوَ الرَّجَاءُ وَالْأَمَلُ ، وَعَلَيْهِ فِي الشَّدَائِدِ الْمُتَّكِلُ . . . كَيْفَ أَخَافُ وَأَنْتَ رَجَائِي ! وَكَيْفَ أَضِيعُ وَأَنْتَ لِشِدَّتِي وَرَخَائِي (۴) ! (۵).

۱- بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۲۴۲ ح ۵۱ نقلاً عن المصباح للسيد ابن الباقي .

۲- فلاح السائل: ص ۴۲۳ ح ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۰۴ ح ۸ .

۳- الإقبال: ج ۳ ص ۳۵۰، مصباح المتهجد: ص ۸۳۴ ح ۸۹۴ من دون إسنادٍ إلى المعصوم.

۴- في الطبعه المعتمده «و رجائي»، والتصويب من الطبعه الحجريه .

۵- الإقبال: ج ۳ ص ۳۵۲، مصباح المتهجد: ص ۸۳۶ ح ۸۹۸ من دون إسنادٍ إلى المعصوم .

ص: ۵۳

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در پیش از نماز شب : پس، ای آرزوی عارفان، و ای امید آرزومندان! بر محمد و خاندان پاک او درود فرست ... .

فاطمه علیها السلام در تعقیبات نمازهای پنجگانه : آقای من! ... مرجع شکایات ، تویی و از تو باید یاری خواست و به تو باید امید بست.

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا! همگان ، تو را می خوانند و امید همه خلایق ، تویی . تو روزی کننده خوبی ها و زداینده بدی هایی .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : ای آن که امید و آرزوست و در سختی ها به او تکیه می شود! ... چگونه بترسم ، در حالی که تو امید منی! و چگونه تباه و نابود شوم ، در حالی که در سختی و آسایش ، تکیه گاهم تویی!



ص: ٥٤

الإمام الباقر عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ النَّاسُ ثِقَتَهُ وَرَجَاءَهُ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي. اقدر لي خَيْرَهَا عَافِيَةً، وَرَضْنِي بِمَا قَضَيْتَ لِي (١).

٢ / ٨ مأمولٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِمَامُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُنَاجَاةِ الْإِنجِيلِيَّةِ: سَيِّدِي! أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يَمَلُّ مَوْلَاهُ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعًا مَنْ أَقْرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحُجَّةِ فِي دَعْوَاهُ، وَخَضَعَ لَكَ خُضُوعًا مَنْ يُؤَمِّلُكَ لِآخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ؛ فَلَا تَقْطَعْ عِصْمَةَ رَجَائِي (٢).

عنه عليه السلام من دعائه في استكشاف الهموم: اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ نَفَقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحَتْ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا (٣).

عنه عليه السلام في دعاء يوم عرفة: يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ (٤).

عنه عليه السلام في دعاء يوم عرفة: يَا رَجَائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ، وَيَا وَائِي فِي كُلِّ نِعْمَةٍ... (٥).

١- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨١ ح ٢٣٦ عن عبد الله بن ميمون عن أبيه، الإقبال: ج ١ ص ٣١٨، مصباح المتهجد: ص ٥٥٥ ح ٦٤٨ من دون إسناد إلى المعصوم وفيهما «عاقبه» بدل «عافيه»، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٢٥ ح ٣.

٢- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦٦ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدین .

٣- الصحيفه السجاديّه: ص ٢٢٨ الدعاء ٥٤، مصباح المتهجد: ص ١٥٣ ح ٢٤٢ من دون إسناد إلى المعصوم نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٦٠ ح ٤.

٤- مصباح المتهجد: ص ٦٩٥ ح ٧٧١، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٨، المزار للمفيد: ص ١٦٠، المزار الكبير: ص ٤٥٣ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٢.

٥- مصباح المتهجد: ص ٦٩٢ ح ٧٧١، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٥، المزار للمفيد: ص ١٥٧، المزار الكبير: ص ٤٤٩ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٠.

ص: ۵۵

**۲ / ۸ بایسته آرزو برای دنیا و آخرت**

امام باقر علیه السلام در دعا: بار خدایا! اگر هر کس دیگری، مردم، تکیه گاه و امیدش باشند، اما من، تکیه گاه و امیدم تویی. بهترین عافیت (۱) دنیا را قسمت من فرما و مرا به حکم و قضایی که برای من تقدیر کرده ای، خشنود گردان.

۲ / ۸ بایسته آرزو برای دنیا و آخرت امام زین العابدین علیه السلام در مناجات انجیلیه: آقای من! تو را می خوانم، چونان خواندنِ اصرار کننده ای که از خواندن مولایش خسته نمی شود و به تو التماس می کنم، چون التماس کسی که در دعوایش، با دلیل علیه خود اقرار کرده است و در برابرت خاضع گشته، چونان خضوع کسی که برای دنیا و آخرتش تو را آرزو می کند. پس رشته امید مرا قطع مکن.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای رفع اندوه ها: بار خدایا! هر کس اعتماد و امیدش به غیر تو باشد، برای من، در همه کارها، تو مورد اعتماد و امیدی.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز عرفه: ای بزرگی که برای هر امر بزرگی به او امید بسته می شود! گناه بزرگ مرا ببخشای، که گناه بزرگ را جز بزرگ، نمی بخشاید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز عرفه: ای امید من در هر اندوهی، و ای آن که هر نعمتی دارم، از تو دارم! ...

۱- در مصباح المتهدجد، ص ۵۵۵، ح ۶۴۸ به جای «عافیت»، «عاقبت» آمده است.

ص: ٥٦

أعلام الدين عن طاووس اليماني: رَأَيْتُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ وَهُوَ يَقُولُ: أَلَا أَيُّهَا الْمَأْمُولُ فِي كُلِّ حَاجَةٍ شَكَوْتُ إِلَيْكَ الضُّرَّ فَاسْمَعْ شِكَايَتِي أَلَا- يَا رَجَائِي أَنْتَ كَاشِفُ كُرْبَتِي فَهَبْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا واقض حاجتي أتحرقني في النار يا غايه المنيقأين رجائي منك أين مخافتى! قال: فتأملته فإذا هو علي بن الحسين عليه السلام (١).

الإمام الصادق عليه السلام في دعاء شهر رجب: يا من أرجوه لكل خير، وآمن سخطه عند كل عثره (٢).

٢ / ٩ المأمول عند انقطاع الآمال الإمام زين العابدين عليه السلام في مناجاه له: إلهي حرمني كل مسؤول رفته (٣)، وممّعى كل مأمول ما عنده، وأخلفني من كنت أرجوه لرغبه، وأقصده لرهبه، وحال الشك في ذكك يقينا، والظن عرفانا، واستحال الرجاء ياسا، وردتني الضرورة إليك حين خابت آمالي، وانقطعت أسبابي، وأيقنت أن سعي لا يفلح، واجتهادى لا ينجح إلا بمعوتتك، وأن مريدي بالخير لا يقدر على إنالتي إياه إلا بإذنك (٤).

١- أعلام الدين: ص ١٧١، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١٩٨ ح ١٥.

٢- رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٦٧ ح ٦٨٩ عن محمد بن زيد الشحام، الإقبال: ج ٣ ص ٢١١ عن محمد السجاد وفيه «شر» بدل «عشره» ، مصباح المتهجد: ص ٣٥٦ ح ٤٧٤، جمال الأسبوع: ص ٢٣٨ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٦ ح ٣٥.

٣- رفته: أعطاه أو أعاناه (المصباح المنير: ص ٢٣٢ «رفته»).

٤- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢٩ ح ١٩ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.

ص: ۵۷

**۲ / ۹ بایسته آرزو هنگام قطع شدن آرزوها**

أعلام الدین به نقل از طاووس یمانی : در نیمه های شب ، مردی را دیدم که به پرده کعبه چنگ زده است و می گوید: «الا ، ای آن که در هر نیازی بدو آرزو می بندند! از رنج هایم به تو شکوه می کنم . شکوه ام را بشنو . الا ، ای امید من! تویی گسارنده اندوه من/پس گناهانم، همه را ببخشای و حاجتم را برآور . آیا در آتشم می سوزانی ، ای فرجامین آرزوها؟/پس امیدم به تو چه می شود، بیمم کجاست؟»! دقت کردم . دیدم علی بن حسین علیهماالسلام است.

امام صادق علیه السلام در دعای ماه رجب : ای کسی که برای هر خیری چشم امید به او دارم و هنگام هر لغزشی ، از خشم او در امانم!

۲ / ۹ بایسته آرزو هنگام قطع شدن آرزوها امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجات هایش : معبود من! از هر که درخواست نمودم ، مرا از عطایش محروم ساخت و از هر کس هر آرزوی ممکنی داشتم ، از من دریغ کرد و هر کس که برای خواهشی به او امید بستم یا برای ترس و بیمی نزدش رفتم ، خلاف انتظارم را از او دیدم و شک من در این باره [که به مخلوق، امید نشاید بست] به یقین و گمان ، به شناخت [قطععی] و امید به یأس تبدیل شد و آن گاه که آرزوها بر آورده نگشتند و همه رشته ها بُریده شد، ضرورت، مرا به سوی تو کشاند و یقین کردم که تلاش من، به جایی نمی رسد و کوشش من به نتیجه نمی رسد ، مگر با کمک تو و هر کس خیر را بخواهد ، نمی تواند مرا به آن خیر و خوبی برساند ، مگر با اجازه تو.

ص: ٥٨

عنه عليه السلام كَانَ يَدْعُو عِنْدَ اسْتِجَابِهِ دُعَائِهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى (١) الطَّلَبُ وَأَعْيَتِ (٢) الْحَيْلُ إِلَّا عِنْدَكَ ، وَضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ وَامْتَنَعَتِ الْمَطَالِبُ وَعَسْرَتِ الرَّغَائِبُ وَانْقَطَعَتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْكَ ، وَتَصَرَّمَتِ (٣) الْأَمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ، وَخَابَتِ الثَّقَةُ وَأَخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِكَ (٤) .

عنه عليه السلام فِي الْمُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ : اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي ، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَجِجُ سُؤَالِي ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي ، وَإِيَّاكَ [ أَنْتَ ] أَمَلِي فَلَا تُحَيِّبْ آمَالِي (٥) .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي صِيْلَةِ اللَّيْلِ : أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا ، الْجَسِيمُ أَمَلًا ، خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوَصِيْلَاتِ إِلَّا مَا وَصِيَلَهُ رَحْمَتُكَ ، وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ (٦) .

الإمام الصادق عليه السلام فِي دُعَاءٍ عَلَّمَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لِرَفْعِ الْفَقْرِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ ، انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ، وَخَابَتِ الْأَمَالُ إِلَّا فِيكَ ، يَا ثِقَةَ مَنْ لَا ثِقَةَ لَهُ ، لَا ثِقَةَ لِي غَيْرُكَ ، اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا ، وَارزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ (٧) .

١- الكُديه: قطعه غليظه صلبه لا تعمل فيها الفأس، وأكدي الحافر: إذا بلغها (النهايه: ج ٤ ص ١٥٦ «كدا»).

٢- عَيَّ: عجز عنها وأشكل عليه أمرها (النهايه: ج ٣ ص ٣٣٤ «عيا»).

٣- الصرم: القطع (النهايه: ج ٣ ص ٢٦ «صرم»).

٤- الدعوات: ص ٧٢ ح ١٧١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٥٠ ح ٣.

٥- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين.

٦- الصحيفه السجاديّه: ص ١٢٩ الدعاء ٣٢، الإقبال: ج ٢ ص ١٥٣ عن الإمام الصادق عليه السلام في دعائه يوم عرفه وفيه «فارحم

عبدك الضعيف» بدل «أنا العبد الضعيف»، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٥؛ شرح نهج البلاغه: ج ٦ ص ١٨٣.

٧- مصباح المتهجد: ص ٣٢٩ ح ٤٣٧ عن مبشر بن عبد العزيز، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٢٤ ح ٢٣٣٢ عن ميسر بن عبد العزيز.

ص: ۵۹

امام زین العابدین علیه السلام هنگام مستجاب شدن دعایش این دعا را می خواند: بارخدایا! همه جستن ها بی نتیجه ماند و چاره اندیشی ها راه به جایی نبرد، مگر در نزد تو، و راه ها تنگ، خواست ها، ناشدنی و مطلوب ها، دست نیافتنی و راه ها، قطع می گردد، مگر به سوی تو، و رشته آرزو و امید بُریده می شود، مگر آرزوی تو و امید به تو، و اعتماد و حسن ظن [به هر کس] به بی اعتمادی و سوء ظن، بدل شود، مگر اعتماد و حُسن ظن به تو.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات انجیلیه: بار خدایا! به نام و یاد تو سخنم را می آغازم و با سپاس گزاری از تو، برآورده شدن خواهشم را می طلبم و در همه احوالم بر تو توکل می کنم و تنها آرزویم تویی. پس مرا در آرزوهایم، نامراد مکن.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در نماز شب: این بنده، کردارش اندک و آرزویش بزرگ است. رشته های اتصال از دستم خارج گشته است، مگر آن رشته ای که رحمت تو وصلش بدارد و زنجیره های آرزوها در من گسسته است، مگر زنجیره بخشایش تو که بدان، چنگ آویخته ام.

امام صادق علیه السلام در دعایی که جهت از بین رفتن فقر به یکی از یارانش آموخت: خدایا! تو، تویی (هیچ کس چون تو نمی تواند بود). هر امیدی جز امید به تو، قطع می شود و هر آرزویی جز آرزوی تو ناکام می شود. ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد! مرا تکیه گاهی جز تو نیست. در کار من، گشایشی و راه خروجی قرار ده و از آن جا که گمانش را دارم و ندارم، روزی ام ده.

ص: ٦٠

عنه عليه السلام في الدعاء بعد فريضة العشاء: اللهم... اكفني ما ضاق به صدري، وعيل (١) به صبري، وقلت فيه حيلتي، وضعفت عنه قوتي، وعجزت عنه طاقتي، وردتني فيه الضرورة عند انقطاع الآمال وخيبه الرجاء من المخلوقين إليك (٢).

عنه عليه السلام من دعائه عند الصباح: اللهم إنه قد أكدي الطلب، وأعيت الحيل إلا عندك، وانغلت الطرق وضقت المذاهب إلا إليك، ودرست (٣) الآمال وانقطع الرجاء إلا منك، وكذب الظن وأخلفت العداة إلا عدتك (٤).

راجع: موسوعه العقائد الإسلاميه: ج ٣ ص ٦٢ (مبادئ معرفه الله / تجلي الفطره عند الشدائد).

١- عيل: غلب (النهايه: ج ٣ ص ٣٢٢ «عول»).

٢- فلاح السائل: ص ٤٤٦ ح ٣٠٤ عن معاويه بن عمار، مصباح المتهدد: ص ١١٣ ح ١٨٩ عن معاويه بن عمار من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢١ ح ٣.

٣- درس: عفا وخفيت آثاره (المصباح المنير: ص ١٩٢ «درس»).

٤- متهج الدعوات: ص ٢٢٦ عن الربيع، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣١٧ ح ٦٧ نقلاً عن كتاب مجموع الدعوات.

ص: ۶۱

امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز عشاء بار خدایا! ... مرا از این حال و روز که دل تنگم کرده و صبرم را بُریده و چاره‌ای برایم باقی نگذاشته و قدرتم به آن نمی‌رسد و از توام خارج گشته و امید و چشمداشتم به مخلوق، قطع شده و به ناچار نزد تو آمده‌ام، تو خود، کفایت کن.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در صبحگاه: بار خدایا! سعی، بی نتیجه ماند و چاره‌اندیشی‌ها، راه به جایی نبرد، مگر در نزد تو، و همه راه‌ها بسته و مسیرها تنگ باشد، مگر راه‌ها و مسیرهایی که به تو می‌رسند، و همه آرزوها بر باد رفته و امیدها قطع شده است، مگر آرزوی تو و امید به تو، و همه خوش‌گمانی‌ها دروغ از آب درآمده و همه وعده‌ها زیر پا گذاشته شده، مگر وعده‌های تو.

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۴ ص ۹۷ (راه‌های شناخت خدا / تجلی فطرت در سختی‌ها).



ص: ۶۲

الفصل الثالث : طریق بلوغ الآمال ۳ / ۱ حَسُنُ النَّبِيِّ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جَمِيلُ النَّبِيِّ سَبَبٌ لِبُلُوغِ الْأُمَّتِ . (۱)

عنه عليه السلام : مَنْ أَخْلَصَ بَلَّغَ الْآمَالَ . (۲)

۳ / ۲ حَسُنُ الْعَمَلِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَحْسَنَ عَمَلَهُ بَلَّغَ أَمَلَهُ . (۳)

عنه عليه السلام : مَنْ حَسُنَ عَمَلُهُ بَلَّغَ مِنَ اللَّهِ أَمَلَهُ . (۴)

- 
- ۱- غرر الحكم : ح ۴۷۶۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۲۱ ح ۴۲۹۴ .
  - ۲- غرر الحكم : ح ۷۶۷۵ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۵۱ ح ۸۰۴۳ .
  - ۳- غرر الحكم : ح ۸۲۸۷ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۴۶ ح ۷۸۷۶ .
  - ۴- غرر الحكم : ح ۸۸۲۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۶۲ ح ۸۴۰۸ وفيه «الآخره» بدل «الله» .

ص: ۶۳

**فصل سوم : راه رسیدن به آرزوها****۳ / ۱ نیت نیک****۳ / ۲ کردار نیک**

فصل سوم : راه رسیدن به آرزوها / ۳ / ۱ نیت نیک امام علی علیه السلام: نیت زیبا ، سبب رسیدن به آرزوست.

امام علی علیه السلام: هر که خلوص داشته باشد ، به آرزوها می رسد.

۳ / ۲ کردار نیک امام علی علیه السلام: هر که کردارش را نیک گرداند ، به آرزویش می رسد.

امام علی علیه السلام: هر که کردارش نیک باشد ؛ خداوند ، او را به آرزویش می رساند.

ص: ۶۴

۳ / ۳ الصبر الإمام على عليه السلام: يؤول أمر الصبور إلى درك غايته وبلوغ أمليه. (۱)

عنه عليه السلام: من صبر نال المني. (۲)

الإمام الصادق عليه السلام: إن عيسى عليه السلام قال لأصحابه: بحق أقول لكم، إنكم لا تضيون ما تريدون إلا بترك ما تشتهون، ولا تنالون ما تأملون إلا بالصبر على ما تكرهون. (۳)

۴ / ۳ العمل لدار البقاء الكتاب «المال و البنون زينه الحيوه الدنيا و البقيت الصلحت خير عند ربك ثوابا و خيرا أملا». (۴)

الحديث الإمام على عليه السلام: نال المني من عمل لدار البقاء. (۵)

عنه عليه السلام: من عمّر آخرته بلغ آماله. (۶)

۱- غرر الحكم: ح ۱۱۰۴۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۵۴ ح ۱۰۲۱۴.

۲- غرر الحكم: ح ۷۷۲۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۲۸ ح ۷۲۸۹.

۳- تحف العقول: ص ۳۰۵ عن ابن جنذب، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۸۳ ح ۱؛ تاريخ دمشق: ج ۶۸ ص ۶۶ نحوه وراجع كنز الفوائد: ج ۱ ص ۲۱۷ وأعلام الدين: ص ۱۴۹.

۴- الكهف: ۴۶.

۵- غرر الحكم: ح ۹۹۵۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۹۷ ح ۹۱۶۰.

۶- غرر الحكم: ح ۸۳۴۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۵۵ ح ۸۲۰۳.

ص: ۶۵

**۳ / ۳ شکیبایی****۳ / ۴ کار کردن برای سرای ماندگاری**

۳ / ۳ شکیبایی امام علی علیه السلام: انسان شکیبا، سرانجام به مقصدش می رسد و به آرزویش دست می یابد.

امام علی علیه السلام: هر که شکیبایی ورزد، به آرزوها دست می یابد.

امام صادق علیه السلام: عیسی علیه السلام به یارانش فرمود: «به حق به شما می گویم: به آنچه می خواهید، نمی رسید، مگر با ترک شهوات، و به آنچه آرزو می کنید، دست نمی یابید، مگر با شکیبایی بر ناملایمات».

۳ / ۴ کار کردن برای سرای ماندگار یقرآن «دارایی و فرزندان، زینت زندگی این جهان اند، و مانده های نیک از نظر پاداش، نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهترند».

حدیث امام علی علیه السلام: هر که برای سرای ماندگاری کار کند، به آرزوها دست می یابد.

امام علی علیه السلام: هر که آخرتش را آباد کند، به آرزوهایش می رسد.

ص: ۶۶

عنه عليه السلام: مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لِأَخْرَجَتِهِ ظَفِرَ بِالمَأْمُولِ. (۱)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الْأَخْرَجَةُ هِمَّتَهُ بَلَغَ مِنَ الْخَيْرِ غَايَةَ أُمَّتِهِ. (۲)

عنه عليه السلام: مَنْ أَمَلَ ثَوَابَ الْحُسْنَى لَمْ تُنَكَدْ (۳) آمَالُهُ. (۴)

عنه عليه السلام: صَارَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ إِلَى الْأَجْرِ بِالصَّبْرِ، وَإِلَى الْأَمَلِ بِالْعَمَلِ. (۵)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ اغْتَنَّمْتُمْ صَالِحَ الْأَعْمَالِ نَلْتَمُ مِنَ الْأَخْرَجَةِ نَهَايَةَ الْأَمَالِ. (۶)

عنه عليه السلام: أَلَا- وَإِنَّكُمْ فِي أَيَّامِ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ؛ فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَلَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ، وَمَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلُهُ وَضُرَّهُ أَجَلُهُ. (۷)

۳ / ۱۵ التَّكَاُلُ عَلَى اللَّهِ إِمَامٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ يَكُنُ اللَّهُ أَمَلَهُ، يُدْرِكُ غَايَةَ الْأَمَلِ وَالرَّجَاءِ. (۸)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَكُنْ هَمُّهُ مَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَمْ يُدْرِكْ مُنَاهُ. (۹)

۱- غرر الحكم: ح ۸۵۱۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۹ ح ۷۹۹۱.

۲- غرر الحكم: ح ۸۹۰۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۴ ح ۷۴۸۹.

۳- نِكِدَ عَيْشُهُ: اشْتَدَّ وَعَسُرَ (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۳۴۲ «نكد»).

۴- غرر الحكم: ح ۹۰۲۰.

۵- تحف العقول: ص ۲۱۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۷ ح ۳۲۴۹ نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۵۸ ح ۱۲۷؛ دستور معالم الحكم: ص ۳۴.

۶- غرر الحكم: ح ۳۸۴۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۷۴ ح ۳۶۲۸.

۷- نهج البلاغه: الخطبة ۲۸، الإرشاد: ج ۱ ص ۲۳۵، الغارات: ج ۲ ص ۶۳۴ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۳۳۳ ح ۲۱؛ إعجاز القرآن: ص ۱۴۵، مطالب السؤول: ص ۵۸، البدايه والنهايه: ج ۷ ص ۳۰۹ نحوه.

۸- غرر الحكم: ح ۸۸۲۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۶ ح ۷۵۴۶.

۹- غرر الحكم: ح ۸۹۷۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۳ ح ۷۴۶۶.

ص: ۶۷

**۳ / ۵ تکیه کردن به خدا**

امام علی علیه السلام: هر که تمام هم و غمّش را برای آخرتش قرار دهد، به آرزو دست می یابد.

امام علی علیه السلام: هر که آخرت، هم و غم او باشد، به نهایت آرزویش از خوبی ها می رسد.

امام علی علیه السلام: هر که پاداش سرای نیکوتر (آخرت) را آرزو کند، آرزوهایش دشوار نمی گردد.

امام علی علیه السلام: اولیای خداوند، با شکیبایی به سوی پاداش رفتند و با کار [و تلاش]، به سوی آرزو.

امام علی علیه السلام: شما اگر کارهای نیک را غنیمت شمارید، در آخرت به نهایت آرزوها می رسید.

امام علی علیه السلام: هان! شما در روزگار امید به سر می برید که در پی آن، اجل است. پس هر که در روزگار آرزومندی و پیش از فرا رسیدن اجلش کار کند، کارش به حال او سودمند می افتد و اجلش به او زیانی نمی رساند و هر که در روزگار آرزومندی و پیش از فرا رسیدن اجلش کوتاهی کند، زیانکار شود و مرگ و اجلش مایه زیان او می گردد.

۳ / ۵ تکیه کردن به خدا امام علی علیه السلام: کسی که خدا امید [و آرزوی] او باشد، غایت امید و آرزویش را درمی یابد.

امام علی علیه السلام: کسی که اهتمام او به آنچه نزد خداست، نباشد، به آرزوهایش نمی رسد.

ص: ٦٨

عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِيما عِنْدَ اللَّهِ بَلَغَ آمالَهُ. (١)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَجَوْتُمْ اللَّهَ بَلَغْتُمْ آمالَكُمْ ، وَإِنْ رَجَوْتُمْ غَيْرَ اللَّهِ خَابَتْ آمالُكُمْ وَ آمالُكُمْ. (٢)

راجع: ص ٨٠ (الإتكال على غير الله) .

٣ / ١٦ الاستعانة بالله الإمام على عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : اللَّهُمَّ إِنَّ الْأَمَالَ مَنُوطَةٌ (٣) بِكَرَمِكَ ، فَلَا تَقَطَّعْ عَلائِقَها بِسَخَطِكَ.

(٤)

عنه عليه السلام من مُناجاهٍ لَهُ في مَسْجِدِ جُعْفِيِّ : إلهي إِنْ كانَ صَغُرَ في جَنبِ طاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدَ كَبُرَ في جَنبِ رِجائِكَ أَمَلِي ، إلهي كَيْفَ أَنْقَلِبُ بِإِخْتِيارِهِ مِنْ عِنْدِكَ مَحْرُوماً وَكُلُّ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجاءِ مَرْحوماً ، إلهي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَيَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ قُنُوطَ الْإيسينَ ، فَلَا تُبْطِلْ صِدْقَ رِجائِي مِنْ بَيْنِ الْأَمَلينَ. (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام في مُناجاهِ الشَّاكِرِينَ : إلهي .. أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ البَرُّ الكَرِيمُ الَّذِي لا يُخَيِّبُ قاصِدِيهِ ، ولا يَطْرُدُ عَن فِئائِهِ أَمَلِيهِ ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِجالُ الرَّاغِبِينَ ، وَبِعَرَضَتِكَ تَقِفُ آمالُ المُسْتَرَفِدِينَ ، فَلَا تُقَابِلْ آمالَنا بِالتَّخَيُّبِ وَالإياسِ ، ولا تُلبِسنا سِرْبَالَ القُنُوطِ وَالإِبلاسِ. (٦)

١- غرر الحكم : ح ٨٥٧٣ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٨٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٥ ح ٣٦٣٦ .

٣- منوطه : أي معلقه . ناطه نوطا : علقه (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣٨٩ «نوط»).

٤- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩٥ .

٥- المزار الكبير : ص ١٥١ ، المزار للشهيد الأول : ص ٢٧٢ كلاهما عن ميثم ، المصباح للكفعمي : ص ٤٨٥ ، البلد الأمين : ص ٣١٢

كلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عنه عليهم السلام وفيها «و كان ظنِّي» بدل «و كلُّ ظنِّي» ؛ دستور معالم الحكم : ص ١٣١ .

٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٤٦ .

ص: ۶۹

## ۳ / ۶ کمک جستن از خدا

امام علی علیه السلام: هر که به آنچه نزد خداست، راغب باشد، به آرزوهایش نائل می آید.

امام علی علیه السلام: اگر شما به خدا امید ببندید، به آرزوهایتان می رسید و اگر به غیر خدا امید ببندید، به آمال و آرزوهایتان دست نمی یابید.

ر. ک: ص ۸۱ (تکیه بر غیر خدا).

۳ / ۶ کمک جستن از خدا امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بار خدایا! آرزوها به کرم تو بسته است. پس با خشم و ناخشنودی ات [از من]، بندهای آنها را قطع مکن.

امام علی علیه السلام از مناجات ایشان در مسجد جعفی: معبود من! اگر عمل من در کنار طاعت از تو ناچیز است، اما آرزوی فراوان به لطف امید بخش تو بسته ام. معبود من! چگونه از درگاه تو محروم بازگردم، در حالی که همه گمانم به بخشندگی تو آن است که مرامورد مهر خویش قرار دهی و کامیاب، بازم گردانی؟ معبود من! نومیدی نومیدان را بر گمان نیکم به تو چیره نگردانیده ام. پس، از میان امیدواران، بر امید نیک، مهربانان مزن [و مرا نومید بر مگردان].

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات سپاس گزاران: معبود من!... تو آن رثوف مهربان نیکوکار کریمی هستی که هر که را به او رو آورد، نومید بر نمی گرداند و آرزومندانش را از درگاهش نمی راند. امیدواران، در بارگاه تو بار می افکنند و آرزوهای عطاخواهان، در میدان تو توقف می کنند. پس آرزوهای ما را با ناکامی و یأس، پاسخ مده و جامه های نومیدی و یأس بر ما مپوشان.



ص: ۷۰

عنه عليه السلام في المناجاة الإنجيلية: اللهم... أسألك من الشهادة أفسطها، ومن العباده أنشطها... ومن الأعمال أفسطها، ومن الآمال أوفقها، ومن الأقوال أصدقها. (۱)

عنه عليه السلام في مناجاة المفتقرين: إلهي كسرى لا يجبره إلا لطفك وحنانك... وأميتي لا يبلغنيها إلا فضلك. (۲)

الإمام الصادق عليه السلام في دعاء الصباح: يا من جوده وسيله كل سائل، وكرمه شفيع كل آمل، يا من هو بالجوود موصوف، إرحم من هو بالإساءة معروف. (۳)

عنه عليه السلام في دعاء السفر: اللهم فاصرف عني مقادير كل بلاء ومقضي كل لأواء (۴)، وأبسط علي كفا (۵) من رحمتك ولطفنا من عفوك وسعه من رزقك وتما من نعمتك وجماعا (۶) من معافاتك، وأوقع علي فيه جميع فضائك على موافقه جميع هواي في حقيقه (۷) أحسن أملى. (۸)

۱- بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۵۵ ح ۲۲ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

۲- بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۴۹ وراجع البلد الأمين: ص ۳۱۲ والمصباح للكفعمي: ص ۴۸۶.

۳- البلد الأمين: ص ۶۳، مصباح المتهجد: ص ۲۳۳ ح ۳۳۹، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۸۲ ح ۴۶.

۴- اللأواء: الشده (الصباح: ج ۶ ص ۲۴۷۸ «لأى»).

۵- الكنف: الجانب والظل والحرز والستر والناحية. وانهمزوا فما كانت لهم كانفه: أي حاجز يحجز العدو عنهم (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۱۹۲ «كف»).

۶- جماع الشيء: جمعه، يقال: جماع الخباء الأخيه؛ أي جمعها، لأن الجماع ما جمع عددا (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۱۵ «جمع»). قال ابن الأثير: جماع الإثم: مجمه ومظنته (النهاية: ج ۱ ص ۲۹۵ «جمع»).

۷- أريد بالحقيقه التحقق والإثبات (الوافي: ج ۱۲ ص ۴۰۴).

۸- الكافي: ج ۴ ص ۲۸۸ ح ۵ عن أبي سعيد المكارى، المصباح للكفعمي: ص ۳۱۹، المقنعه: ص ۳۹۲، الأمان: ص ۴۱ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۰۵ ح ۱۱.

ص: ۷۱

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات انجیلیه: بار خدایا! ... از تو درخواست می‌کنم: از شهادت و گواهی، درست‌ترین آن‌را، از عبادت، با نشاط‌ترینش را... از اعمال، صحیح‌ترین آن‌ها را، از آرزوها، مناسب‌ترین آن‌ها را، و از گفتارها، راست‌ترین آن‌ها را.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات نیازمندان: معبود من! پریشانی مرا، جز لطف و مهر تو به سامان نمی‌آورد... و جز فضل تو، چیزی مرا به آرزویم نمی‌رساند.

امام صادق علیه السلام در دعای صباح: ای کسی که جودش دستاویز هر درخواستگری است و کرمش، میانجی هر آرزومندی است، ای کسی که به بخشندگی موصوف است! رحم فرما بر کسی که به بدی کردن، معروف است.

امام صادق علیه السلام در دعای سفر: بار خدایا! هر بلایی را که مقدر گشته و هر سختی‌ای را که حکم آن صادر شده است، از من بگردان و سایه رحمت را بر من بگستران و به لطف خویش، مرا ببخشای و در روزی ات به من گشایش ده و نعمت را بر من، تمام گردان و مرا از هر جهت، مشمول عافیت خود گردان و در این سفر، همه قضایات را سازگار با همه دلخواه من قرار ده و بهترین آرزوهای مرا تحقق بخش.

ص: ۷۲

عنه عليه السلام في دُعَائِهِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى مَنِي : اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو ، فَبَلَّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي . (۱)

عنه عليه السلام في الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعِزَّنَا أَنْ تُخَيِّبَ آمَالَنَا وَتُحِبِّطَ أَعْمَالَنَا . (۲)

- 
- ۱- الكافي : ج ۴ ص ۴۶۰ ح ۴ ، تهذيب الأحكام : ج ۵ ص ۱۷۷ ح ۵۹۵ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۲ ص ۵۳۹ ، المقنع : ص ۲۶۸ ، المقنعه : ص ۴۰۷ ، مصباح المتهجد : ص ۶۸۶ ح ۷۶۵ والأربعة الأخره من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ۹۹ ص ۲۴۷ ح ۲ .
- ۲- الدروع الواقيه : ص ۹۶ ، بحار الأنوار : ج ۹۷ ص ۱۴۴ .

ص: ۷۳

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان ، هنگام رهسپار شدن به مِنا : بار خدایا! امیدم به توست و تو را می خوانم . پس مرا به آرزویم برسان و عمل مرا شایسته گردان.

امام صادق علیه السلام در دعا : بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و ما را از این که آرزوهایمان را برآورده نسازی و اعمالمان را بی حاصل گردانی، محفوظ بدار .

ص: ۷۴

الفصل الرابع : آفات الآمال ۴ / ۱ سوء النِّيْهِالْإِمامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَسَاءَ النَّيَّةَ مُنِعَ الْأَمِّيَّةَ (۱) . (۲)

۴ / ۲ الْكَسَالُ لِإِمامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ دَامَ كَسَلُهُ خَابَ أَمَلُهُ. (۳)

۴ / ۳ الْجَزَعُ لِإِمامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَالْجَزَعَ ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْأَمَلَ ، وَيُضْعِفُ الْعَمَلَ ، وَيُورِثُ الْهَمَّ. (۴)

۱- .حول معنی «التمنی» راجع المدخل .

۲- .غررالحکم: ح ۸۳۱۱، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۴۶ ح ۷۸۵۰ وفيه «عدم» بدل «منع».

۳- .غرر الحکم : ح ۷۹۰۷ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۴۵۳ ح ۸۱۴۸ .

۴- .الجعفریات : ص ۲۳۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۲۲۳ ، بحار الأنوار : ج ۸۲ ص ۱۴۴ ح

. ۲۹

ص: ۷۵

**فصل چهارم : آفتهای آرزوها****۴ / ۱ نیت بد****۴ / ۲ سستی و تنبلی****۴ / ۳ ناشکیبایی**

فصل چهارم : آفتهای آرزوها ۴ / ۱ نیت بد امام علی علیه السلام: هر که بد نیت باشد، از رسیدن به آرزو محروم می ماند.

۴ / ۲ سستی و تنبلی امام علی علیه السلام: هر که سستی [و تنبلی] اش پایدار بماند، در آرزویش ناکام می شود.

۴ / ۳ ناشکیبایی امام علی علیه السلام: از ناشکیبایی بپرهیز که آن، امید را قطع می کند و عمل را به ضعف می کشاند و اندوه به بار می آورد.

ص: ۷۶

۴ / ۴ طَلَبُ الْمُسْتَحِيلِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَمَلَ مَا لَا يُمَكِّنُ طَالَ تَرَقُّبُهُ. (۱)

عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ مَا لَا يَكُونُ ضَيِّعَ مَطْلَبُهُ. (۲)

عنه عليه السلام: مَنْ سَعَى فِي طَلَبِ السَّرَابِ طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ. مَنْ أَمَلَ الرَّيَّ مِنَ السَّرَابِ خَابَ أَمْلُهُ وَمَاتَ بِعَطَشِهِ. (۳)

۴ / ۱۵ الْإِشْتِغَالُ بِالْمَلَاهِيَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُفْنِ عُمُرَكَ فِي الْمَلَاهِي؛ فَتُخْرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا أَمَلٍ. (۴)

۴ / ۱۶ الْإِشْتِغَالُ بِالْفُضُولِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهْمَةِ الْمَأْمُولِ. (۵)

۴ / ۷ سِيَادَةُ الْأَرَادِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا سَادَ السَّفَلُ خَابَ الْأَمَلُ. (۶)

۱- غرر الحكم: ح ۸۶۹۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۹ ح ۷۶۲۴.

۲- غرر الحكم: ح ۸۶۹۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۹ ح ۷۶۲۳.

۳- غرر الحكم: ح ۹۰۶ و ۹۰۶۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۲۵ ح ۷۲۰۷ و ۷۲۰۸.

۴- غرر الحكم: ح ۱۰۳۶۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۲۵ ح ۹۵۶۸.

۵- غرر الحكم: ح ۸۶۳۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۰ ح ۷۶۳۸.

۶- غرر الحكم: ح ۴۰۳۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۳۵ ح ۳۰۶۷.

ص: ۷۷

**۴ / ۴ طلب محال****۴ / ۵ پرداختن به سرگرمی ها****۴ / ۶ پرداختن به زواید****۴ / ۷ حاکمیت فرومایگان**

۴ / ۴ محال امام علی علیه السلام: هر که آنچه را ناشدنی است، آرزو کند، انتظارش به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام: هر که آنچه را ناشدنی است، بجوید، به مطلوبش دست نمی یابد.

امام علی علیه السلام: هر که در طلب سراب بکوشد، رنج و زحمت او به درازا می کشد و تشنگی ها می کشد. هر که سیرابی از سراب را آرزو کند، به آرزویش نمی رسد و از تشنگی می میرد.

۴ / ۵ پرداختن به سرگرمی ها امام علی علیه السلام: عمرت را در سرگرمی ها مگذران، که از دنیا نومید خارج می شوی.

۴ / ۶ پرداختن به زواید امام علی علیه السلام: هر که به زواید (چیزهای کم اهمیت) بپردازد، آرزوی مهمش را از دست می دهد.

۴ / ۷ حاکمیت فرومایگان امام علی علیه السلام: هرگاه فرومایگان مهتری یابند، امید قطع می شود.



ص: ٧٨

٤ / ١٨ اِرْتِكَابُ الدُّنُوبِ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاصِي عَمَلُهُ بَلَغَ مِنَ الْآخِرَةِ أَمَلَهُ. (١)

عنه عليه السلام مِنْ اسْتِغْفَارِهِ بَعْدَ رَكْعَتِي الْفَجْرِ: اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُدْنِي الْأَجَالَ وَيَقْطَعُ الْأَمَالَ وَيَبْتِئُ الْأَعْمَارَ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: عِظْنِي بِحَرْفَيْنِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ: مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ. (٣)

٤ / ٩ عَدَمُ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَابَ رَجَاؤُهُ وَمَطْلَبُهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَمَلَهُ وَإِرْبَهُ. (٤). (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْمَلْ لِلْآخِرَةِ لَمْ يَنْلِ أَمَلَهُ. (٦)

الإمام الحسين عليه السلام: لَا تَغْرُنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَتُحَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمِعَ فِيهَا. (٧)

١- غرر الحكم: ح ٨٨٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٦ ح ٧٥٣٢.

٢- البلد الأمين: ص ٤٤، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٣٤ ح ٥٨.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٣٧٣ ح ٣ عن الفضل بن أبي قزّه، تحف العقول: ص ٢٤٨ عن الإمام الحسين عليه السلام وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢٠ ح ١٩.

٤- الإزب: الحاجه (لسان العرب: ج ١ ص ٢٠٨).

٥- غرر الحكم: ح ٥٠٨٦.

٦- غرر الحكم: ح ٨٩٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٧ ح ٧٢٤٦.

٧- بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٦.

ص: ۷۹

**۴ / ۸ گناهکاری****۴ / ۹ اهمیت ندادن به آخرت**

۴ / ۸ گناهکاری امام علی علیه السلام: هر که کردارش از گناهان سالم بماند، به آرزویش از آخرت دست می‌یابد.

امام علی علیه السلام در آمرزش خواهی بعد از نماز صبح: بار خدایا! برای هر گناهی که اجل‌ها را نزدیک، امیدها را قطع و عمرها را کوتاه می‌کند، از تو آمرزش می‌طلبم.

امام صادق علیه السلام: مردی به امام حسین که دروهای خداوند بر او باد: نوشت: مرا دو کلمه موعظه کن. در پاسخ او نوشت: «هرکس چیزی را از طریق نافرمانی کردن خدا بجوید، آنچه را بدان امید دارد، بیشتر از دست می‌دهد و آنچه از آن می‌گریزد، زودتر به سرش می‌آید».

۴ / ۹ اهمیت ندادن به آخرت امام علی علیه السلام: کسی که دنیا آرزو و مطلوب او باشد، به آرزو و مطلوبش نمی‌رسد.

امام علی علیه السلام: کسی که برای آخرت کار نکند، به آرزویش نمی‌رسد.

امام حسین علیه السلام: زنهار، این دنیا شما را نفریید، که دنیا، امید هر که را به آن بگراید، قطع کند و هر که را به آن چشم طمع بندد، نامراد می‌سازد.

ص: ٨٠

١٠ / ٤ الاتِّكَالَ عَلَى غَيْرِ اللّهِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَمَلَ غَيْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَكْذَبَ آمَالَهُ. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة الإنجيلية: سيدي خاب رجاء من رجا سواك. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إلهي .. أنت أنت! انقطع الرجاء إلا منك، وخابت الآمال إلا فيك، فلا تقطع رجائي يا مولاي. (٣)

الأمالى للطوسى عن محمد بن عجلان: أصابتنى فاقه شديده ولا صديق لمصيق، ولزمنى دين ثقيل وغريم يلج باقتضائه، فتوجهت نحو دارالحسن بن زيد وهو يومئذ أمير المدينة لمعرفه كانت بيني وبينه. وشعر بذلك من حالى محمد بن عبد الله بن علي بن الحسين، وكان بيني وبينه قديم معرفه، فلقينى فى الطريق فأخذ يدي وقال لى: قد بلغنى ما أنت بسبيله، فمن تؤمل لكشف ما نزل بك؟ قلت: الحسن بن زيد، فقال: إذا لا تقضى حاجتك ولا تسعف بطيبتك، فعليك بمن يقدر على ذلك وهو أجود الأجودين، فالتمس ما تؤمله من قبله؛ فإني سمعت ابن عمى جعفر بن محمد يحدث عن أبيه عن جدّه عن أبيه الحسين بن علي عن أبيه علي بن أبي طالب عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال: أوحى الله إلى بعض أنبيائه فى بعض وحيه إليه: وعزتي وجلالى لأقطعن أمل كل مؤمل غيرى بالإياس، ولا كسوته ثوب المدله فى الناس، ولأبعده من فرجى وفضلى، أيؤمل عبدى فى الشدايد غيرى أو يرجو سواى وأنا الغنى الجواد، بيدي مفاتيح الأبواب وهى مغلقه، وبابى مفتوح لمن دعانى؟ ألم يعلم أنه ما أوهنته نائبه لم يملك كشفها عنه غيرى، فما لى أراه بأمله معرضا عنى قد أعطيته بجودى وكرمى ما لم يسألنى؟! فأعرض عنى ولم يسألنى وسأل فى نائبه غيرى، وأنا الله أبتدئ بالعطيه قبل المسأله، أفأسأل فلا أجيب؟ كلا، أو ليس الجود والكرم لى؟ أو ليس الدنيا والآخرة بيدي؟ فلو أن أهل سبع سماوات وأرضين سألونى جميعا فأعطيت كل واحد منهم مسألته، ما نقص ذلك من ملكى مثل جناح بعوضه، وكيف ينقص ملكك أنا قيمه؟ فيا بوسا (٤) لمن عصانى ولم يراقبنى. فقلت: يابن رسول الله أعده على هذا الحديث، فأعاده ثلاثا، فقلت: لا والله لا سألت أحدا بعد هذا حاجه. فما لبثت أن جاءنى (٥) برزق وفضل من عنده. (٦)

١- غرر الحكم: ح ٨٩٥٣.

٢- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦١ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

٣- الإقبال: ج ٢ ص ١٥٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٦.

٤- فى المصدر «فيما بوس»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥- فى عدّه الداعى: «أن جاءنى الله برزق ..».

٦- الأمالى للطوسى: ص ٥٨٤ ح ١٢٠٨، الكافى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٧ عن الحسين بن علوان نحوه، عدّه الداعى: ص ١٢٣؛ الفردوس

: ج ٥ ص ٢٤٩ ح ٨٠٩٧ عن أبى ذر الغفارى عنه صلى الله عليه وآله وفيه من «يقول الله عزوجل: لا تقطنن أمل ...» إلى «ولم

يراقبنى»، كنز العمال: ج ٦ ص ٦٢٩ ح ١٧١٤٥ نقلاً عن ابن النجار عن سعيد بن عبد الرحمن وكلاهما نحوه.

## ۴ / ۱۰ تکیه بر غیر خدا

۴ / ۱۰ تکیه بر غیر خدا امام علی علیه السلام: هر که به غیر خداوند سبحان امید بندد، امیدهایش را دروغ می یابد.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات انجیلیه: سرور من! نوید شد هر آن که به غیر تو امید بست.

امام صادق علیه السلام: معبود من!... تو، تویی! هر امیدی قطع می شود، جز امید به تو و هر آرزویی ناکام می گردد، جز آرزوی تو. پس، امیدم را قطع مکن، ای مولای من!

الأمالی، طوسی به نقل از محمد بن عجلان: به تنگ دستی شدیدی گرفتار شدم و دوست غمخواری هم نداشتم. قرض سنگینی بالا آوردم و طلبکاری داشتم که مرتب پولش را از من می طلبید. ناچار، رهسپار سرای حسن بن زید که در آن وقت امیر مدینه بود و میان ما آشنایی ای بود، شدم. محمد بن عبد الله بن علی بن حسین که با هم آشنایی دیرینه ای داشتیم، از حال و روز من آگاه شد. در راه، مرا دید و دستم را گرفت و گفت: شنیده ام که در مضیقه هستی. برای رفع گرفتاری ات به چه کسی امید بسته ای؟ گفتم: به حسن بن زید. گفت: در این صورت، حاجت برآورده نمی شود و به خواسته ات نمی رسی. نزد کسی برو که قادر به این کار باشد و از هر بخشنده ای بخشنده تر است. برای رفع گرفتاری ات به او امید بیند؛ چرا که من از پسر عمویم جعفر بن محمد علیهما السلام شنیدم که از پدرش، از جدش، از پدرش حسین بن علی علیهما السلام از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «خداوند، در یکی از وحی هایش به یکی از پیامبرانش فرمود: به عزت و جلالم سوگند، آرزوی هر آن کس را که به غیر من آرزو بندد، به یأس مبدل می سازم و جامه خواری در میان مردم بر او می پوشانم و از گشایش و فضل خویش، دورش می گردانم. آیا بنده ام در سختی ها به غیر من آرزو می بندد یا به کسی جز من، امیدوار می شود، در حالی که بی نیاز بخشنده، منم و کلید درهای بسته، در دست من است و در خانه ام به روی هر کس که مرا بخواند، باز است؟ آیا نمی داند هر مصیبتی او را از پا در آورد، جز من، کسی نمی تواند آن مصیبت را از او برطرف سازد؟ پس چه شده است که می بینم آرزویش را از من، روی گردان ساخته، در حالی که من به واسطه بخشش و کرم خویش، آنچه از من درخواست هم نکرده است، به او عطا کرده ام؟! حال از من روی گردانده و در مصیبتی که به او رسیده، از من درخواست نمی کند و دست خواهش به سوی غیر من دراز کرده است، در حالی که منم خدایی که پیش از درخواست، عطا می کنم. پس آیا اگر از من درخواست شود، اجابت نمی کنم؟ هرگز! آیا بخشش و کرم، متعلق به من نیست؟ آیا دنیا و آخرت، در دست من نیست؟ اگر اهل هفت آسمان و زمین، همگی از من بخواهند و من، درخواست یکایک آنها را برآورم، این به قدر بال پشه ای از ملک من نمی کاهد. چگونه ملکی که من صاحب آنم، کاستی یابد؟ پس، نگویند بخت، کسی است که مرا نافرمانی کند و مرا در نظر نگیرد.»

گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! این حدیث را برایم تکرار کن. حضرت امام علیه السلام سه بار آن را بازگو کرد. گفتم: نه، به خدا! از این پس، از احدی حاجتی نمی خواهم. چندی نگذشت که مرا روزی و فضلی از نزد خداوند رسید.

ص: ۸۲

راجع: ص ۶۶ (الإِتِّكَالُ عَلَى اللَّهِ) .

ص: ۸۳

ر . ک : ص ۶۷ (تکیه کردن به خدا) .

ص: ٨٤

الفصل الخامس : تفسير الآمال ٥ / أوصيكَ بِقَصْرِ الْأَمَلِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ وَصِيَّتِهِ إِلَى مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ : أوصيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ ... وَحُسْنِ الْعَمَلِ ، وَقَصْرِ الْأَمَلِ ، وَحُبِّ الْآخِرَةِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّكُمْ فِي دَارِ أَمَلٍ ، بَيْنَ حَيَاةٍ وَأَجَلٍ ، وَصِيحَةٍ وَعِلَلٍ ، دَارِ زَوَالٍ وَتَقَلُّبِ أَحْوَالٍ ، جُعِلَتْ سَيِّبًا لِلْإِرْتِحَالِ ، فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا قَصَرَ مِنْ أَمَلِهِ. (٢)

الأمالى للطوسى عن أبى ذر عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: يا أبا ذرُّ، أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ فِدَاكَ أبى! قَالَ: فَاقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبَ عَيْنِكَ ، وَاسْتَحِ مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ. (٣)

الإمام على عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أوصيكَ يَا بُنَيَّ وَقْتِهَا ... وَقَصْرِ الْأَمَلِ وَذِكْرِ الْمَوْتِ ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ، فَإِنَّكَ رَهْنُ مَوْتٍ وَعَرَضُ بَلَاءٍ وَطَرِيحُ سُقْمٍ. (٤)

١- تحف العقول: ص ٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٧ ح ٣٣.

٢- دلائل الإمامة: ص ٨٩ ح ٢٤، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٧٠ ح ٢١ نقلًا عن مسند فاطمة عليها السلام وكلاهما عن الليث عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن جابر.

٣- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٤ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٢ ح ٢٦٦١، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٨٣ ح ٣٣.

٤- الأمالى للمفيد: ص ٢٢١ ح ١، الأمالى للطوسى: ص ٧ ح ٨ نحوه وكلاهما عن الفجيع العيلى عن الإمام الحسن عليه السلام، كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٦٢، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٢ ح ٢٩.

## فصل پنجم: کوتاه کردن آرزوها

### ۵ / ۱ سفارش به کوتاهی آرزو

فصل پنجم: کوتاه کردن آرزو ۵ / ۱ سفارش به کوتاهی آرزو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به معاذ بن جبل ، هنگامی که او را به یمن فرستاد : تو را به پروا کردن از خدا ... ، نیکویی کردار، کوتاهی آرزو، و عشق به آخرت، سفارش می کنم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای بندگان خدا! شما در سرای آرزو به سر می برید، میان زندگی و مرگ، و تن درستی و بیماری ها ؛ در سرای ناپایداری و دگرگونی حالات ؛ سرایی که برای کوچیدن ، خلق شده است. پس، رحمت خدا بر آن کس باد که آرزویش را کوتاه سازد!

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا : فرمود: «ای ابو ذر! دوست داری به بهشت بروی؟» . گفتم : آری، پدرم به فدایت! فرمود: «پس، آرزو کوتاه دار و مُردن را همواره پیش چشم خود بدار و از خداوند ، چنان که باید ، شرم داشته باش» .

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به فرزندش امام حسن علیه السلام : تو را ای فرزندم به خواندن نماز در وقتش ... و کوتاه کردن آرزو و به یاد مرگ بودن و زهد ورزیدن به دنیا سفارش می کنم ؛ چرا که تو گروگانِ مرگ ، آماج بلا- و زمین خورده بیماری ها هستی .



ص: ۸۶

عنه عليه السلام: قَصُرُوا الْأَمَلِ وَبَادِرُوا الْعَمَلِ وَخَافُوا بَغْتَةَ الْأَحْيَالِ: فَإِنَّهُ لَنْ يُرْجَى مِنْ رَجَعِهِ الْعُمُرِ مَا يُرْجَى مِنْ رَجَعِهِ الرَّزْقِ، مَا فَاتَ الْيَوْمَ مِنَ الرَّزْقِ يُرْجَى عَدَا زِيَادَتِهِ، وَمَا فَاتَ أَمْسٍ مِنَ الْعُمُرِ لَمْ تُرْجَ الْيَوْمَ رَجَعَتُهُ. (۱)

عنه عليه السلام: قَصُرِ الْأَمَلِ فَإِنَّ الْعُمَرَ قَصِيرٌ، وَافْعَلِ الْخَيْرَ فَإِنَّ يَسِيرَهُ كَثِيرٌ. (۲)

عنه عليه السلام: زِدْ مِنْ طَوْلِ أَمَلِكَ فِي قَصْرِ أَجَلِكَ، وَلَا تُعَزِّنْكَ صِحَّةُ جِسْمِكَ وَسَلَامَةُ أَمْسِكَ؛ فَإِنَّ مُدَّةَ الْعُمُرِ قَلِيلَةٌ وَسَلَامَةُ الْجِسْمِ مُسْتَحِيلَةٌ. (۳)

عنه عليه السلام: قَصُرِ أَمَلَكَ فَمَا أَقْرَبَ أَجَلَكَ! (۴)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الدِّينِ قَصْرُ الْأَمَلِ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. (۵)

عنه عليه السلام: الْكَيْسُ (۶) مَنْ قَصُرَ آمَالُهُ. (۷)

عنه عليه السلام: فِي وَصْفِ الْمُؤْمِنِ: تَرَاهُ بَعِيدًا كَسَلُهُ، دَائِمًا نَشَاطُهُ، قَرِيبًا أَمَلُهُ. (۸)

۱- غرر الحكم: ح ۶۸۲۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۷۰ ح ۶۲۴۲.

۲- غرر الحكم: ح ۶۸۰۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۹ ح ۶۲۲۸.

۳- غرر الحكم: ح ۵۴۶۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۷۶ ح ۵۰۱۴.

۴- غرر الحكم: ح ۶۷۹۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۹ ح ۶۲۲۲.

۵- غرر الحكم: ح ۳۳۱۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۵ ح ۲۵۳۳ و ۲۵۳۴ وفيه «أعلى» بدل «أفضل» في المورد الثاني.

۶- الكيس: العاقل (لسان العرب: ج ۶ ص ۲۰۱ «كيس»).

۷- غرر الحكم: ح ۷۳۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۴ ح ۲۲۶.

۸- الكافي: ج ۲ ص ۲۳۰ ح ۱ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص ۶۶۸ ح ۸۹۷ عن عبد

الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص ۱۶۱، كنز الفوائد: ج ۱ ص ۹۱،

التمحيص: ص ۷۲ ح ۱۷۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۶ ح ۹۲؛ مطالب السؤل: ص ۵۳.

ص: ۸۷

امام علی علیه السلام: آرزو را کوتاه کنید و به عمل، بشتابید و از فرا رسیدن ناگهانی مرگ، بترسید؛ زیرا آن امیدی که به بازگشت روزی هست، به بازگشت عمر، هرگز نیست. روزی امروز، اگر نرسد، امید آن هست که فردا بیشتر برسد؛ اما عمری که دیروز از کف رفته، امروز به بازگشت آن، امیدی نیست.

امام علی علیه السلام: آرزو کوتاه دار؛ زیرا که عمر، کوتاه است، و کار نیک کن؛ زیرا که اندک آن هم بسیار است.

امام علی علیه السلام: از درازی آرزویت بکاه و بر کوتاهی عمرت بیفزای. زنهار که سلامت جسمت و بی گزندگی دیروزت، تو را نفریبد، که مدت عمر، اندک است و سلامت جسم، دست خوش دگرگونی.

امام علی علیه السلام: آرزویت را کوتاه کن، که چه نزدیک است اجل تو!

امام علی علیه السلام: برترین دینداری، کوتاهی آرزوست و برترین عبادت، خالص گردانیدن عمل.

امام علی علیه السلام: زیرک، کسی است که آرزوهایش کوتاه باشد.

امام علی علیه السلام در وصف مؤمن: او را از سستی [و تنبلی] به دور می بینی. همواره کوشا و آرزویش کوتاه است.

ص: ۸۸

عنه عليه السلام: طوبی (۱) لِمَنْ قَصَرَ أَمَلَهُ وَاعْتَنَمَ مَهَلَهُ. (۲)

۵ / ۲۱ أسباب قصر الأمل معرفة النفس بالإمام على عليه السلام: مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ، صَانَهُ عَنِ ذَنَاءِهِ شَهْوَتِهِ وَزُورِ مُنَاهُ. (۳)

ب الكيس للإمام على عليه السلام: أكيس الأكياس من ممت دنياه، وقطع منها أمله ومناه، وصرف عنها طمعه ورجاه. (۴)

ج ترقب الأجل رسول الله صلى الله عليه وآله من وصيته لأبي ذر: يا أبا ذر، كم من مستقبل يوم لا يستكمل، ومُنْتَظِرٌ غدا لا يبلغه. يا أبا ذر، لو نظرت إلى الأجل ومسيره لأبغضت الأمل وغروره. (۵)

۱- طوبى: اسم الجنه، وقيل: هي شجره فيها. وأصلها فُعلَى؛ من الطَّيَّب (النهايه: ج ۳ ص ۱۴۱ «طوب»).

۲- غررالحكم: ح ۵۹۴۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۱۴ ح ۵۵۰۲ وليس فيه ذيله.

۳- غرر الحكم: ح ۹۰۶۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۲۵ ح ۷۲۱۲.

۴- غرر الحكم: ح ۳۲۷۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۳ ح ۲۸۰۹.

۵- الأمل للطوسي: ص ۵۲۶ ح ۱۱۶۲، مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۶۴ ح ۲۶۶۱ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۷۵

ح ۳؛ مسند الشهاب: ج ۱ ص ۳۴۶ ح ۵۹۳، الفردوس: ج ۳ ص ۳۰۴ ح ۴۹۱۳ كلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۹۳ ح

۷۵۷۳.

ص: ۸۹

**۵ / ۲ عوامل کوتاه شدن آرزو****الف شناخت خود****ب زیرکی****ج منتظر اجل بودن**

امام علی علیه السلام: خوشا آن که آرزویش را کوتاه کرد و فرصت عمرش را غنیمت شمرد!

۵ / ۲ عوامل کوتاه شدن آرزو الف شناخت خود امام علی علیه السلام: کسی که شرافت مقام ( / مقصد) خویش را بشناسد ، آن را از پستی هوس خود و دروغ بودن آرزوهایش نگه داشته است .

ب زیرکی امام علی علیه السلام: زیرک ترین زیرکان ، کسی است که دنیایش را دشمن دارد و آرزو و انتظاراتش را از آن، قطع کند و چشمداشت و امیدش را از دنیا برگیرد.

ج منتظر اجل بودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابوذر : ای ابوذر ! بسا آغازکننده روزی که آن را به پایان نمی برد و بسا چشم به راه فردایی که به آن نمی رسد! ای ابوذر! اگر به اجل و فرا رسیدن آن می نگریستی ، هر آینه ، آرزو و فریبکاری آن را دشمن می داشتی.

ص: ٩٠

عنه صلى الله عليه و آله: عَجِبْتُ لِمُؤْمَلٍ دُنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ. (١)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ، وَيَسْكُنُ التُّرَابَ، وَيُوجَهُ بِالْحِسَابِ؛ كَانَ حَرِيًّا (٢) بِقَطْعِ الْأَمَلِ وَحُسْنِ الْعَمَلِ. (٣)

الإمام على عليه السلام: مَنْ رَاقَبَ أَجَلَهُ قَصَرَ أَمَلُهُ. (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَقْصَرَ بَقَاءَهُ وَأَجَلَهُ، قَصَرَ رَجَاؤُهُ وَأَمَلُهُ. (٥)

عنه عليه السلام: لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ، لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَغُرُورَهُ. (٦)

عنه عليه السلام: لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهُ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ، لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَتَرَكَ طَلَبَ الدُّنْيَا. (٧)

عنه عليه السلام: لَوْ عُرِفَ الْأَجَلُ قَصَرَ الْأَمَلُ. (٨)

عنه عليه السلام: مَنْ رَأَى الْمَوْتَ بَعِينٍ يَقِينِهِ رَأَهُ قَرِيبًا. مَنْ رَأَى الْمَوْتَ بَعِينٍ أَمَلِهِ رَأَهُ بَعِيدًا. (٩)

١- الدعوات: ص ٢٣٧ ح ٦٥٨، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٧٢ ح ٦؛ مسند الشهاب: ج ١ ص ٣٤٧ ح ٥٩٤ عن ابن مسعود.

٢- فى المصدر: «حربا» و ما أثبتناه هو الصحيح كما فى كتر الفوائد وبحار الأنوار.

٣- إرشاد القلوب: ص ٤٨، كتر الفوائد: ج ١ ص ٣٥١ عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣١؛ شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٢٦٨ ح ١٠٧ عن الإمام على عليه السلام.

٤- غرر الحكم: ح ٧٩٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٤ ح ٨١٦٢.

٥- غرر الحكم: ح ٨٨٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٦ ح ٧٥٤٧.

٦- نهج البلاغه: الحكمة ٣٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٢٩.

٧- الأمالى للمفيد: ص ٣٠٩ ح ٨، الأمالى للطوسى: ص ٧٩ ح ١١٥، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ٣٩ ح ١٢٠ كلها عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٨١ ح ٢١٧ عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٥٢٥ ح ١٧٦٦ وليس فيهما «وترك»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٤ ح ٢٢.

٨- الإرشاد للمفيد: ج ١ ص ٣٠٠، كشف اليقين: ص ٢٢١ ح ٢٣٥، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٠ ح ٤٠.

٩- غرر الحكم: ح ٨٢٥٨ و ٨٢٥٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٦ ح ٧٨٦٧ و ٧٨٦٨.

ص: ۹۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عجب دارم از کسی که مرگ در تعقیب اوست و او آرزومند دنیا است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که می داند از عزیزان جدا می شود و در خاک آرام می گیرد و با حسابرسی مواجه می شود، سزاوار است که آرزو برگردد و کردار نیک در پیش گیرد.

امام علی علیه السلام :هر که چشم به راه آجلش باشد ، آرزویش کوتاه می شود.

امام علی علیه السلام :هر که زندگی و عمرش را کوتاه ببیند ، امید و آرزویش کوتاه باشد.

امام علی علیه السلام :اگر بنده ، آجل را و فاصله [اندک] آن را می دید ، هر آینه ، آرزو را و فریب آن را دشمن می داشت.

امام علی علیه السلام :اگر بنده ، آجل و شتاب آن را به طرف خود می دید ، بی گمان ، آرزو را دشمن می داشت و از طلب دنیا دست می کشید.

امام علی علیه السلام :اگر آجل شناخته می شد، آرزو کوتاه می گردید .

امام علی علیه السلام :کسی که مرگ را با دیده یقینش ببیند ، آن را نزدیک می بیند. کسی که مرگ را با دیده آرزویش ببیند ، آن را دور می بیند.

ص: ۹۲

عنه عليه السلام: لَوْ رَأَيْتُمْ الْأَجَلَ وَمَسِيرَهُ، لَلَّهَيْتُمْ (۱) عَنِ الْأَمَلِ وَغُرُورِهِ. (۲)

عنه عليه السلام: لَوْ ظَهَرَتِ الْأَجَالُ لَأَفْتَضَحَتِ الْآمَالُ. (۳)

عنه عليه السلام: عِنْدَ حُضُورِ الْأَجَالِ تَظْهَرُ حَيْبُهُ الْآمَالِ. (۴)

عنه عليه السلام: الْأَجَلُ يَفْصَحُ الْأَمَلَ. (۵)

عنه عليه السلام: عِنْدَ هُجُومِ الْأَجَالِ تَفْتَضِحُ الْأَمَانِيُّ وَالْآمَالُ. (۶)

عنه عليه السلام: إِذَا حَضَرَتِ الْمَيِّتَةُ افْتَضَحَتِ الْأَمِّيَّةُ. (۷)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْتَطِعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ. (۸)

عنه عليه السلام: رَبُّ أَجَلٍ تَحْتَ أَمَلٍ. (۹)

عنه عليه السلام: رَبُّ أَمِّيَّةٍ تَحْتَ مَيِّتَةٍ. (۱۰)

عنه عليه السلام: صِدْقُ الْأَجَلِ يُفْصِحُ (۱۱) كِذْبَ الْأَمَلِ. (۱۲)

۱- لهی: ترکه و اعرض عنه (النهايه: ج ۴ ص ۲۸۳ «لها»).

۲- مشکاه الأنوار: ص ۹۳ ح ۱۹۶، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۲۸۶ ح ۹.

۳- غرر الحکم: ح ۷۵۷۷، أعلام الدين: ۳۰۵ عن الإمام الكاظم عليه السلام.

۴- غرر الحکم: ح ۶۲۰۸، عيون الحکم والمواعظ: ص ۳۳۸ ح ۵۷۶۳.

۵- غرر الحکم: ح ۶۳۷، عيون الحکم والمواعظ: ص ۵۰۵ ح ۹۲۷۳ وفيه «وافد الموت» بدل «الأجل».

۶- غرر الحکم: ح ۶۲۰۹ وراجع عيون الحکم والمواعظ: ص ۱۰۴ ح ۲۳۳۴.

۷- غرر الحکم: ح ۴۰۲۲، عيون الحکم والمواعظ: ص ۱۳۵ ح ۳۰۶۳ وفيه «بطلت» بدل «افتضحت».

۸- نهج البلاغه: الخطبه ۱۱۴، الأمالی للطوسی: ص ۴۴۳ ح ۹۹۲ عن ثعلبه بن ميمون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، تحف

العقول: ص ۲۱۹ كلاهما نحوه، غرر الحکم: ح ۳۵۶۵ بزياده «فسبحان الله! لا أمل يدرك ولا مؤمل يترك».

۹- غرر الحکم: ح ۵۲۹۶، عيون الحکم والمواعظ: ص ۲۶۵ ح ۴۸۲۸.

۱۰- غرر الحکم: ح ۵۲۹۴، عيون الحکم والمواعظ: ص ۲۶۵ ح ۴۸۲۶.

۱۱- أفصح عن الشيء إفصاحا: إذا بينه وكشفه (النهايه: ج ۳ ص ۴۵۰ «فصح»).

۱۲- غرر الحکم: ح ۵۸۷۷، عيون الحکم والمواعظ: ص ۳۰۲ ح ۵۳۷۲.

ص: ۹۳

امام علی علیه السلام: اگر آجل و حرکت آن را می دیدید، از آرزو و فریب آن، روی می گردانیدید.

امام علی علیه السلام: اگر آجل ها آشکار شوند، آرزوها رسوا می گردند.

امام علی علیه السلام: با فرا رسیدن آجل ها، ناکامی آرزوها آشکار می شود.

امام علی علیه السلام: آجل، آرزو را رسوا می سازد.

امام علی علیه السلام: با یورش آوردن آجل ها آرمان ها و آرزوها رسوا می شوند.

امام علی علیه السلام: هرگاه مرگ حاضر شود، آرزو رسوا می گردد.

امام علی علیه السلام: انسان به آرزویش نزدیک می شود که فرا رسیدن آجلش او را از آن جدا می کند.

امام علی علیه السلام: ای بسا اجلی که زیر آرزویی نهفته است!

امام علی علیه السلام: ای بسا آرزویی که زیر [سایه] مرگی است!

امام علی علیه السلام: راستی آجل (مرگ)، دروغ بودن آرزو را برملا می سازد.



عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ أَجَلَهُ كَيْفَ يُطِيلُ أَمَلَهُ! (١)

الإمام الكاظم عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ: لَوْ رَأَيْتَ مَسِيرَ الْأَجَلِ لَأَلْهَاكَ عَنِ الْأَمَلِ. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في الدِيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: تَوَمَّلْ فِي الدُّنْيَا طَوِيلًا- فَلَا تَدْرِي إِذَا جَنَّ لَيْلٌ هَلْ تَعِيشُ إِلَى فَجْرِ فَكَمْ مِنْ صَبْحٍ مَاتَ مِنْ غَيْرِ عَلَّهِو كَمْ مِنْ مَرِيضٍ عَاشَ دَهْرًا إِلَى دَهْرٍ وَكَمْ مِنْ فَتَى يُمَسِي وَيُصْبِحُ آمِنًا وَقَدْ نُسِجَتْ أَكْفَانُهُ وَهُوَ لَا يَدْرِي (٣)

د مَوْعِظَةُ النَّبِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، قَصَّرَ أَمْلَكَ، فَإِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ: إِنِّي لَا أُمَسِي وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَقُلْ: إِنِّي لَا أُصْبِحُ، وَاعْزِمْ عَلَى مُفَارَقَةِ الدُّنْيَا، وَأَحِبَّ لِقَاءَ اللَّهِ وَلَا تَكْرَهُ لِقَاءَهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ لِقَاءَ مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَهُ وَيَكْرَهُ لِقَاءَ مَنْ يَكْرَهُ لِقَاءَهُ. (٤)

عنه صلى الله عليه و آله في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالْمَسَاءِ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالصُّبْحِ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَمِنْ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا اسْمُكَ غَدًا. (٥)

١- غرر الحكم: ح ٦٢٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٢٩ ح ٥٦٣٨.

٢- تحف العقول: ص ٣٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣١٥ ح ١.

٣- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص ٢٥٨ الرقم ١٨١.

٤- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٠ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠١ ح ١.

٥- الأمالي للطوسي: ص ٥٢٦ ح ١١٦٢، عدّه الداعى: ص ٧٤ وليس فيه «وخذ من» إلى «قبل موتك»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص

٣٦٤ ح ٢٦٦١ كلّها عن أبي ذرّ، مسكّن الفؤاد: ص ٢٦، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧١ وفيه «قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعبد

الله بن عمر»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٧٥ ح ٣؛ تاريخ دمشق: ج ٣٤ ص ٣٩٨ ح ٧٠٤٢ عن عبد الله بن عمر، احياء علوم الدين: ج

٤ ص ٦٥٨ وفيه «قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعبد الله بن عمر».

## د اندرز دادن به خود

امام علی علیه السلام: درشگفتم از کسی که اختیار اجل خود را ندارد، چگونه آرزویش را دراز می گرداند!

امام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام بن حکم: اگر آمدن اجل را می دیدی، بی گمان، آرزو را از یاد می بردی.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: در دنیا آرزو را دراز می سازی، و نمی دانی/که چون شب شود، آیا تا سپیده دم می مانی؟ بسا تن درست، که بی هیچ بیماری ای درگذشت/و بسا بیمار، که سالیان سال بزیست. بسا جوانی که شب و روز می زید، آسوده/بی خبر از آن که کفنش بافته شده است.

د اندرز دادن به خود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزهایش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! آرزویت را کوتاه ساز و چون صبح خویش را آغازیدی، بگو: به شب نمی رسم، و چون به شب درآمدمی، بگو: به صبح نمی رسم. جدا شدن از دنیا را قطعی بدان و لقای خدا را دوست بدار و دیدار او را ناخوش مدار؛ زیرا خداوند، دیدار کسی را که دوستدار دیدار او باشد، دوست می دارد و دیدار کسی را که دیدار او را ناخوش داشته باشد، ناخوش می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر: ای ابوذر! چون صبح کردی، خویشتن را وعده رسیدن به شب مده و چون به شب درآمدمی، خود را وعده رسیدن به صبح مده. از سلامتت، پیش از آن که بیمار شوی، بهره برگیر و از زندگی ات، پیش از مردنت؛ زیرا نمی دانی فردا چه نام خواهی گرفت [مُرده یا زنده].

ص: ۹۶

ه مُحَارَبَةُ الْأَمَلِ إِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي مُحَارِبٌ أَمَلِي ، وَمُنْتَظِرٌ أَجَلِي . (۱)

عنه عليه السلام: اجعل رفيقك عمالك ، وعدوك أملك . (۲)

و تكذيبُ الأمَلِ إِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْذَبُوا آمَالَكُمْ ، وَاعْتَمُوا آجَالَكُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِكُمْ ، وَبَادِرُوا مُبَادِرَةَ أَوْلَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ . (۳)

عنه عليه السلام: أنتم في مهل (۴) من ورائه أجل ، ومعكم أمل يعترض دون العمل ؛ فاعتنوا المهل ، وبادروا الأجل ، وكذبوا الأمل ، وتزودوا من العمل . (۵)

عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى ، وَدُعِيَ إِلَى رَشَادٍ فَدَنَا .. كَابَرَ هَوَاهُ (۶) ، وَكَذَّبَ مُنَاهُ . (۷)

۱- غرر الحكم : ح ۳۷۷۴ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۱۶۹ ح ۳۵۵۶ .

۲- غرر الحكم : ح ۲۳۰۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۸۲ ح ۱۹۷۵ وفيه «علمك» بدل «عملك» .

۳- غرر الحكم : ح ۲۵۰۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۸۹ ح ۲۱۲۴ .

۴- المهل : التؤده والتباطؤ (النهايه : ج ۴ ص ۳۷۵ «مهل») .

۵- تحف العقول : ص ۲۰۲ ، نزهه الناظر : ص ۴۹ ح ۱۸ عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۳۹ ح ۱۵ .

۶- قال ابن أبي الحديد : «كابر هواه ، أي غالبه» . وروى : «كأثر» ؛ أي غالب هواه بكثرة عقله ، يقال : كأثرناهم فكأثرناهم ؛ أي غلبناهم بالكثرة (شرح نهج البلاغه : ج ۶ ص ۱۷۳) .

۷- نهج البلاغه : الخطبه ۷۶ ، تحف العقول : ص ۲۱۳ ، نزهه الناظر : ص ۵۰ ح ۲۰ عن أبي جعفر الخواص الكوفى ، كنز الفوائد : ج

۱ ص ۳۴۹ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام بزيادة «حذر أملاً ، ورتب عملاً» ، بحار الأنوار : ج ۶۹ ص ۳۱۰ ح ۳۱ ؛ دستور معالم الحكم : ص ۳۳ وفيه «لله امرؤ .. كابر هواه وكذب مناه» .

ص: ۹۷

**ه مبارزه با آرزو****و دروغ شمردن آرزو**

ه مبارزه با آرزو امام علی علیه السلام: من با آرزوی خود ، در ستیزم و چشم به راه اجلِ خویشم.

امام علی علیه السلام: عمل خود را رفیقت قرار ده و آرزویت را دشمنت.

و دروغ شمردن آرزو امام علی علیه السلام: آرزوهائیتان را دروغگو بدانید و عمرتان را برای پرداختن به بهترین کارهائیتان ، غنیمت بشمارید و چونان صاحبان تشخیص و خرد [به عمل] مباردت کنید.

امام علی علیه السلام: شما در مهلتی هستید که به دنبال آن ، مرگ است و همراه شما ، آرزویی است که مانع عمل می شود. پس این مهلت را غنیمت بشمارید و پیش از مرگ ، کاری بکنید و آرزو را دروغ بشمارید و از عمل [برای آخرت] توشه بگیرید.

امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که سخن خردمندانه ای را بشنود و بپذیرد . و به راه درستی دعوت شود و بدان ، نزدیک گردد ... با هوس خویش بستیزد و آرزویش را دروغگو شمارد!

ص: ۹۸

عنه عليه السلام: طوبى لمن استشعر الوجل، وكذب الأمل، وتجنب الزلل. (۱)

ز الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله في دعاء الأسماء الحسنى: يا كريم أنت سيدي ورجائي وذخري وذخيرتي وأملي، فقصر في الدنيا آمالي وأدم رغبتى إليك وآمالي. (۲)

الإمام على عليه السلام: نعوذ بالله من سوء كل الريب (۳)، وظلم الفتن، ونستغفره من مكاسب الذنوب، ونستعصم منه من مساوى الأعمال ومكاره الآمال. (۴)

راجع: ص ۱۰۰ (صدق العمل).

۱- غرر الحكم: ح ۵۹۷۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۱۵ ح ۵۵۱۲ وفيه «الأجل» بدل «الوجل».

۲- البلد الأمين: ص ۴۲۳، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۲۶۹ ح ۱.

۳- قوله عليه السلام: «من سوء كل الريب» أى من شر كل شك وشبهه يعترى فى الدين (مرآة العقول: ج ۲۶ ص ۶۲).

۴- الكافى: ج ۸ ص ۱۷۵ ح ۱۹۴ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۳۵۳ ح ۳۱.

ص: ۹۹

## ز دعا

امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که ترس (۱) [از خدا] را شعار خود سازد و آرزو را دروغ شمارد و از لغزش، دوری نماید!

ز دعایمبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای اسمای حسنا: ای کریم! تویی آقای من، امید من و اندوخته من، ساز و برگ من، و آرزوی من! پس، در دنیا آرزوی مرا کوتاه گردان و شوق و آمال مرا به خودت، تداوم بخش.

امام علی علیه السلام: از بدی شُبّهات و تاریکی های فتنه ها به خدا پناه می بریم، و از ارتکاب گناهان، از او آمرزش می طلبیم و از او می خواهیم که ما را از کردارهای بد و آرزوهای ناپسند، در پناه خود گیرد.

ر. ک: ص ۱۰۱ (راستی کردار).

۱- در عیون الحکم والمواعظ (ص ۳۱۵، ح ۵۵۱۲)، به جای «وَجَلَّ (ترس و دلهره)»، «أَجَلَّ» آمده است.

ص: ۱۰۰

۵ / ۳ آثارُ قَصْرِ الْأَمَلِ حُسْنُ الْعَمَلِ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَصَرَ أَمَلَهُ حَسَّنَ عَمَلَهُ . مَنْ أَطَالَ أَمَلَهُ أَفْسَدَ عَمَلَهُ. (۱)

عنه عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْعَمَلِ قَصْرُ الْأَمَلِ. (۲)

ب خُلُوصُ الْعَمَلِ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلَّ الْأَمَالُ تَخَلَّصَ لَكَ الْأَعْمَالُ. (۳)

ج صِدْقُ الْعَمَلِ إِمَامٌ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاكْفِنَا طَوْلَ الْأَمَلِ وَقَصْرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ ، حَتَّى لَا نُؤْمَلَ اسْتِمَامَ سَاعِهِ بَعْدَ سَاعِهِ وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ وَلَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ ، وَسَلَّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ وَآمَنَّا مِنْ شُرُورِهِ. (۴)

د الزُّهْدُ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ! الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ. (۵)

۱- غرر الحكم: ح ۸۴۴۴ و ۸۴۴۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۹ ح ۷۹۶۸ وليس فيه ذيله .

۲- غرر الحكم: ح ۹۹۰۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۹۴ ح ۹۱۳۹ .

۳- غرر الحكم: ح ۶۷۹۳ .

۴- الصحيفه السجاديّه: ص ۱۵۳ الدعاء ۴۰، الدعوات: ص ۱۷۸ ح ۴۹۲ وفيه «الحذر» بدل «العمل» و«استتمام» بدل «استيفاء» .

۵- نهج البلاغه: الخطبه ۸۱، مشكاه الأنوار: ص ۲۰۸ ح ۵۶۳، روضه الواعظين: ص ۴۷۶، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۳۲۰ ح ۳۵ .

ص: ۱۰۱

**۵ / ۳ نتایج کوتاهی آرزو****الف نیکویی کردار****ب خلوص عمل****ج راستی کردار****د زهد**

۵ / ۳ نتایج کوتاهی آرزو الف نیکویی کردار امام علی علیه السلام: هر که آرزویش کوتاه باشد، کردارش نیک می شود. هر که آرزویش را دراز گرداند، کردارش را بد و تباه می سازد.

امام علی علیه السلام: خوب کمکی است کوتاهی آرزو برای عمل!

ب خلوص عمل امام علی علیه السلام: آرزوها را کم کن تا اعمالت خالص گردد.

ج راستی کردار امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در هنگام یاد از مرگ: خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از درازی آرزو، نگه دار و با راستی کردار، آرزو را در ما کوتاه گردان، آن گونه که [حتی] آرزو نداشته باشیم ساعتی را پس از ساعت دیگر به سر آوریم، یا روزی را از پس روزی دیگر به پایان بریم، یا نفسی را به نفسی دیگر، پیوند دهیم، یا گامی از پی گامی دیگر برداریم. ما را از فریب آرزو به سلامت دار و از بدی های آن، در امان بدار.

د زهد امام علی علیه السلام: ای مردم! زهد، کوتاهی آرزو و سپاس گزاری از نعمت هاست.



ص: ١٠٢

الإمام الباقر عليه السلام: اسْتَجْلِبْ حِلَاوَةَ الزَّهَادَةِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ. (١)

عنه عليه السلام: لَا زُهْدَ كَقَصْرِ الْأَمَلِ. (٢)

ه غِنَى النَّفْسِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى. (٣)

الإمام الهادي عليه السلام: الْغِنَى قَلَّةُ تَمَنِّيكَ ، وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ. (٤)

و سَلَامَةُ النَّفْسِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْفَعُ الدَّوَاءِ تَرْكُ الْمُنَى. (٥)

ز الْعِلْمِ اللَّذِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَأَطَالَ فِيهَا رَغْبَتَهُ أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا ، وَمَنْ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَّرَ فِيهَا أَمَلَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا مِنْ غَيْرِ تَعَلُّمٍ وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ. (٦)

- ١- تحف العقول: ص ٢٨٥ عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٤ ح ١.
- ٢- تحف العقول: ص ٢٨٦ عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ١.
- ٣- الكافي: ج ٨ ص ٢٣ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٩ ح ٥٨٣٤، نهج البلاغه: الحكمه ٣٤، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩١ ح ٩٨.
- ٤- الدرّه الباهره: ص ٤١، محاسبه النفس للكفعمي: ص ٧٢، نزهه الناظر: ص ١٣٨ ح ٧، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ١٠٩ ح ١٢.
- ٥- غرر الحكم: ح ٣٠٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٩ ح ٢٦٧٩.
- ٦- تاريخ اصفهان: ج ١ ص ١٦٢ ح ١٤٤، كنز العمّال: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٤ نقلاً عن أبي عبد الرحمن السلمى فى كتاب المواعظ والوصايا وكلاهما عن ابن عباس .

ص: ۱۰۳

## ه بی نیازی نفس

## و سلامت نفس

## ز علم لدنی

امام باقر علیه السلام: شیرینی زهد را با کوتاه کردن آرزو به دست آور.

امام باقر علیه السلام: هیچ زهدی چون کوتاهی آرزو نیست.

ه بی نیازی نفسامام علی علیه السلام: عالی ترین بی نیازی و توانگری، رها کردن آرزوهاست.

امام هادی علیه السلام: بی نیازی و توانگری، در این است که تمنّایت اندک باشد و به آنچه تو را بسنده کند، خرسند باشی.

و سلامت نفسامام علی علیه السلام: سودبخش ترین دارو، ترک آرزوهاست.

ز علم لدنیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا راغب باشد و رغبتش را در آن به درازا بکشاند، خداوند، دل او را به اندازه رغبتش به دنیا کور می گرداند و هر که به دنیا بی رغبت باشد و آرزویش را در آن کوتاه سازد، خداوند، به او دانشی عطا می کند، بی آن که از کسی بیاموزد و راهنمایی اش کند، بی آن که از کسی راهنمایی گیرد.

ص: ۱۰۴

ح الجَنَّهُكَتَابِ الزَّهْدِ عَنِ الْحَسَنِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُتِّبَ لَكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: فَأَقْصِرُوا مِنَ الْأَمَلِ وَتَبَّتْ أَوْجَالُكُمْ بَيْنَ أَبْصَارِكُمْ وَاسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ. (۱)

۱- الزهد لابن المبارك: ص ۱۰۷ ح ۳۱۷، حليه الأولياء: ج ۸ ص ۱۸۵ وفيه «تبتوا حالكم من أنصاركم» بدل «تبتوا آجالكم بين أبصاركم»، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۹۳۸ ح ۴۳۶۱۱؛ تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۲۷۲.

ص: ۱۰۵

## ح بهشت

ح بهشتکتاب الزهد به نقل از حسن (۱): پیامبر خدا فرمود: «هریک از شما دوست دارد به بهشت برود؟». گفتند: آری، ای پیامبر خدا. فرمود: «پس، آرزو را کوتاه دارید و آجل خویش را در برابر دیده خود، قرار دهید و از خداوند، چنان که باید، شرم داشته باشید».

---

۱- مقصود از حسن، حسن بصری و یا امام حسن علیه السلام است.

ص: ۱۰۶

الفصل السادس : التحذیر من الآمال الذمیمه ۶ / ۱ إِيَّاكَ وَطَوَّلَ الْأَمْلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ خُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ : فَوَا عَجَبًا لِقَوْمِ آلِهَتِهِمْ أَمْوَالُهُمْ ، وَطَالَتْ آمَالُهُمْ ، وَقَصُرَتْ آجَالُهُمْ وَهُمْ يَطْمَعُونَ فِي مُجَاوَزِهِ مَوْلَاهُمْ ، وَلَا يَصِلُونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ ، وَلَا يَتَمَّ الْعَمَلُ إِلَّا بِالْعَقْلِ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله في دُعَاءِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى : وَهَذِهِ يَدَايَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ مَرْفُوعَةٌ إِلَيْكَ ، وَمُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ وَتَائِبٌ إِلَيْكَ فِيمَا أَتَيْتُ مِنْ سُوءٍ فِعَالِي وَقِيحِ أَعْمَالِي وَطَوَّلِ آمَالِي . (۲)

المعجم الكبير عن أمّ الوليد بنت عمر : أَطَّلَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ عَشِيَّتِهِ فَقَالَ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ قَالُوا : مِمَّ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ : تَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ ، وَتَبْنُونَ مَا لَا تَعْمُرُونَ ، وَتَأْمَلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَ ، أَلَا تَسْتَحْيُونَ ذَلِكَ (۳)؟! (۴)

۱- .جامع الأخبار : ص ۳۹۷ ح ۱۱۰۰ عن جابر بن عبد الله الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ۵۲ ص ۲۶۴ ح ۱۴۸ .

۲- .البلد الأمين : ص ۴۲۱ ، بحار الأنوار : ج ۹۳ ص ۲۶۶ ح ۱ .

۳- .في كنز العمال : «من ذلك» .

۴- .المعجم الكبير : ج ۲۵ ص ۱۷۲ ح ۴۲۱ ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۶۶ ح ۴۳۹۶۲ .

ص: ۱۰۷

## فصل ششم: برحذر داشتن از آرزوهای نکوهیده

## ۶ / ۱ زنهار از آرزوی دراز

فصل ششم: برحذر داشتن از آرزوهای نکوهیده ۶ / ۱ زنهار از آرزوی دراز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنرانی ایشان در حَجَّةُ الوداع: شگفتا از آن مردمی که دارایی هایشان سرگرمشان ساخته است و آرزوهایشان، دراز است و عمرهایشان، کوتاه؛ به زیستن در جوار پروردگارش چشم دوخته اند، حال آن که بدین آرزو نمی رسند، مگر با عمل، و عمل انجام نمی گیرد، مگر با خرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای اسمای حُسنا: این دو دست من، ای سرور و ای مولای من! به سوی تو بلند شده است و تکیه ام به توست و از کردارهای بد و رفتارهای زشت خویش و آرزوهای دور و درازم به درگاه تو توبه آورده ام.

المعجم الکبیر به نقل از اُمّ ولید دختر عمر: یک روز عصر، پیامبر خدا بیرون آمد و فرمود: «ای مردم! آیا شرم نمی کنید؟». گفتند: از چه ای پیامبر خدا؟! فرمود: «گرد می آورید، آنچه نمی خورید و می سازید، آنچه در آن سکونت نمی کنید و آرزو می کنید، آنچه که به آن نمی رسید. آیا از این کارها شرم نمی کنید؟!». .

ص: ۱۰۸

رسول الله صلى الله عليه و آله في وصيته لأبي ذرٍّ: يا أبا ذرٍّ، إيتاك والتسوية بأمريك، فإنك بيومك ولست بما بعده، فإن يكن غد لك تكن في الغد كما كنت في اليوم، وإن لم يكن غد لك لم تندم على ما فرطت في اليوم. (۱)

الإمام علي عليه السلام: إنما أخاف عليكم اثنتين: اتباع الهوى وطول الأمل، أما اتباع الهوى فإنه يصد عن الحق وأما طول الأمل فينسى الآخرة (۲).

عنه عليه السلام: إن الله سبحانه ليبيغض الطويل الأمل السيئ العمل. (۳)

عنه عليه السلام: شر الناس الطويل الأمل السيئ العمل. (۴)

عنه عليه السلام: إيتاك وطول الأمل؛ فكم من مغرور أفتتن بطول أمليه وأفسد عمله وقطع أجله، فلا أمله أدرك ولا ما فاتته استدرك. (۵)

الإمام زين العابدين عليه السلام في وصيته لابنه الباقر عليه السلام: أعلم أن الساعات تذهب عمرك (۶)، و أنك لا تنال نعمة إلا بفراق أخرى، فإيتاك والأمل الطويل؛ فكم من مؤمل أملًا لا يبلغه وجامع مال لا يأكله. (۷)

۱- الأمالى للطوسى: ص ۵۲۶ ح ۱۱۶۲، مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۶۴ ح ۲۶۶۱ كلاهما عن أبى ذرٍّ، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۷۵ ح ۳.

۲- الكافى: ج ۲ ص ۳۳۵ ح ۳ عن يحيى بن عقيل، مسكن الفؤاد: ص ۲۶ نحوه؛ كنز العمال: ج ۱۶ ص ۲۳ ح ۴۳۷۶۶ نقلًا عن ابن النجار عن الإمام علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه و آله نحوه.

۳- غرر الحكم: ح ۳۴۵۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۲ ح ۳۱۷۹.

۴- غرر الحكم: ح ۵۷۵۱.

۵- غرر الحكم: ح ۲۷۱۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۹۹ ح ۲۲۷۸.

۶- فيالنسخة المعتمده من المصدر: «يذهب عمرك» بدل «تذهب عمرك»، وما فى المتن أثبتناه فى نسخه أخرى للمصدر وكذا بحار الأنوار إذ أنه الأوفق بقريته السياق.

۷- كفايه الأثر: ص ۲۴۰ عن عثمان بن خالد، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۲۳۱ ح ۷.

ص: ۱۰۹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نصیحتش به ابو ذر: ای ابو ذر! از به فردا افکندن آرزویت بپرهیز؛ زیرا تو در امروز خویش هستی ، نه در فردا . پس اگر فردایی برایت بود ، در آن فردا نیز چنان باشی که امروز هستی و اگر فردایی برایت نبود ، افسوس نخواهی خورد که امروز ، کوتاهی کرده ای.

امام علی علیه السلام: من بر شما از دو چیز می ترسم: پیروی از هوس و آرزوی دراز؛ زیرا پیروی هوس ، از حق باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد می برد .

امام علی علیه السلام: خداوند پاک ، از بلند آرزوی بد کردار ، نفرت دارد.

امام علی علیه السلام: بدترین مردم ، کسی است که بلند آرزو و بد کردار باشد.

امام علی علیه السلام: از آرزوی دراز بپرهیز؛ زیرا بسا فریب خورده ای که فریب آرزوی درازش را خورد و عملش را تباه کرد و عمرش را به سر آورد و نه به آرزویش رسید و نه [عمر و عمل] از دست رفته را جبران کرد.

امام زین العابدین علیه السلام در سفارش به فرزندش امام باقر علیه السلام: بدان که این ساعت ها عمر تو را می بَرند و تو به نعمتی نمی رسی، مگر با جدا شدن از نعمتی. پس ، از آرزوی دراز بپرهیز؛ زیرا ای بسا آرزومند آرزویی که به آن نمی رسد و گرد آورنده مالی که آن را نمی خورد!



ص: ۱۱۰

الإمام الصادق عليه السلام في دُعَاءٍ لَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَأَهْلِيهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ... رَبِّ مَا سُوءَ فِعْلِي وَأَقْبَحَ عَمَلِي وَأَقْسَى قَلْبِي وَأَطْوَلَ أَمَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي وَأَجْرَأَنِي عَلَى عِصْيَانِ مَنْ خَلَقَنِي!... رَبِّ وَمَا أَطْوَلَ أَمَلِي فَيَقْصِرُ أَجَلِي، وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي! وَمَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي! (۱)

۶ / اتَّقُوا بَاطِلَ الْأُمَلِإِمَامِ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ: اتَّقُوا بَاطِلَ الْأَمَلِ؛ فَرُبَّ مُسْتَقْبَلِ يَوْمٍ لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ، وَمَغْبُوطٍ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ قَامَتْ بَوَاكِيهِ فِي آخِرِهِ. (۲)

عنه عليه السلام في صِفَةِ الدُّنْيَا: اعْلَمْ يَا هَذَا أَنَّهَا تُشْخِصُ (۳) الْوَادِعَ (۴) السَّاكِنَ، وَتُفَجِّعُ (۵) الْمُغْتَبِطَ (۶) الْآمِنَ، لَا يَرْجِعُ مِنْهَا مَا تَوَلَّى فَادْبَرَ وَلَا يُدْرِي مَا هُوَ آتٍ فَيَحْذَرُ، أَمَانِيَّهَا كَاذِبَةٌ وَأَمَالُهَا بَاطِلَةٌ. (۷)

- ۱- الكافي: ج ۲ ص ۵۹۰ ح ۳۱ عن عبد الرحمن بن سيّابه، مصباح المتهجد: ص ۲۷۵ ح ۳۸۳، جمال الأسبوع: ص ۱۴۲ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۳۰۱ ح ۱۰.
- ۲- غرر الحكم: ح ۲۵۷۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۹۱ ح ۲۱۴۸ وفيه «أول ليله» بدل «أول ليله».
- ۳- أشخصه: أزعجه، وشخص به: أتاه أمر أقلقه وأزعجه (القاموس المحيط: ج ۲ ص ۳۰۶ «شخص»).
- ۴- الوادع: الساكن، ودّع: سكن واستقر. والدّعه: الخفض والسعه في العيش (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۹۲ «ودع»).
- ۵- الفجع: أن يوجع الإنسان بشيء يكرم عليه فيعدمه (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۶۱ «فجع»).
- ۶- الاغتباط: التبجح بالحال الحسنه، وقيل: هو الفرح بالنعمة (تاج العروس: ج ۱۰ ص ۳۵۱ «غبط»).
- ۷- دستور معالم الحكم: ص ۳۹، شرح نهج البلاغه: ج ۷ ص ۱۰۵ نحوه؛ بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۰۹ ح ۱۰۹ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

ص: ۱۱۱

**۶ / ۲ از آرزوی پوچ بپرهیزید**

امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهایش: ستایش، خداوند را که صاحب ستایش، شایسته آن، پایان آن و جایگاه آن و... است. پروردگارا! چه بد است، کردار من و چه زشت است، رفتار، چه سخت است، دلم و چه دراز است، آرزویم و چه کوتاه است، عمرم و چه گستاخم بر نافرمانی از کسی که مرا آفریده است!... پروردگارا! چه دراز است آرزویم، در برابر کوتاهی عمرم و چه کوتاه است عمرم، در برابر دور و درازی آرزویم و چه زشت است اندرون و آشکارم (نیت و کردارم)!

۶ / ۲ از آرزوی پوچ بپرهیزید امام علی علیه السلام: از آرزوهای پوچ بپرهیزید؛ زیرا بسا کسی که روزی را آغازیده، اما آن را پشت سر نهاده است و بسا کسی که در آغاز شب، رشک انگیز بوده؛ لیکن در آخر شب، گریه کند گانش برخاسته اند.

امام علی علیه السلام در وصف دنیا: بدان ای انسان که دنیا، آرام گرفته ساکن [در خود] را می کوچاند و شادمان آسوده خاطر را دردمند می سازد. آنچه از دنیا پشت کرده و رفته است، باز نمی گردد و آنچه هم می آید، معلوم نیست تا از آن حذر توان کرد. آرزوهایش دروغ و آمالش پوچ است.

ص: ۱۱۲

عنه عليه السلام: اِحْدَرُوا الْأَمَلَ الْمَغْلُوبَ وَالنَّعِيمَ الْمَسْلُوبَ. (۱)

۶ / ۳ اتَّقُوا خِدَاعَ الْأَمَالِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا خِدَاعَ الْأَمَالِ؛ فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ يَوْمَ لَمْ يُدْرِكْهُ، وَبَانِي بِنَاءٍ لَمْ يَسْكُنْهُ، وَجَامِعٍ مَالٍ لَمْ يَأْكُلْهُ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَامًا وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا. (۲)

عنه عليه السلام: كَذَّبَ مَنْ ادَّعَى الْإِيمَانَ وَهُوَ مَشْغُوفٌ (۳) مِنَ الدُّنْيَا بِخِدَاعِ الْأَمَانِيِّ وَزُورِ الْمَلَاهِي. (۴)

عنه عليه السلام: مَنْ اتَّكَلَ عَلَى الْأَمَانِيِّ مَاتَ دُونَ أَمَلِهِ. (۵)

عنه عليه السلام: الْأَمَلُ خَادِعٌ غَارٌّ ضَارٌّ. (۶)

عنه عليه السلام: الْأَمَلُ يَخْدَعُ. (۷)

عنه عليه السلام: الْأَمَانِيُّ تَخْدَعُ. (۸)

۱- غرر الحكم: ح ۲۵۸۶.

۲- غرر الحكم: ح ۲۵۶۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۹۱ ح ۲۱۵۶.

۳- شغف الهوى قلبه: بلغ شغافه؛ وهو غشاؤه. وشغفه المال: زين له فأحبه فهو مشغوف به (المصباح المنير: ص ۳۱۶ «شغف»).

۴- غرر الحكم: ح ۷۲۳۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۹۶ ح ۶۷۰۲.

۵- غرر الحكم: ح ۸۲۹۳.

۶- غرر الحكم: ح ۱۱۴۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۵ ح ۱۱۰۶.

۷- غرر الحكم: ح ۲۰۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۸ ح ۳۸۲.

۸- غرر الحكم: ح ۱۴۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۴ ح ۶۳۴.

ص: ۱۱۳

**۶ / ۳ از آرزوهای فریبنده بپرهیزید**

امام علی علیه السلام: از آرزویی که شکست می خورد و از نعمتی که گرفته می شود، دوری کنید.

۶ / ۳ از آرزوهای فریبنده بپرهیزید امام علی علیه السلام: از آرزوهای فریبنده بپرهیزید؛ زیرا، ای بسا آرزومند روزی که آن را در نیافته است و بسا سازنده بنایی که در آن، نشسته است و بسا گرد آورنده مالی که از آن نخورده است و شاید آن را از راهی باطل یا نپرداختن حقی گرد آورده است؛ از حرام آن را به دست آورده و بدین سبب، بار گناहانی را بر دوش خویش نهاده است.

امام علی علیه السلام: دروغ می گوید آن که ادعای ایمان کند، اما دل بسته آرزوهای فریبنده و سرگرمی های دروغین دنیا است.

امام علی علیه السلام: هر که به آرزوها تکیه کند، بدون رسیدن به آرزویش می میرد.

امام علی علیه السلام: آرزو، فریبنده، گم راه کننده و زیان رسان است.

امام علی علیه السلام: آرزو می فریبد.

امام علی علیه السلام: آرزوها، گول می زنند.

ص: ۱۱۴

عنه عليه السلام: الْأَمَانِيُّ تَخَدَعُكَ ، وَعِنْدَ الْحَقَائِقِ تَدْعُكَ. (۱)

عنه عليه السلام: أَنْفَاسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ ، وَأَمَلُهُ خَادِعٌ عَنِ عَمَلِهِ. (۲)

عنه عليه السلام: الْأَمَلُ خَوَانٌ. (۳)

عنه عليه السلام: لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمْدُ (۴) وَلَا يُعَزِّتُكُمْ الْأَمَلُ ؛ فَإِنَّ الْأَمَلَ لَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ. (۵)

عنه عليه السلام لَصَعَصَيْعَهُ بِنِ صُوحَانَ وَقَدْ أَتَاهُ عَائِدًا لَهُ ، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ : يَا صَعَصَيْعَهُ بِنِ صُوحَانَ لَا تَفْتَخِرْ بِعِيَادَتِي إِيَّاكَ ، وَانظُرْ لِنَفْسِكَ فَكَأَنَّ الْأَمْرَ قَدْ وَصَلَ إِلَيْكَ ، وَلَا يُلْهِتُكَ الْأَمَلُ . اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ. (۶)

عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ (الْمُسْلِمِينَ) اتَّقُوا اللَّهَ ، فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ ، وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ ، وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ ، وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ ، أَصَابَهُ حَرَامًا وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا ، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِئًا لَاهِفًا (۷) ، قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ؛ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ. (۸)

۱- غرر الحکم: ح ۱۴۵۳ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۸ ح ۳۷۷ .

۲- تنبیه الخواطر: ج ۲ ص ۱۱۴ ؛ شرح نهج البلاغه: ج ۱۸ ص ۲۲۱ نحوه وراجع نهج البلاغه: الخطبه ۶۴ .

۳- غرر الحکم: ح ۱۰۳ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ۳۷ ح ۷۸۴ .

۴- الأمد: الغایه (النهایه: ج ۱ ص ۶۵ «أمد»).

۵- غرر الحکم: ح ۱۰۳۳۸ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۴ ح ۹۵۴۸ نحوه .

۶- قرب الإسناد: ص ۳۷۸ عن البزنطی عن الإمام الرضا علیه السلام ، بحار الأنوار: ج ۴۹ ص ۲۶۹ ح ۱۰ .

۷- اللّهفان واللاهف: المکروب (لسان العرب: ج ۹ ص ۳۲۲ «لهف»).

۸- نهج البلاغه: الحکمه ۳۴۴ ، إرشاد القلوب: ص ۳۹ نحوه ، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۸۳ ح ۸۸ ؛ تذکره الخواص: ص ۱۳۵ نحوه

ص: ۱۱۵

امام علی علیه السلام: آرزوها، تو را گول می زنند و در هنگام [آشکار شدن] حقایق، رهایت می کنند.

امام علی علیه السلام: نفس های آدمی، گام های او به سوی اجل اویند و آرزوی او، بازدارنده او از عمل اویند.

امام علی علیه السلام: آرزو، خیانتکار است.

امام علی علیه السلام: زنهار مدت ( / پایان) عمر در نظر شما دراز نیاید و آرزو، فریبتان ندهد؛ زیرا آرزو در دین، جایگاهی ندارد.

امام علی علیه السلام به صعصعه بن صوحان، هنگامی که به عیادت او آمد و خواست تا برود: ای صعصعه بن صوحان! از این که به عیادت تو آمده ام، بر خود مناز و به فکر خویشتن باش، که گویا امر [مرگ] به تو رسیده است. مبادا آرزو تو را سرگرم و غافل گرداند! به خدا می سپارم.

امام علی علیه السلام: ای گروه مردمان [مسلمان]! از خدا پروا کنید؛ زیرا بسا آرزومند چیزی که به آن نمی رسد، و سازنده بنایی که در آن، سکونت نمی کند و گرد آورنده اموالی که به زودی همه آنها را رها می کند؛ مالی که شاید از راه باطل و یا نپرداختن حقی گرد آورده است؛ از راه حرامی به آن رسیده و بدان سبب گناहانی را مرتکب شده است؛ بار سنگین آن را به دوش گرفته و با دریغ و اندوه بر پروردگارش در آمده است، در حالی که در دنیا و آخرت، زیان کرده است، و این است آن زیان آشکار.

ص: ۱۱۶

۶ / ۱۴ اَمَلٌ أَكْذَبُ شَيْءٍ! الإمام علي عليه السلام: أَكْذَبُ شَيْءٍ الْأَمَلُ. (۱)

عنه عليه السلام: لَا شَيْءَ أَكْذَبُ مِنَ الْأَمَلِ. (۲)

عنه عليه السلام: قَدْ تَكْذَبُ الْأَمَالُ. (۳)

عنه عليه السلام: رَبُّ طَمَعٍ كَاذِبٍ لِأَمَلٍ غَائِبٍ. (۴)

عنه عليه السلام: رَبُّ رَجَاءٍ خَائِبٍ لِأَمَلٍ كَاذِبٍ. (۵)

عنه عليه السلام: رَبُّ طَمَعٍ خَائِبٍ وَأَمَلٍ كَاذِبٍ، وَرَجَاءٍ يُؤَدِّي إِلَى الْحِرْمَانِ وَتِجَارَةٍ تُؤَوِّلُ إِلَى الْخُسْرَانِ. (۶)

عنه عليه السلام: قَلَّمَا تَصَدَّقَكَ الْأَمِيَّةُ (۷). (۸)

عنه عليه السلام: أَيْنَ تَخْتَدِعُكُمْ كَوَاذِبُ الْأَمَالِ؟! (۹)

عنه عليه السلام في ذم أهل الدنيا: قَدْ غَابَ عَن قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْأَجَالِ، وَخَضَّ رَتُّكُمْ كَوَاذِبُ الْأَمَالِ، فَصَارَتِ الدُّنْيَا أَمْلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ، وَالْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ. (۱۰)

۱- غرر الحكم: ح ۲۸۴۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۷ ح ۲۵۹۳.

۲- غرر الحكم: ح ۱۰۶۴۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۳۷ ح ۹۸۹۸.

۳- غرر الحكم: ح ۶۶۳۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۷ ح ۶۱۶۸.

۴- غرر الحكم: ح ۵۳۱۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۶۷ ح ۴۸۸۷.

۵- غرر الحكم: ح ۵۳۱۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۶۷ ح ۴۸۸۸.

۶- الكافي: ج ۸ ص ۱۹ ح ۴ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ۹۳، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۲۸۱ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۲۷.

۷- أي في الغالب أمتيتك كاذبه فيما تعدك (مرآة العقول: ج ۲۵ ص ۵۲).

۸- الكافي: ج ۸ ص ۲۳ ح ۴ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ۹۸، كنز الفوائد: ۱ ص ۳۵۰، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۲۸۷ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۲۴.

۹- غرر الحكم: ح ۲۸۱۵.

۱۰- نهج البلاغه: الخطبه ۱۱۳، غرر الحكم: ح ۶۶۸۶ و ۶۶۸۷ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۶ ح ۶۱۴۵ وفيه صدره إلى «كواذب الآمال».

ص: ۱۱۷

**۶ / ۴ آرزو، دروغ ترین چیزهاست.**

۶ / ۴ آرزو، دروغ ترین چیزهاست. امام علی علیه السلام: دروغ ترین چیز، آرزوست.

امام علی علیه السلام: چیزی دروغ تر از آرزو وجود ندارد.

امام علی علیه السلام: گاه ( / چه بسا) آرزوها دروغ می گویند.

امام علی علیه السلام: ای بسا طمع بیهوده به آرزویی که تحقق نمی یابد!

امام علی علیه السلام: ای بسا امیدهای بیهوده ای که به آرزویی دروغین، بسته می شوند!

امام علی علیه السلام: چه بسیار چشمداشت های بی حاصل، آرزوهای دروغین و امیدهایی که به نومی می انجامند و تجارت هایی که به زیان منجر می شوند!

امام علی علیه السلام: کمتر پیش می آید که آرزو به تو راست گوید [و تحقق یابد].

امام علی علیه السلام: تا کی فریب دروغ آرزوها را می خورید!؟

امام علی علیه السلام در نکوهش دنیاپرستان: یاد مرگ از دل های شما رخت بر بسته است و آرزوهای دروغین، همواره در دل شماست. از این رو، دنیا بیشتر بر شما مسلط است تا آخرت، و این زندگی، شما را بیشتر سرگرم خود کرده است تا زندگی آخرت.



ص: ۱۱۸

عنه عليه السلام: الأمل أبدا في تكذيب. (۱)

عنه عليه السلام: لا تفي الأمانئ لمن عول عليها. (۲)

الإمام الصادق عليه السلام: طوبى لعبد طلب الآخرة وسعى لها ، طوبى لمن لم تله الأمانئ الكاذبه. (۳)

٦ / الأمل كالسراب الإمام علي عليه السلام: الأمل كالسراب ؛ يغر من رآه ، ويخلف من رجاه. (۴)

عنه عليه السلام: أين يغركم سراب الآمال ؟! (۵)

عنه عليه السلام: قد تغر الأمية. (۶)

عنه عليه السلام من خطبه له بعد حرب الجمل: إن الدنيا حلوة خضرة (۷) ، تفتن الناس بالشهوات وتزين لهم بعاجلها ، وأيم الله إنها

لتغر من أملها وتخلف من رجائها. (۸)

۱- غرر الحكم: ح ۲۰۱۷ .

۲- غرر الحكم: ح ۱۰۷۰۱ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۳۸ ح ۹۹۴۲ .

۳- تحف العقول: ص ۳۰۱ .

۴- غرر الحكم: ح ۱۸۹۶ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۷ ح ۱۴۵۴ .

۵- غرر الحكم (طبعة دار الكتاب الإسلامي): ص ۱۸۲ ح ۲۴ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۹ ح ۲۹۲۹ .

۶- غرر الحكم: ح ۶۶۱۷ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۷ ح ۶۱۵۸ .

۷- خضرة: أي غضة ناعمة طريه (النهاية: ج ۲ ص ۴۱ «خضر»).

۸- الكافي: ج ۸ ص ۲۵۶ ح ۳۶۸ عن سلام بن المستنير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۲۳۳ ح ۱۸۶ .

ص: ۱۱۹

**۶ / ۵ آرزو چون سراب است**

امام علی علیه السلام: آرزو، همیشه دروغ می گوید.

امام علی علیه السلام: آرزوها به کسی که بر آنها تکیه کند، وفا نمی کند.

امام صادق علیه السلام: خوشا بنده ای که آخرت را جُست و برای آن کوشید! خوشا کسی که آرزوهای دروغین او را سرگرم نساخت!

۶ / ۵ آرزو چون سراب استامام علی علیه السلام: آرزو، چون سراب است که بیننده اش را می فریبد و امیدواری اش را نومید می کند.

امام علی علیه السلام: تا کی سراب آرزوها شما را می فریبد!؟

امام علی علیه السلام: گاه (/ بسا که) آرزو می فریبد.

امام علی علیه السلام در سخنرانی اش پس از جنگ جَمَل : دنیا، شیرین و سرسبز است ؛ مردم را با خواسته های نفسانی می فریبد و زندگی این جهانی را در چشم آنان، زیبا می نماید. به خدا سوگند که دنیا، آرزومندان خود را گول می زند و امیدوارانش را مأیوس می کند.

ص: ۱۲۰

عنه عليه السلام: لا غارَ أَخَذَ مِنْ الأَمَلِ. (۱)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالأَمَلِ اغْتِرارًا. (۲)

عنه عليه السلام: لِكُلِّ أَمَلٍ غُرُورٌ. (۳)

عنه عليه السلام: أَكْذِبُ الأَمَلُ وَلَا تَتَّقِ بِهِ؛ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَصاحِبُهُ مَغْرُورٌ. (۴)

عنه عليه السلام: المُغْتَرِّ بِالأَمالِ مَخْدُوعٌ. (۵)

عنه عليه السلام: إِيّاكَ وَالإِغْتِرارَ بِالأَمَلِ. (۶)

عنه عليه السلام: الشَّقِيُّ مَنْ اغْتَرَّ بِحالِهِ وَانْخَدَعَ لِغُرُورِ آمالِهِ. (۷)

عنه عليه السلام: أُرْمِعُوا (۸) عِبَادَ اللَّهِ بِالرَّحِيلِ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ، المَقْدُورِ عَلَى أَهلِها الزَّوالِ، المَمْنُوعِ أَهلِها مِنَ الحِياهِ، المَدَّلَلِ أَنْفُسِهِمْ بِالمُوتِ؛ فَلَا- حَتَّى يَطْمَعُ فِي البِقاءِ وَلا نَفْسٌ إِلا مُدْعِنَةٌ بِالمَنونِ، فَلَا يَغْلِبُنْكُمْ الأَمَلُ، وَلا يَطُلُ عَلَيْكُمْ الأَميدُ، وَلا تَغْتَرُوا فِيها بِالأَمالِ، وَتَعَبَّدُوا اللَّهَ أَيّامَ الحِياهِ. (۹)

۱- غرر الحكم: ح ۱۰۶۱۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۳۳ ح ۹۷۵۵ وفيه «غادر» بدل «غار».

۲- غرر الحكم: ح ۷۰۳۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۸۶ ح ۶۵۵۰.

۳- غرر الحكم: ح ۷۲۷۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۰۱ ح ۶۷۵۶.

۴- غرر الحكم: ح ۲۳۲۷، نهج البلاغه: الخطبه ۸۶، تحف العقول: ص ۱۵۲ وليس فيهما «ولا تتق به»، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۹۳ ح ۲.

۵- غرر الحكم: ح ۶۲۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵ ح ۲۵۷.

۶- التحصين لابن فهد: ص ۱۶ ح ۲۸، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۱۲ ح ۱۰۹ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

۷- غرر الحكم: ح ۱۷۹۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۲ ح ۱۵۲.

۸- الزَّمعُ والزَّماعُ: المَضاءُ فِي الأَمْرِ والعَزْمُ عَلَيْهِ. وَأَزْمَعَ الأَمْرُ وَبِهِ وَعَلَيْهِ: مَضَى فِيهِ وَتَبَّتْ عَلَيْهِ عَزْمَهُ (لسان العرب: ج ۸ ص ۱۴۳ «زمع»).

۹- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۵۱۹ ح ۱۴۸۴، الأمالي للمفيد: ص ۱۶۰ ح ۲ عن مجاهد، نهج البلاغه: الخطبه ۵۲ وليس فيه من «الممنوع» إلى «بالمنون» وليس فيهما ذيله، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۰۸ ح ۱۰۸.

ص: ۱۲۱

امام علی علیه السلام: هیچ فریبکاری، فریبنده تر از آرزو نیست.

امام علی علیه السلام: برای فریب خوردن، آرزو، خود کافی است.

امام علی علیه السلام: هر آرزویی فریبی دارد.

امام علی علیه السلام: آرزو را دروغگو دان و به آن اعتماد مکن؛ زیرا که آرزو، فریب است و آرزومند، فریب خورده.

امام علی علیه السلام: فریفته آرزوها، فریب خورده است.

امام علی علیه السلام: زنهار! فریب آرزو را مخور.

امام علی علیه السلام: بدبخت، کسی که به حال خویش فریفته شود و فریب آرزوهای پوچش را بخورد.

امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! عزم کوچیدن کنید از این سرایی که رفتن از آن، بر ساکنانش مقدر شده و از زیستن [همیشگی] در آن، ممنوع گشته اند و جان هایشان مقهور مرگ است، به طوری که هیچ زنده ای طمع در ماندن ندارد و هیچ جاننداری نیست، جز آن که سرود فرمان مرگ دارد. پس، زنهار که آرزو بر شما چیره نگردد، مدت عمر را دراز نپندارید، در دنیا، فریب آرزوها را نخورید و تا زنده اید، خدا را بندگی کنید!

ص: ۱۲۲

الإمام الصادق عليه السلام: كَمِ مِنْ نِعْمِهِ لَلَّهِ عَلَى عَبْدِهِ فِي غَيْرِ أَمَلِهِ ، وَكَمِ مِنْ مُؤَمَّلٍ أَمَلًا الْخِيَارُ فِي غَيْرِهِ. (۱)

عیون أخبار الرضا عن محمد بن يحيى بن أبي عبادٍ عن عمّه: سَمِعْتُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا يُنْشِدُ وَقَلِيلًا مَا كَانَ يُنْشِدُ شِعْرًا: كُنَّا نَأْمَلُ مَيْدًا فِي الْأَجَلِ الْمَنَايَا هُنَّ آفَاتُ الْأَمَلِ لَا تَغْرُنُكَ أَبَاطِيلُ الْمُنْيُورِ الزَّمِ الْقَصْدَ وَدَعِ عَنكَ الْعِلَلَ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظَلٍّ زَائِلِحَلٍّ فِيهِ رَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ (۲)(۳)

۶ / ۶ رُبَّ أَمَلٍ خَائِبٍ لِمَا عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رُبَّ طَمَعٍ كَاذِبٍ وَأَمَلٍ خَائِبٍ. (۴)

۱- الأمالی للطوسی: ص ۱۳۲ ح ۲۱۰ عن بكر بن محمد، التمحيص: ص ۵۸ ح ۱۱۷، قرب الإسناد: ص ۴۰ ح ۱۲۸، تحف العقول: ص ۳۶۱، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۱۵۲ ح ۵۵.

۲- هذه الأبيات كما نوه عليه السلام إلى ذلك في ذيل الرواية هي لأبي العتاهيه .

۳- عيون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۱۷۷ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۴۹ ص ۱۰۷ ح ۱؛ تهذيب الكمال: ج ۲۱ ص ۱۵۲ الرقم ۴۱۴۱.

۴- كنز الفوائد: ج ۱ ص ۳۵۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۶۷ ح ۴۸۸۷، غرر الحكم: ح ۵۳۱۱ وفيه «غائب» بدل «خائب» وفيهما «لأمل» بدل «و أمل»، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۹۱ ح ۹۸.

ص: ۱۲۳

**۶ / ۶ بسا آرزوهای بی حاصل!**

امام صادق علیه السلام: ای بسا نعمت و لطف خداوند به بنده اش که در غیر آن چیزی است که او آرزو می کند، و ای بسا آرزومند آرزویی که خیر و صلاحش در غیر آن است!

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از محمد بن یحیی بن ابی عبّاد ، از عمویش : روزی از امام رضا علیه السلام شنیدم که این ابیات را می خواند در حالی که ایشان، به ندرت شعری می خواند : «همه ما آرزو داریم که بیشتر عمر کنیم/ و مرگ ها، خود، آفت های آرزویند . زنهار ، آرزوهای پوچ، فریبت ندهند/ پای در راه نه و دست از بیهودگی ها بدار . دنیا ، به سایه ای در حرکت می ماند/ که رهگذری در آن ، بار افکند و آن گاه بکوچد .

۶ / ۶ بسا آرزوهای بی حاصل! امام علی علیه السلام: ای بسا امیدهایی که دروغ اند و آرزوهایی که بی حاصل اند!

ص: ۱۲۴

عنه عليه السلام: رُبَّ أَمَلٍ خَائِبٍ. (۱)

عنه عليه السلام: كَمَّ مِنْ أَمَلٍ خَائِبٍ، وَغَائِبٍ غَيْرِ آئِبٍ (۲)! (۳)

عنه عليه السلام: ذُلُّ الرَّجَالِ فِي خَيْبِهِ الْأَمَالِ. (۴)

۱- منه كلمه للجاحظ: ص ۸۴ ح ۶۸، المناقب للخوارزمی: ص ۳۷۶ ح ۳۹۵ عن الجاحظ؛ عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۶۸ ح ۴۹۲۵.

۲- الأوب: الرجوع، يقال منه: آبَ أوبا فهو آیب (النهايه: ج ۱ ص ۷۹ «أوب»).

۳- غرر الحکم: ح ۶۹۳۵، عیون الحکم والمواعظ: ص ۳۸۰ ح ۶۴۳۲.

۴- غرر الحکم: ح ۵۱۷۸، عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۵۶ ح ۴۷۳۲.

ص: ۱۲۵

امام علی علیه السلام: ای بسا آرزویی که برآورده نمی شود!

امام علی علیه السلام: چه بسیار آرزوهایی که بی حاصل اند و چه بسیار رفته ای که باز نمی آید!

امام علی علیه السلام: خواریِ مردان ، در ناکامی آرزوهاست.



ص: ۱۲۶

الفصل السابع : مبادئ الآمال الباطله ۷ / الجهل للإمام علي عليه السلام : رَغْبَتُكَ فِي الْمُسْتَحِيلِ جَهْلٌ . (۱)

عنه عليه السلام : ما عَقَلَ مَنْ أَطَالَ أَمَلَهُ . (۲)

عنه عليه السلام : إِنَّ قُلُوبَ الْجُهَالِ تَسْتَفِزُّهَا الْأَطْمَاعُ ، وَتَرْتَهِنُهَا الْمُنَى ، وَتَسْتَعْلِقُهَا الْخَدَائِعُ (۳) . (۴)

عنه عليه السلام : الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ وَيُقَصِّرُ فِي عَمَلِهِ . (۵)

عنه عليه السلام : الْعَاقِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ ، الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ . (۶)

۱- غرر الحكم : ح ۵۳۸۴ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۶۹ ح ۴۹۵۰ .

۲- غرر الحكم : ح ۹۵۱۳ .

۳- قوله : «تستفزها الأطماع» أي تستخفها وتخرجها من مقرها «و ترتهنها المنى» هي إرادته ما لا يتوقع حصوله .. «و تستعلقها» أي تصيدها وتربطها بالحبال ، من قولهم : علق الوحش بالحباله : إذ اتعوق ونشب فيها (مرآة العقول : ج ۱ ص ۷۶ ۷۷) .

۴- الكافي : ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۶ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، تحف العقول : ص ۲۱۹ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۵۸ ح ۱۳۰ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ۲۰ ص ۲۵۶ ح ۸ وفيه «و ترتهن بالأمانى» بدل «و ترتهنها المنى» .

۵- غرر الحكم : ح ۱۹۶۷ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۵۹ ح ۱۴۹۸ .

۶- غرر الحكم : ح ۱۲۴۰ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۱۸ ح ۲۳ و ۲۴ .

ص: ۱۲۷

**فصل هفتم: خاستگاه های آرزوهای بیهوده****۷ / ۱ نادانی**

فصل هفتم: خاستگاه های آرزوهای بیهوده ۷ / ۱ نادانی امام علی علیه السلام: آرزوی محال داشتن ، از نادانی است.

امام علی علیه السلام: خردمند نیست کسی که آرزوی دراز در سر پیوراند.

امام علی علیه السلام: دل های نادانان را طمع ها بر می انگیزند و آرزوها گروگانشان می گیرند و فریب ها به دامشان می اندازند.

امام علی علیه السلام: نادان ، به آرزویش تکیه می کند و در عملش کوتاهی می ورزد.

امام علی علیه السلام: خردمند ، به عمل خویش تکیه می کند ؛ نادان ، به آرزوی خویش تکیه می نماید.

ص: ۱۲۸

عنه عليه السلام: ما لَكُمْ تُؤْمَلُونَ ما لا تُدْرِكُونَهُ! وَتَجْمَعُونَ ما لا تَأْكُلُونَهُ! وَتَبْنُونَ ما لا تَسْكُنُونَهُ؟ (۱)

۱۲ / ۷ الحُمقرسول الله صلى الله عليه و آله: أَحْمَقُ الْحَمَقِي مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا ، وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانِيَّ . (۲)

الإمام علي عليه السلام: الْأَمالُ غُرُورُ الْحَمَقِي . (۳)

عنه عليه السلام: الْأَمَانِيَّ شِيمَةُ الْحَمَقِي . (۴)

عنه عليه السلام: مِنَ الْحَمَقِ الْإِتْكَالُ عَلَى الْأَمْلِ . (۵)

عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالثَّقَّةَ بِالْأَمالِ ؛ فَإِنَّهَا مِنْ شِيمِ الْحَمَقِي . (۶)

عنه عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ : إِيَّاكَ وَالْأَمَانِيَّ ؛ فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكِ (۷) . (۸)

عنه عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَالْإِتْكَالَ عَلَى الْمُنَى ؛ فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكِ . (۹)

۱- غرر الحكم: ح ۹۶۵۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۷۸ ح ۸۷۸۸.

۲- تأويل الآيات الظاهرة: ج ۱ ص ۲۶ ح ۶، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ۳۸ ح ۱۴، تنبيه الخواطر: ج ۲

ص ۹۴ کلها عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۵۰ ح ۴۸.

۳- غرر الحكم: ح ۶۳۱.

۴- غرر الحكم: ح ۴۳۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۹ ح ۸۴۹.

۵- غرر الحكم: ح ۹۲۸۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۷۲ ح ۸۶۳۷.

۶- غرر الحكم: ح ۲۶۸۵.

۷- النُّوْكِ: الْحَمَقِي (النَّهْيَةُ: ج ۵ ص ۱۲۹).

۸- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳۸۴ ح ۵۸۳۴، كنز الفوائد: ج ۱ ص ۳۵۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۹۲ ح ۹۸.

۹- نهج البلاغه: الكتاب ۳۱، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ۱۱۷، تحف العقول: ص ۸۰، نزهة الناظر: ص ۵۹ ح ۴۱، بحار الأنوار:

ج ۷۷ ص ۲۰۷ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۶۵، المناقب للخوارزمي: ص ۳۷۶ ح ۳۹۵، مئه كلمه للجاحظ: ص ۶۸ ح ۵۲ نحوه،

كنز العمال: ج ۱۶ ص ۱۷۷ ح ۴۴۲۱۵ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ.

ص: ۱۲۹

## ۷ / ۲ حماقت

امام علی علیه السلام: شما را چه شده است که چیزی را آرزو می‌کنید که به آن نمی‌رسید و چیزی را بگرد می‌آورید که نمی‌خورید! و چیزی را بنا می‌کنید که در آن سکونت نمی‌کنید؟!!

۷ / ۲ حماقت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: احمق ترین احمق‌ها، کسی است که نفس خویش را دنباله رو هوس سازد و از خداوند متعال، آرزوهای ناشدنی کند.

امام علی علیه السلام: آرزوها، فریب دهنده مردمان احمق است.

امام علی علیه السلام: آرزوهای ناشدنی داشتن، کار مردمان احمق است.

امام علی علیه السلام: تکیه کردن به آرزو، از حماقت است.

امام علی علیه السلام: از اعتماد کردن به آرزوها بپرهیز؛ زیرا آرزوها از خصلت‌های احمق‌هاست.

امام علی علیه السلام در سفارش ایشان به فرزندش محمد بن حنفیه: از آرزوها دوری کن؛ زیرا که آرزوها، کالای مردمان احمق است.

امام علی علیه السلام از سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام: از تکیه به آرزوها بپرهیز؛ زیرا آرزوها، کالای احمق‌هاست.

ص: ١٣٠

عنه عليه السلام: إِيَاكُمْ وَالْإِيكَالَ بِالْمُنَى ؛ فَإِنَّهَا بَضَائِعُ الْعَجْزِهِ. (١)

عنه عليه السلام: لَا تَغْرُزَنَّكَ الْأَمَانِيُّ وَالْخُدَعُ ، فَكَفَى بِذَلِكَ خُرْقًا (٢) . (٣)

٣ / ٧ الغفلة للإمام علي عليه السلام: مَنْ غَفَلَ غَرَّتَهُ الْأَمَانِيُّ ، وَأَخَذَتْهُ الْحَسْرَةُ إِذَا انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَبَدَا لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُنْ يَحْتَسِبُ. (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ غَفَلَ جَنَى عَلَى نَفْسِهِ وَانْقَلَبَ عَلَى ظَهْرِهِ وَحَسَبَ عَيْتَهُ (٥) رُشْدًا ، وَغَرَّتَهُ الْأَمَانِيُّ وَأَخَذَتْهُ الْحَسْرَةُ وَالنَّدَامَةُ إِذَا قُضِيَ الْأَمْرُ وَانْكَشَفَ عَنْهُ الْغِطَاءُ وَبَدَا لَهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَحْتَسِبُ. (٦)

- ١- الإيمالي للطوسي : ص ٥٨٠ ح ١٢٠٢ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥١ وفيه «الإلظاظ» و«الفجره» بدل «الإيكال» و«العجزه» وكلاهما عن ابن السكيت النحوي عن الإمام الهادي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٨٨ ح ٥٣ .
- ٢- الخُرْقُ : الحُمُقُ وضعف العقل، والخُرْقُ: الجهل (مجمع البحرين : ج ١ ص ٥٠٦ « خرق»).
- ٣- غرر الحكم : ح ١٠٤٣٣ .
- ٤- الخصال: ص ٢٣٢ ح ٧٤ عن الأصمغ بن نباته، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٩٠ ح ١؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ١٩٠ ح ٤٤٢١٦ نقلًا عن وكيع عن يحيى بن عبدالله بن الحسن عن أبيه.
- ٥- الغي : الضلال والانهماك في الباطل (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٧ «غوى»).
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٣٩١ ح ١ ، كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٩٥١ كلاهما عن سليم بن قيس، تحف العقول : ص ١٦٦، الغارات: ج ١ ص ١٤٢، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١١٨ ح ١٥.

ص: ۱۳۱

## ۷ / ۳ غفلت

امام علی علیه السلام: از تکیه کردن به آرزوها دوری کنید؛ زیرا آرزو، کالای ناتوانان است.

امام علی علیه السلام: زنها! آرزوها و نیرنگ‌ها تو را نفرینند، که این، بهترین دلیل حماقت است.

۷ / ۳ غفلت امام علی علیه السلام: کسی که دچار غفلت شود، آرزوها او را می‌فریبد و آن‌گاه که پرده کنار رود و آنچه تصوّرش را هم نمی‌کرده است از جانب خداوند بر او آشکار گردد، افسوس، او را فرا می‌گیرد.

امام علی علیه السلام: هر که غفلت کند، به خویشتن ستم ورزد و عقب‌گرد می‌کند و گم‌راهی خود را هدایت می‌پندارد و آرزوها فریبش می‌دهند، و آن‌گاه که کارش تمام شود [و بمیرد] و پرده از برابرش کنار برود و آنچه تصوّرش را هم نمی‌کرده، برایش هویدا گردد، دست‌خوش افسوس و پشیمانی می‌شود.

ص: ١٣٢

٧ / ١٤٠ تكابُ الذنوب رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ آدَمَ قَبْلَ أَنْ يُصِيبَ الذَّنْبَ كَانَ أَجَلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَأَمَلُهُ خَلْفَهُ ، فَلَمَّا أَصَابَ الذَّنْبَ جَعَلَ اللَّهُ أَمَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَأَجَلَهُ خَلْفَهُ ، فَلَا يَزَالُ يَأْمُلُ حَتَّى يَمُوتَ . (١)

علل الشرائع عن مُعَمَّر بن يحيى : قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا بَالُ النَّاسِ يَعْقِلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ ؟ (٢) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حِينَ خَلَقَ آدَمَ جَعَلَ أَجَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَأَمَلَهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ ، فَلَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ جَعَلَ (٣) أَمَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَأَجَلَهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ ، فَمِنْ ثَمَّ يَعْقِلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ . (٤)

٧ / ٥٠ لاَيَةُ الشَّيْطَانِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا اسْتَحَقَّتْ لِوَلَايَةِ الشَّيْطَانِ وَالشَّقَاوَةِ ، جَاءَ الْأَمَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَذَهَبَ الْأَجَلُ وَرَاءَ الظَّهْرِ . (٥)

- ١- . تاريخ دمشق: ج ٧ ص ٤٤٢ ح ٢٠٤٣ عن الحسن، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٩٠ ح ٧٥٥٤.
- ٢- . قال المجلسي قدس سره : يحتمل أن يكون المراد : ما بال الناس يعلمون الموت والحساب والعقاب ويؤمنون بها ولا يظهر أثر ذلك العلم في أعمالهم؟ فهم فيما يعملون من الخطايا كأنهم لا يعلمون شيئاً من ذلك . والظاهر أن هاهنا تصحيفا من النسخ ، وكان «لا يعلمون» بتقديم الميم على اللام فيرجع إلى ما ذكرنا (بحار الأنوار: ج ١ ص ١٦٢) .
- ٣- . في المصدر : «حصل» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .
- ٤- . علل الشرائع : ص ٩٢ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٦١ ح ٢ .
- ٥- . الكافي : ج ٣ ص ٢٥٨ ح ٢٧ عن ابن أبي شيبه الزهري عن الإمام الباقر عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٧٨ ح ٢١١ عن أبي شيبه الزهري عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٢٦ ح ٥ .

ص: ۱۳۳

## ۷ / ۴ گناه کردن

## ۷ / ۵ ولایت شیطان

۷ / ۴ گناه کردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدم علیه السلام پیش از آن که گناه کند، (۱) اَجَلش پیش روی او بود و آرزویش پشت سرش. چون گناه کرد، خداوند، آرزویش را پیش چشم او قرار داد و اَجَلش را پشت سرش. از این رو، پیوسته آرزو می کند تا می میرد.

علل الشرائع به نقل از معمر بن یحیی: به امام باقر علیه السلام گفتم: چرا مردم با آن که خرد دارند، نمی فهمند؟ (۲) فرمود: «زمانی که خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السلام را آفرید، اَجَل او را پیش رویش قرار داد و آرزویش را پشت سرش، و چون مرتکب خطا شد، آرزویش را پیش روی او قرار داد و اَجَلش را پشت سرش. از این روست که خرد دارند، اما نمی فهمند».

۷ / ۵ ولایت شیطان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کسی مستحق ولایت شیطان و شقاوت (تیره روزی) شود، آرزویش رو می آید و اجل، پشت سر می رود.

- ۱- مقصود از گناه، ترک اولی است زیرا انبیاء الهی چنان که در مبحث عصمت انبیاء خواهد آمد از خطا و گناه مصونیت دارند.
- ۲- مجلسی قدس سره گوید: ممکن است مراد این باشد که: چرا مردم با آن که می دانند مرگ و حساب و کتاب و مجازات در کار است و به آنها ایمان دارند اثر این دانستن در اعمال و رفتار آنان ظاهر نمی شود؟ پس، با خطاها و گناهایی که می کنند گویی چیزی در این باره نمی دانند. ظاهراً در این جا تصحیفی از جانب ناسخان صورت گرفته و «لایعلمون»، «لایعملون». [عمل نمی کنند] بوده است؛ بنابراین، معنای جمله بر می گردد به آنچه گفتیم.



ص: ۱۳۴

الإمام على عليه السلام: الأمل سلطان الشياطين على قلوب الغافلين. (١)

عنه عليه السلام من وصيته لكميل في التحذير من الشياطين: يا كميل إنهم يخدعونك بأنفسهم، فإذا لم تُجِبْهُمْ مَكْرُوا بِكَ وَبِنَفْسِكَ بِتَحْسِينِهِمْ (٢) إليك شهواتك وإعطائك أماتك وإرادتك، ويسؤلون لك ويسونك، وينهونك ويأمرونك، ويحسنون ظنك بالله عز وجل حتى ترجوه فتعتر بذلك وتعصيه، وجزاء العاصي لظي (٣). (٤)

٧ / ١٦ إثارة الدنيا على الآخره لإمام على عليه السلام: إن الدنيا تُدني الآجال، وتُباعِدُ الآمال، وتُبيدُ (٥) الرجال، وتُغيِّرُ الأحوال؛ مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ، وَمَنْ صَارَعَهَا صَرَعَتْهُ، وَمَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ، وَمَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ. (٦)

عنه عليه السلام: الدهر يُخْلِقُ الأبدان، وَيُجَدِّدُ الآمال، وَيُقَرِّبُ الميِّتة، وَيُبَاعِدُ الأُمَيِّتة؛ مَنْ ظَفِرَ بِهِ نَصَبَ (٧)، وَمَنْ فَاتَهُ تَعَبٌ. (٨)

عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّيَّاسُ! إِنَّكُمْ إِنْ آثَرْتُمْ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ أَسْرَعْتُمْ إِجَابَتَهَا إِلَى العَرَضِ الأَدْنَى، وَرَحَلْتُمْ مَطَايَا آمَالِكُمْ إِلَى الغَايَةِ القُصْوَى، تَوَرَّدُ مَنَاهِلَ (٩) عَاقِبَتِهَا النَّدَمَ، وَتُذَيِّقُكُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِالأُمَّمِ الخَالِيَةِ وَالقُرُونِ المَاضِيَةِ مِنْ تَغْيِيرِ الحَالَاتِ وَتَكْوُنِ المَثَلَاتِ (١٠). (١١)

- ١- غرر الحكم: ح ١٨٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤ ح ١٤١٠.
- ٢- في المصدر: «و بتحسينهم»، والتصويب من بحار الأنوار.
- ٣- لظي: اسم من أسماء جهنم (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٢ «لظي»).
- ٤- بشاره المصطفى: ص ٢٧ عن كميل، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧١ ح ١.
- ٥- الإبادة: الإهلاك (النهاية: ج ١ ص ١٧١ «بيد»).
- ٦- غرر الحكم: ح ٣٦٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٤٢.
- ٧- النصب: التعب، وقيل: المشقة (تاج العروس: ج ٢ ص ٤٣٣ «نصب»).
- ٨- نهج البلاغه: الحكمة ٧٢، روضه الواعظين: ص ٤٧٥، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٨ ح ١٣١.
- ٩- المناهل: جمع المنهل: وهو المورد؛ وهو عين ماء تَرُدُّه الإبل (المصباح المنير: ص ٦٢٨ «نهل»).
- ١٠- المثل: نعمة تنزل بالإنسان فيجعل مثلاً يرتدع به غيره، وذلك كالتكال، وجمعه: مثلات ومثلات (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٦٠ «مثل»).
- ١١- تحف العقول: ص ٢٢١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٠ ح ١٣٧.

## ۷ / ۶ ترجیح دادن دنیا بر آخرت

امام علی علیه السلام: آرزو، سلطه شیاطین بر دل های غافلان است.

امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل، در برحذر داشتن از شیاطین: ای کمیل! آنان با خودشان تو را می فریبند و اگر فریبشان را نخوردی، با جلوه دادن شهوات در نظر تو و برآوردن آرزوها و خواسته هایت، سعی می کنند تا تو را بفریبند و برایت، ظاهر آرایبی و وسوسه گری می کنند و دچار فراموشی ات می سازند و به تو امر و نهی می کنند، و تو را به خداوند عز و جلچندان خوش گمان می سازند که به او امید [بی بیم] می بندی و بدین ترتیب، غرّه می شوی و نافرمانی خدا می کنی، و سزای نافرمان هم آتش جهنم است.

۷ / ۶ ترجیح دادن دنیا بر آخرت امام علی علیه السلام: دنیا، آجل ها را نزدیک می سازد و آرزوها را دور و دراز می گرداند و مردان را به نابودی می کشاند و احوال را دگرگون می کند. هر که بر دنیا چیرگی جوید، دنیا بر او چیره می آید و هر که با آن کُشتی گیرد، دنیا او را زمین می زند و هر که نافرمانی آن کند، دنیا فرمانش می برد و هر که آن را ترک گوید، دنیا به نزدش می رود.

امام علی علیه السلام: روزگار، بدن ها را کهنه می کند و آرزوها را نو می سازد، مرگ را نزدیک می سازد و آرزو را دور می گرداند. هر که به روزگار دست یافت، به سختی افتاد و هر که به آن دست نیافت، رنجور شد.

امام علی علیه السلام: ای مردم! شما اگر دنیا را بر آخرت بر گزینید، در پذیرفتن دعوت آن به کالای پست شتافته اید و مرکب آرزوهایتان تا دورترین مقصد، تاخت بر می دارند و شما را به آبشخورهایی می بَرند که فرجامشان پشیمانی است و کارهایی را که با امت های پیشین و نسل های گذشته کرد، یعنی دگرگونی حالات و فرود آمدن کیفرها، به شما نیز می چشاند.

ص: ١٣٦

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَأَمَلٌ لَا يُدْرَكُ، وَرَجَاءٌ لَا يُنَالُ. (١)

٧ / ٧ حُبُّ الْمَالِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُبُّ الْمَالِ يُقَوِّى الْأَمَالَ وَيُفْسِدُ الْأَعْمَالَ. (٢)

٨ / ٧ الشَّقَاوَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاوَةِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَبُعْدُ الْأَمَلِ، وَحُبُّ الْبَقَاءِ. (٣)

١- الكافي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٧، الخصال: ص ٨٨ ح ٢٢ كلاهما عن ابن أبي يعفور، تحف العقول: ص ٣٦٧، روضه الواعظين: ص ٤٨٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٤ ح ١٦.

٢- غرر الحكم: ح ٤٨٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣١ ح ٤٤٢٥.

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٢ ح ٣؛ حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٧٥ وفيه «الحرص» بدل «حبّ البقاء»، تاريخ أصبهان: ج ١ ص ٢٩٧ ح ٥٠٧ وفيه «حرص على الدنيا» بدل «حبّ البقاء» وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١٦ ص ٦٧ ح ٤٣٩٦٤.

ص: ۱۳۷

**۷ / ۷ علاقه به مال و ثروت****۷ / ۸ شقاوت**

امام صادق علیه السلام: هرکس قلبش به دنیا دل بسته باشد، دل بسته به سه چیز است: اندوهی پایان ناپذیر، آرزویی دست نیافتنی، و امیدی به دست نیاموردنی.

۷ / ۷ علاقه به مال و ثروت تمام علی علیه السلام: مال دوستی، آرزوها را تقویت می کند و اعمال را از بین می برد.

۷ / ۸ شقاوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار خصلت، نشانه شقاوت است: خشکیدگی چشم، سختی دل، دور و درازی آرزو، و علاقه به ماندن [در دنیا].

ص: ١٣٨

الفصل الثامن : مضار الآمال الباطله ٨ / ١ زوال العقل الكتاب «ذُرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» . (١)

الحدیثا لإمام علی علیه السلام : إعلموا عباد الله! أن الأمل يُذهِبُ العقلَ ، وَيُكذِّبُ الوعدَ ، وَيُحْتُ عَلَى الغفلةِ ، وَيورِثُ الحسرةَ ، فَأَكْذِبُوا الأملَ ؛ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَإِنَّ صَاحِبَهُ مَأْزُورٌ (٢) . (٣)

عنه عليه السلام : إعلموا أن الأمل يُسهي العقلَ وَيُنسي الذكْرَ ، فَأَكْذِبُوا الأملَ ؛ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَصَاحِبُهُ مَغْرُورٌ . (٤)

عنه عليه السلام : ألا وإن الأمل يُسهي القلبَ ، وَيُكذِّبُ الوعدَ ، وَيُكثِرُ الغفلةَ ، وَيورِثُ الحسرةَ ، فَأَعزُّبُوا (٥) عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا أَنْتُمْ عَنْ شَيْءٍ تَعزُّبُونَ . (٦)

١- .الججر : ٣ .

٢- .مأزور : أي آثم، وقياسه موزور (النهاية : ج ٥ ص ١٧٩ «وزر») .

٣- .تحف العقول : ص ١٥٢ ، الغارات : ج ٢ ص ٦٣٤ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٩٣ ح ٢ ؛ الإمامه والسياسة : ج ١ ص ٧٠ نحوه .

٤- .نهج البلاغه: الخطبه ٨٦؛ الإمامه والسياسة: ج ١ ص ٧٠، الجوهره: ص ٨٠ كلاهما نحوه.

٥- .عزب الشيء من باب قعد : بعد وغاب . واعزب ثم اعزب عن الأمر : أي أبعد نفسك عن الأمر ثم أبعد (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٢٠٦ و ١٢٠٧ «عزب») .

٦- .الغارات : ج ٢ ص ٦٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٥ ح ١١٧ .

ص: ۱۳۹

## فصل هشتم: زیان های آرزوهای باطل

### ۸ / ۱ از بین رفتن خرد

فصل هشتم: زیان های آرزوهای باطل ۸ / ۱ از بین رفتن خرد قرآن «بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزوها سرگرمشان کند . پس به زودی خواهند دانست» .

حدیث امام علی علیه السلام: بدانید ، ای بندگان خدا که آرزو ، خرد را می برد ، وعده را دروغ جلوه می دهد ، به غفلت می کشاند و حسرت به بار می آورد . پس ، آرزو را باور نکنید؛ زیرا که آن ، فریبنده است و آرزومند گنهکار .

امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو ، خرد را دچار غفلت می سازد و فراموشی [ مبدأ و مقصد ] می آورد . پس آرزو را دروغگو دانید؛ که آرزو فریبنده است و آرزومند فریب خورده .

امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو ، دل را می کند و وعده را دروغ جلوه می دهد و غفلت بسیار می آورد و حسرت به بار می نشاند . پس ، از دنیا دوری کنید ، آن گونه که از چیزی با شدیدترین وجه ، دوری می کنید .

ص: ۱۴۰

عنه عليه السلام: عِنْدَ غُرُورِ الْأَطْمَاعِ وَالْآمَالِ تَنْخَدِعُ عُقُولُ الْجُهَالِ وَتُخْتَبِرُ أَلْبَابُ الرِّجَالِ. (۱)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ: مَنْ أَظْلَمَ نَوْرَ تَفَكُّرِهِ بِطَوْلِ أَمَلِهِ، وَمَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَأَطْفَأَ نَوْرَ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ؛ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ، وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَدُنْيَاهُ. (۲)

۸ / ۲ ذَهَابُ الْبَصِيرَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَمَانِيُّ تُعْمَى أُعْيُنَ الْبَصَائِرِ. (۳)

عنه عليه السلام: الْهُوَيْنَا (۴) عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْغِرَّةِ (۵)، وَالْأَمَلِ، وَالْهَيْبَةِ (۶)، وَالْمُطَاطَلَةِ (۷)؛ وَذَلِكَ بِأَنَّ الْهَيْبَةَ تَرُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَالْمُطَاطَلَةُ تُفَرِّطُ فِي الْعَمَلِ حَتَّى يَقْدَمَ عَلَيْهِ الْأَجَلُ، وَلَوْلَا الْأَمَلُ عَلِمَ الْإِنْسَانُ حَسَبَ (۸) مَا هُوَ فِيهِ، وَلَوْ عَلِمَ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ مَاتَ خُفَاتًا (۹) مِنَ الْهُولِ وَالْوَجَلِ، وَالْغِرَّةُ تَقْضِرُ بِالْمَرءِ عَنِ الْعَمَلِ. (۱۰)

۱- غرر الحكم: ح ۶۲۲۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۳۷ ح ۵۷۴۸.

۲- الكافي: ج ۱ ص ۱۷ ح ۱۲ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ۳۸۶، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۰۰ ح ۱.

۳- نهج البلاغه: الحكمه ۲۷۵، غرر الحكم: ح ۱۳۷۵، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۴ ح ۷۱ نقلاً عن مطالب السؤول.

۴- الهويننا: تصغير الهوني، تأنيث الأهون، وهو من الهون: الرفق واللين والتثبت (النهاية: ج ۵ ص ۲۸۴ «هون»). والمراد هنا التهاون في أمر الدين وترك الاهتمام فيه (مرآة العقول: ج ۱۱ ص ۱۵۶).

۵- الغرّة: الغفلة (النهاية: ج ۳ ص ۳۵۴ «غرر»). وهي هنا الغفلة عن ربّه وعن عدوّه الأكبر... (مرآة العقول: ج ۱۱ ص ۱۵۷).

۶- الهيبه: المهابه والمخافه من غير الله (مرآة العقول: ج ۱۱ ص ۱۵۸).

۷- المطل: التسوييف والمدافعه بالعدّه والدّين (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۶۲۴ «مطل»).

۸- حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ بِالْتَحْرِيكِ: أَي حَسَابِهِ وَقَدْرِهِ وَعَدَدِهِ وَمَا هُوَ فِيهِ عَمْرِهِ وَعَمَلِهِ، إِشَارَةٌ إِلَى قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا (مرآة العقول: ج ۱۱ ص ۱۵۸).

۹- خُفَاتًا: فَجْأَةً (تاج العروس: ج ۳ ص ۴۶ «خفت»).

۱۰- الكافي: ج ۲ ص ۳۹۴ ح ۱، كتاب سليم بن قيس: ج ۲ ص ۹۵۲ كلاهما عن سليم بن قيس، الخصال: ص ۲۳۴ ح ۷۴ عن الأصبغ بن نباته، تحف العقول: ص ۱۶۸ وليس فيهما ذيله، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۸۴ ح ۳۲.

ص: ۱۴۱

**۸ / ۲ از بین رفتن بینش**

امام علی علیه السلام: در هنگام فریبندگی آمال و آرزوهاست که خردهای نادانان، فریب می‌خورند و خردهای مردان، آزموده می‌شوند.

امام کاظم علیه السلام: هر کس سه چیز را بر سه چیز چیره گرداند، گویا به ویران کردن خرد خویش کمک کرده است: کسی که روشنایی اندیشه اش را با آرزوی درازش تاریک کند؛ و کسی که تازه های حکمت (خرد یا دانش) خویش را با زیاده گویی هایش نابود نماید؛ و کسی که نور عبرت آموزی اش را با خواهش های نفسانی اش خاموش کند، گویا هوس خود را در ویران کردن خردش کمک رسانده است و کسی که خردش را ویران کند، دین و دنیای خود را تباه ساخته است.

۸ / ۲ از بین رفتن بینش امام علی علیه السلام: آرزوها، دیدگان بصیرت را کور می‌کنند.

امام علی علیه السلام: سستی (سهل انگاری) (۱) بر چهار شاخه است: فریفته شدن، ۲ آرزو، ترس، (۲) و امروز و فردا کردن، و این، بدان سبب است که: ترس، از حق، باز می‌دارد. امروز و فردا کردن، موجب کوتاهی ورزیدن در عمل می‌شود تا آن گاه که مرگ او در رسد. و آرزو اگر نبود، انسان، حساب آنچه را در آن است، می‌دانست و اگر حساب وضع خود را می‌دانست، از هول و هراس، سکت می‌کرد. و فریفته شدن، انسان را از عمل، باز می‌دارد.

۱- مقصود سستی و سهل انگاری در امور دین و بی توجهی به آن است (مرآة العقول: ج ۱۱، ص ۱۵۶).

۲- هیبت: ترس و بیم داشتن از غیر خداوند است (مرآة العقول: ج ۱۱، ص ۱۵۸).



ص: ۱۴۲

۸ / ۳ نسیانُ الأجلِ الإمامِ عليّ عليه السلام: الأملُ حِجابُ الأجلِ. (۱)

عنه عليه السلام: الأملُ يُنسى الأجلِ. (۲)

عنه عليه السلام: فَدَهِبَ عَن قُلُوبِكُمْ صِدْقُ الأجلِ ، وَغَلَبَكُمُ غُرُورُ الأملِ. (۳)

عنه عليه السلام: ذُلُّ الرِّجالِ فِي المَطامِعِ ، وَفَناءُ الأجالِ فِي غُرُورِ الأمالِ. (۴)

۸ / ۴ نسیانُ الآخرِ رسولُ الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَخَوْفَ ما أَخافُ عَلی أُمَّتِي الهوى وطولُ الأملِ؛ أَمَّا الهوى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الحَقِّ ، وَأَمَّا طَوْلُ الأملِ فَيُنسِي الآخِرَةَ. (۵)

۱- غرر الحكم: ح ۹۹۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳ ح ۱۰۱۹.

۲- غرر الحكم: ح ۸۷۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۱ ح ۱۳۲۰.

۳- غرر الحكم: ح ۶۶۸۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۸ ح ۶۲۰۰ وفيه «عقولكم» بدل «قلوبكم».

۴- غرر الحكم: ح ۵۲۰۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۵ ح ۴۷۲۶.

۵- الخصال: ص ۵۱ ح ۶۲ عن جابر بن عبد الله، الكافي: ج ۲ ص ۳۳۵ ح ۳، الأمالی للمفيد: ص ۲۰۷ ح ۴۱ كلاهما عن يحيى

بن عقيل عن الإمام عليّ عليه السلام، نهج البلاغه: الخطبه ۴۲ عن الإمام عليّ عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۸۸

ح ۱۹؛ تاريخ دمشق: ج ۵۲ ص ۲۴۳ ح ۱۱۰۰۵ عن جابر بن عبد الله، المصنّف لابن أبي شيبه: ج ۸ ص ۱۵۵ ح ۱ عن الإمام عليّ

عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۹۰ ح ۷۵۵۳.

ص: ۱۴۳

**۸ / ۳ از یاد بردن مرگ****۸ / ۴ از یاد بردن آخرت**

۸ / ۳ از یاد بردن مرگ امام علی علیه السلام: آرزو ، حجاب آجل (مرگ) است.

امام علی علیه السلام: آرزو، آجل را از یاد [انسان] می برد.

امام علی علیه السلام: اجل را که راست است از یاد برده اید و آرزو که دروغ است بر شما چیره گشته است.

امام علی علیه السلام: خواری مردان ، از طمع هاست و از یاد رفتن آجل ها ، از فریبندگی آرزوها .

۸ / ۴ از یاد بردن آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بالاترین نگرانی من برای امتم، افتادن به دام هوای نفس و آرزوی دراز است ؛ زیرا هوای نفس ، از حق باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد می برد.

ص: ۱۴۴

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ شَرَّ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطَوْلُ الْأَمَلِ؛ فَاتَّبِعِ الْهَوَى يَصْرِفُ قُلُوبَكُمْ عَنِ الْحَقِّ، وَطَوْلُ الْأَمَلِ يَصْرِفُ هِمَمَكُمْ إِلَى الدُّنْيَا، وَمَا بَعْدَهُمَا لِأَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ يَرْجَاهُ فِي دُنْيَا وَلَا آخِرَةٍ. (۱)

۸ / ۵ قَسْوَةُ الْقَلْبِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ؛ فَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا، وَمَنْ كَانَ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا يَقْسُو قَلْبَهُ وَيَرْغَبُ فِي الدُّنْيَا وَيَزْهَدُ فِيهَا لَدَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۲)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه: فيما ناجى الله عز و جل به موسى عليه السلام: يا موسى لا تُطَوِّلْ فِي الدُّنْيَا أَمْلَكَ فَيَقْسُو قَلْبَكَ، وَالْقَاسِي الْقَلْبَ مَنِّي بَعِيدٌ. (۳)

- ۱- أعلام الدين: ص ۳۴۵ عن أبي هريره، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۸۸ ح ۱۰؛ فتح الباري: ج ۱۱ ص ۲۳۷ ح ۶۴۱۸ نحوه.
- ۲- الفردوس: ج ۳ ص ۲۴۱ ح ۴۷۰۹؛ تيسير المطالب: ص ۴۳۱ كلاهما عن عبد الله بن مسعود؛ الجعفریات: ص ۲۴۰ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، كنز الفوائد: ج ۱ ص ۶۲ وفيه «من كان يأمل أن يعيش غدا فإنه يأمل أن يعيش أبدا» فقط، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۶۷ ح ۳۱.
- ۳- الكافي: ج ۲ ص ۳۲۹ ح ۱، تحف العقول: ص ۴۹۰، عدّه الداعي: ص ۱۵۵، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۹۸ ح ۳.

ص: ۱۴۵

**۸ / ۵ سخت دلی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین نگرانی من برای شما، پیروی از هوس و داشتن آرزوی دراز است؛ زیرا پیروی از هوس، دل هایتان را از حق، روی گردان می‌سازد و آرزوی دراز، همت‌های شما را متوجه دنیا می‌کند. با وجود این دو، هیچ کس را به خیری در دنیا و آخرتش امیدی نیست.

۸ / ۵ سخت دلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خداوند، برحذر باشید؛ زیرا کسی که آرزو دارد فردا زنده بماند، آرزوی زندگی همیشگی را دارد و کسی که آرزوی زندگی فردا را داشته باشد، دلش سخت می‌شود و به دنیا راغب می‌گردد و به آنچه نزد پروردگارش عز و جل است، بی‌رغبت می‌شود. (۱)

الکافی به نقل از علی بن عیسی، که سندش را به معصوم علیه السلام می‌رساند: از نجوای خداوند عز و جل با موسی علیه السلام این بود: «ای موسی! در دنیا، آرزوی دراز در سر مپروران، که دلت سخت می‌شود و سخت دل، از من دور است».

۱- در کثر الفوائد آمده است: هرکس آرزو دارد فردا را زنده بماند، آرزو دارد که همیشه بماند.

ص: ۱۴۶

۸ / ۶ تسویفُ العَمَلِإِمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَالْإِغْتِرَارَ بِالْأَمَلِ .. إِنَّكَ إِنْ حَمَلْتَ عَلَيَّ الْيَوْمَ هَمًّا غَمِدِ زِدْتَ فِي حُزْنِكَ وَتَعَبِكَ ، وَتَكَلَّفْتَ أَنْ تَجْمَعَ فِي يَوْمِكَ مَا يَكْفِيكَ أَيَّامًا ، فَعَظُمَ الْحُزْنُ ، وَزَادَ الشُّغْلُ ، وَاشْتَدَّ التَّعَبُ ، وَضَعُفَ الْعَمَلُ لِلْأَمَلِ ، وَلَوْ خَلَيْتَ قَلْبَكَ مِنَ الْأَمَلِ تُجِدُّ ذَلِكَ الْعَمَلَ (۱) ، وَالْأَمَلُ مِنْكَ فِي الْيَوْمِ قَدْ ضَرَّكَ فِي وَجْهِينِ : سَوَّفَتْ بِهِ فِي الْعَمَلِ ، وَزِدَتْ بِهِ فِي الْهَمِّ وَالْحُزْنِ. (۲)

عنه عليه السلام لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ : لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ ، وَيُرْجَى (۳) التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمَلِ. (۴)

۸ / ۷ تَقْصِيرُ الْعَمَلِإِمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اتَّسَعَ أَمَلُهُ قَصُرَ عَمَلُهُ. (۵)

- ۱- فی بحار الأنوار : «لَجَدَدْتَ فِي الْعَمَلِ» ؛ مِنْ جَدِّ فِي الْأَمْرِ أَيْ حَقَّقْ وَاهْتَمَّ .
- ۲- التحصين لابن فهد : ص ۱۶ ح ۲۸ ، بحار الأنوار : ج ۷۳ ص ۱۱۲ ح ۱۰۹ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ ؛ دستور معالم الحكم : ص ۴۳ .
- ۳- أَرْجَيْتُ الْأَمْرَ : أَخَّرْتُهُ ، يُهَمَزُ وَلَا يُهْمَزُ (الصَّحاح : ج ۶ ص ۲۳۵۲ «رجا»).
- ۴- نهج البلاغه : الحكمه ۱۵۰ ، الْأَمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ۳۳۰ ح ۲ عن ابن عتياس ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ۱۰۹ ، تحف العقول : ص ۱۵۷ ، بحار الأنوار : ج ۷۲ ص ۱۹۹ ح ۳۰ ؛ دستور معالم الحكم : ص ۶۶ ، ينابيع الموده : ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۷۱۳ وفيه «و يطمع في» بدل «و يرجي» ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۲۰۵ ح ۴۴۲۲۹ نقلًا عن ابن النجار .
- ۵- الإرشاد : ج ۱ ص ۳۰۴ ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۴۲۱ ح ۴۰ .

ص: ۱۴۷

**۸ / ۶ به تأخیر انداختن عمل****۸ / ۷ کوتاهی کردن در عمل**

۸ / ۶ به تأخیر انداختن عمل امام علی علیه السلام: زنهار از فریفته شدن به آرزو! ... اگر غم فردا را به امروزت بیفکنی، بر اندوه و رنج خویش افزوده ای و مجبور می شوی آنچه برای روزها کفایت می کند، در امروزت گرد آوری و این، خود، باعث غم و غصه شدید، مشغله بسیار و رنج و زحمت فراوان می شود، و به خاطر آرزو، عمل ضعیف می شود، در صورتی که اگر دلت را از آرزو تهی سازی، در عمل می کوشی. آرزوی تو در امروز، از دو جهت به تو زیان می رساند: [نخست این که] به سبب آن، درباره عمل، امروز و فردا می کنی، و [دوم این که] به غم و اندوهت می افزایی.

امام علی علیه السلام به مردی که از ایشان، پندی خواست: از آنان مباش که بدون عمل، به آخرت امید بسته اند و به سبب آرزوی دراز، توبه را به تأخیر می افکنند.

۸ / ۷ کوتاهی کردن در عمل امام علی علیه السلام: هر که آرزویش گسترده شود، عملش کوتاه می شود.

ص: ١٤٨

٨ / ٨ نسیان العمل الإمام علی علیه السلام: ما أطال العبد الأمل إلا أنساه العمل. (١)

عنه عليه السلام: إنكم إن اغتررتُم بالآمالِ تخزمتُم (٢) بوادِرُ الآجالِ ، وقد فاتتكم الأعمال. (٣)

٨ / ٩ فساد العمل رسول الله صلى الله عليه وآله: نبتته أشياء تحبط الأعمال: الإشتغال بعبوب الخلق ، وقسوة القلب ، وحب الدنيا ، وقلة الحياء ، وطول الأمل ، وظلم لا ينتهي. (٤)

الإمام علی علیه السلام: ثمرة الأمل فساد العمل. (٥)

عنه عليه السلام: غرور الأمل يفسد العمل. (٦)

عنه عليه السلام: الأمل يفسد العمل ، ويُفنى الأجل. (٧)

عنه عليه السلام: ما أفسد الأمل للعمل! (٨)

عنه عليه السلام: طاعة الأمل تُفسد العمل. (٩)

عنه عليه السلام: يسير الأمل يوجب فساد العمل. (١٠)

- ١- تحف العقول: ص ٢١١ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٠ ح ٧٣ .
- ٢- المخترم: الهالك . واخترمهم الدهر وتخرمهم: أى اقتطعهم واستأصلهم (مجمع البحرين: ج ١ ص ٥٠٧ «خرم»).
- ٣- غرر الحكم: ح ٣٨٤١ .
- ٤- كنز العمال: ج ١٦ ص ٨٥ ح ٤٤٠٢٣ نقلاً عن الفردوس عن عدی بن حاتم .
- ٥- غرر الحكم: ح ٤٦٤١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٩ ح ٤٢٠٢ .
- ٦- غرر الحكم: ح ٦٣٩٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٤٩ ح ٥٩٢١ .
- ٧- غرر الحكم: ح ١٣٥٨ .
- ٨- غرر الحكم: ح ٩٤٩٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٥ ح ٨٦٨٩ .
- ٩- غرر الحكم: ح ٥٩٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٨ ح ٥٥٤٧ .
- ١٠- غرر الحكم: ح ١٠٩٨٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٠ ح ١٠١٤٥ نحوه .

ص: ۱۴۹

**۸ / ۸ از یاد بردن عمل****۸ / ۹ تباهی عمل**

۸ / ۸ از یاد بردن عملاً امام علی علیه السلام: بنده، آرزو را دراز نکرد، مگر آن که درازی آرزو، عمل را از یاد او بُرد.

امام علی علیه السلام: اگر فریب آرزوها را بخورید، هجوم ناگهانی آجل، شما را از میان بخواهد داشت، بدون آن که عملی کرده باشید.

۸ / ۹ تباهی عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش چیز، اعمال را تباه می‌سازد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ دلی، دنیادوستی، بی‌حیایی، آرزوی دراز، و ستم پایان ناپذیر.

امام علی علیه السلام: ثمره آرزو، تباه شدن عمل است.

امام علی علیه السلام: فریب آرزو را، خوردن عمل را تباه می‌کند.

امام علی علیه السلام: آرزو، عمل را تباه می‌کند و عمر را بر باد می‌دهد.

امام علی علیه السلام: چه تباه کننده عمل است، آرزو!

امام علی علیه السلام: پیروی از آرزو، عمل را تباه می‌کند.

امام علی علیه السلام: اندک آرزو هم موجب تباهی عمل می‌شود.



ص: ١٥٠

عنه عليه السلام: غَرَّ جَهُولًا كَاذِبٌ أَمَلَهُ ، فَفَاتَهُ حُسْنُ عَمَلِهِ. (١)

عنه عليه السلام: كَمَ مِنْ مَخْدُوعٍ بِالْأَمَلِ مُضَيِّعٍ لِلْعَمَلِ. (٢)

١٠ / ٨ سوء العَمَلِ رسول الله صلى الله عليه و آله فيدُعائِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَطَالَ أَمَلَهُ سَاءَ عَمَلُهُ. (٤)

عنه عليه السلام: مَا أَطَالَ عَبْدٌ أَمَلَهُ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ. (٥)

عنه عليه السلام: أَطْوَلَ النَّاسِ أَمَلًا أَسْوَأُهُمْ عَمَلًا. (٦)

عنه عليه السلام: مَا أَطَالَ أَحَدٌ أَمَلَهُ إِلَّا نَسِيَ الْأَجَلَ وَأَسَاءَ الْعَمَلَ. (٧)

١- غرر الحكم : ح ٦٤٣٣ .

٢- غرر الحكم : ح ٦٩٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٩ ح ٦٤٠٩ .

٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٢٧٣ ، الإقبال : ج ٢ ص ١٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٦٤ ح ١٠١ ، فلاح السائل : ص ٣٢٠ ح ٢١٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، مُهَجِّجُ الدَّعَوَاتِ : ص ١٣٢ عن سعد بن عبد الله عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٦٠ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٨١ ح ٢٢٤ عن الإمام علي عليه السلام نحوه .

٤- الخصال : ص ١٥ ح ٥٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، نهج البلاغه : الحكمة ٣٦ نحوه ، تحف العقول : ص ٣٩٩ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، غرر الحكم : ح ٧٩٠٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٤ ح ١٩ .

٥- الكافي : ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٣٠ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٨١ ح ٢١٧ كلاهما عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الإيماني للسيد المرتضى : ج ١ ص ١١٠ ، الدعوات : ص ٢٣٦ ح ٦٥٥ ، غرر الحكم : ح ٩٤٩٤ وفيه «قصر في العمل» بدل «أساء العمل» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٦ ح ٢٨ .

٦- غرر الحكم : ح ٣٠٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٠ ح ٢٧١٠ .

٧- غرر الحكم : ح ٩٦٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧٩ ح ٨٨٠١ .

ص: ۱۵۱

**۸ / ۱۰ بدی عمل**

امام علی علیه السلام: نادان را آرزوی دروغینش فریفت و در نتیجه، عمل نیک را از دست داد.

امام علی علیه السلام: چه بسیار کسانی که فریب آرزو را خوردند و عمل را تباه کردند.

۸ / ۱۰ بدی عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایش: بار خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از زندگی ای که مانع خوب مردن گردد، و پناه می برم به تو از آرزویی که مانع عمل خیر شود.

امام علی علیه السلام: هر که آرزویش را دور و دراز گرداند، کردارش بد شود.

امام علی علیه السلام: هیچ بنده ای آرزوی دراز در سر نپروراند، مگر آن که کردار را بد ساخت.

امام علی علیه السلام: هر که آرزویش درازتر، عملش بدتر!

امام علی علیه السلام: هیچ کس آرزو را دراز نکرد، مگر آن که مرگ را از یاد بُرد و کردار را بد ساخت.

ص: ۱۵۲

الإمام زين العابدين عليه السلام في مُناجاتِهِ : سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي ... خَلَقْتَنَا بِقُدْرَتِكَ ... وَهَدَيْتَنَا إِلَى تَوْحِيدِكَ ، وَسَهَّلْتَ لَنَا الْمَسْلَكَ إِلَى النَّجَاهِ ، وَحَدَّرْتَنَا سَبِيلَ الْمَهْلَكَةِ ، فَكَانَ جَزَاؤُكَ مِنَّا أَنْ كَأْفَأْنَاكَ عَلَى الْإِحْسَانِ بِالْإِسَاءَةِ ، اجْتِرَاءً مِنَّا عَلَى مَا أَسْحَطَ ، وَمُسَارَعَةً إِلَى مَا بَاعَدَ مِنْ رِضَاكَ ، وَاعْتِبَاطًا (۱) بِغُرُورِ آمَالِنَا ، وَإِعْرَاضًا عَلَى زَوَاجِرِ آجَالِنَا. (۲)

۸ / ۱۱ اسْتِصْغَارُ النَّعْمِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَجَبُّوْا الْمُنَى ؛ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِبَهْجِهِ نَعْمِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ ، وَتُلْزِمُ اسْتِصْغَارَهَا لَدَيْكُمْ وَعَلَى قَلْبِهِ الشُّكْرَ مِنْكُمْ. (۳)

۸ / ۱۲ قَلْبُهُ الرِّضَا لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَثُرَ مُنَاهُ قَلَّ رِضَاهُ. (۴)

۸ / ۱۳ الْأَسْفَالُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَاصِلُ الْأَمَانِيِّ الْأَسْفُ. (۵)

عنه عليه السلام : حَاصِلُ الْمُنَى الْأَسْفُ ، وَتَمَرَّتُهُ التَّلَفُ. (۶)

۱- .الاعتباط : الفرح بالنعمة (لسان العرب : ج ۷ ص ۳۵۹) .

۲- .بحار الأنوار : ج ۹۴ ص ۱۲۴ ح ۱۹ نقلاً عن الكتاب العتيق للغروی .

۳- .غرر الحكم : ح ۴۵۸۵ .

۴- .غرر الحكم : ح ۷۸۸۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۲۴ ح ۷۱۵۷ .

۵- .غرر الحكم : ح ۴۹۱۲ .

۶- .غرر الحكم : ح ۴۹۴۵ .

ص: ۱۵۳

**۸ / ۱۱ کوچک شمردن نعمت ها****۸ / ۱۲ کم رضایتی****۸ / ۱۳ افسوس**

امام زین العابدین علیه السلام در مناجاتش: منزهی تو، ای معبود من! ... تو با قدرت خویش، ما را آفریدی... و به یگانگی ات، هدایت‌مان فرمودی و راه نجات را برایمان آسان و هموار ساختی و از راه نابودی، برحذرمان داشتی. اما پاداش ما به تو این بود که خوبی های تو را با بدی پاسخ دادیم و این، از آن روست که ما بر انجام دادن آنچه [تو را] به خشم می آورد، دلیر گشتیم و به آنچه از رضایت تو به دور است شتافتیم، و به فریب آرزوهایمان، دل خوش کردیم و مرگ را که باز دارنده [از آرزوهای باطل و گناهان] است، به فراموشی سپردیم.

۸ / ۱۱ کوچک شمردن نعمت ها امام علی علیه السلام: از آرزوها [و توقعات] دوری کنید؛ که آرزوها شکوه نعمت های خداوند به شما را از بین می برند و آنها را در نظرتان کوچک می نمایند و به ناسپاسی از آنها می کشانند.

۸ / ۱۲ کم رضایتی امام علی علیه السلام: هر که آرزوهایش بسیار باشد، رضایتش اندک است.

۸ / ۱۳ افسوس امام علی علیه السلام: حاصل آرزوها، افسوس است.

امام علی علیه السلام: حاصل آرزوها، افسوس است و میوه اش، تباهی.

ص: ١٥٤

٨ / ١٤ فَرَّقَ النَّفْسَ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَعَانَ بِالْأَمَانِيِّ أَفْلَسَ. (١)

عنه عليه السلام: شَرُّ الْفَقْرِ الْمُنَى. (٢)

٨ / ١٥ كَثُرَ الْعِنَاءُ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَبَعَ مَنَاهُ كَثُرَ عَنَاؤُهُ. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ كَثُرَ مَنَاهُ كَثُرَ عَنَاؤُهُ. (٤)

٨ / ١٦ ضِيَاعُ الْعُمْرِ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضِيَاعُ الْعُمْرِ بَيْنَ الْآمَالِ وَالْمُنَى. (٥)

عنه عليه السلام: غُرُورُ الْأَمَلِ يُنْفِدُ الْمَهْلَ (٦)، وَيُدْنِي الْأَجَلَ. (٧)

- 
- ١- غرر الحكم: ح ٩٢٠٨.
  - ٢- غرر الحكم: ح ٥٧٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩٥ ح ٥٢٦٦.
  - ٣- غرر الحكم: ح ٨٤٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٧٠.
  - ٤- غرر الحكم: ح ٨٦٠٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٩ ح ٨٣٣٨ وفيه «طال» بدل «كثر» في المورد الثاني.
  - ٥- غرر الحكم: ح ٥٩٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٩ ح ٥٤٢٧.
  - ٦- يقال: فلان ذو مهول: أي ذو تقدم في الخير (لسان العرب: ج ١١ ص ٦٣٤ «مهول»). أي إنَّ الأمل يثبُّط الإنسان عن المبادره والسعى إلى صالح الأعمال، ممَّا يحول دون تقدّمه في طريق الخير.
  - ٧- غرر الحكم: ح ٦٤٣٥.

ص: ۱۵۵

۸ / ۱۴ فقر نفس

۸ / ۱۵ رنج بسیار

۸ / ۱۶ تلف شدن عمر

۸ / ۱۴ فقر نفس امام علی علیه السلام: هر که از رؤیاهای کمک جوید ، بی چیز می شود .

امام علی علیه السلام: بدترین فقر، آرزوهاست.

۸ / ۱۵ رنج بسیار امام علی علیه السلام: هر که دنبال آرزوها و رؤیاهایش برود ، رنجش بسیار می شود.

امام علی علیه السلام: هر که آرزوهایش بسیار باشد ، رنجش بسیار باشد.

۸ / ۱۶ تلف شدن عمر امام علی علیه السلام: عمر، در میان آرزوها و خواهش‌ها [ی بیهوده] تلف می شود .

امام علی علیه السلام: فریب آرزو ، فرصت عمر را از بین می برد و اجل را نزدیک می نماید.

ص: ١٥٦

٨ / ١٧ الهلاك رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ ، وَهَلَاكَ آخِرِهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : صَلَاحُ الْأُمَّةِ الْيَقِينُ وَالزُّهْدُ وَفَسَادُهَا بِالْأَمَلِ وَالْبُخْلِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِيَّاكُمْ وَالتَّسْوِيفَ وَطَوْلَ الْأَمَلِ ؛ فَإِنَّهُ كَانَ سَبَبًا لِهَلَاكِ الْأُمَّةِ . (٣)

الإمام على عليه السلام : إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَمِيدُ أَمَلِهِمْ ، وَتَغْطِيهِ الْأَجَالِ عَنْهُمْ ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تَرُدُّ عَنْهُ الْمَعْدِرَةَ ، وَتَرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةَ ، وَتَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةَ (٤) وَالنَّقْمَةَ . (٥)

عنه عليه السلام : إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ خَصَلْتَانِ ، هُمَا أَهْلَكْتَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَتَانِ مَنْ يَكُونُ بَعْدَكُمْ : أَمَلٌ يُنْسِي الْآخِرَةَ ، وَهُوَ يُضِلُّ عَنِ السَّبِيلِ . (٦)

١- الخصال : ص ٧٩ ح ١٢٨ ، الأمل للصدوق : ص ٢٩٧ ح ٣٣٣ كلاهما عن فاطمة بنت الحسين عن الإمام الحسين عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ١٦٠ ح ٤٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١٧٣ ح ٢٤ ؛ الزهد لابن حنبل : ص ١٦ عن عبد الله بن عمرو وفيه «بالبخل» بدل «بالشح» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٤٨ ح ٧٣٨٣ .

٢- مستدرک الوسائل : ج ٧ ص ٢٧ ح ٧٥٥٤ نقلاً عن أبي القاسم الكوفي في كتاب الأخلاق .

٣- مروج الذهب : ج ٢ ص ٣٠٣ .

٤- القارعة: المصيبة التي تفرع؛ أي تلقى بشده وقوه (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٥٩٦).

٥- الكافي : ج ٨ ص ٣٨٩ ح ٥٨٦ عن محمد بن الحسين عن أبيه عن جدّه عن أبيه ، نهج البلاغه : الخطبه ١٤٧ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٦٨ ح ٣٤ .

٦- الغارات: ج ٢ ص ٥٠١ عن يحيى بن سعيد عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣٠ .

ص: ۱۵۷

## ۸ / ۱۷ هلاکت

۸ / ۱۷ هلاکت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این امت، در آغاز با زهد و یقین درست شد و در آخر، با بخل و آرزو هلاک می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یقین و زهد، این امت را به صلاح می کشاند و آرزو و بخل، آن را تباه می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از کار امروز به فردا افکندن و آرزوی دراز در سر پروراندن بپرهیزید؛ زیرا اینها سبب هلاک امت ها بوده است.

امام علی علیه السلام: پیشینیان شما را، در حقیقت، دو چیز هلاک کرد: درازی آرزو و غفلت از مرگ، تا آن گاه که آنچه بدان وعده داده شده بودند (مرگ)، بر آنان فرود آمد؛ وعده ای که با آمدن آن، دیگر عذری پذیرفته نمی شود و جای توبه نمی ماند و مصیبت فلاکت بار و مکافات با آن همراه است.

امام علی علیه السلام: مردم را، در حقیقت، دو خصلت به هلاکت می افکند. این دو، هم کسانی را که پیش از شما بوده اند، هلاک کرده است و هم آنان را که پس از شما می آیند، هلاک خواهد کرد: یکی آرزو که آخرت را از یاد می برد و دیگر هوس، که به گم راهی می کشاند.



ص: ١٥٨

٨ / ١٨ هُجُومُ الْأَجَلِ بَعَثَهَا إِمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا كَتَبَهُ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ : تَدَارَكَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ ، وَلَا تَقُلْ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ ؛ فَإِنَّمَا هَلَاكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ (١) حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعَثَهُ (٢) وَهُمْ غَافِلُونَ ، فَتَقَلُّوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةِ الضَّيِّقَةِ. (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ جَرَى فِي عِنَانٍ (٤) أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ. (٥)

عنه عليه السلام : مَنْ جَرَى فِي مَيْدَانٍ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ. (٦)

عنه عليه السلام : بَادِرُوا الْأَمَلَ وَسَابِقُوا هُجُومَ الْأَجَلِ ؛ فَإِنَّ النَّاسَ يُوْشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ فَيَرْهَقُهُمُ الْأَجَلُ. (٧)

عنه عليه السلام : إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَعَنَاءٌ وَغَيْرٌ (٨) وَعَبْرٌ ... وَمِنْ عِبْرِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَتَخَطَّفُهُ (٩) أَجَلُهُ ، فَلَا أَمَلٌ مَدْرُوكٌ وَلَا مُؤَمَّلٌ مَدْرُوكٌ. (١٠)

١- التَّسْوِيفُ : الْمَطْلُ وَالتَّأخِيرُ (النهاية : ج ٢ ص ٤٢٢ «سوف»).

٢- التَّبَعْتَهُ : الْفَجَاءُ (النهاية : ج ١ ص ١٤٢ «بغت»).

٣- الكافي : ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٣ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٦ ح ١٥٥٦ كلاهما عن أبي جميله عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٧٥ ح ٣٩ .

٤- عِنَانِ اللِّجَامِ : السِّيرِ الَّذِي تُمَسِّكُ بِهِ الدَّابَّةَ (لسان العرب : ج ١٣ ص ٢٩١ «عنن») والمراد أَنَّهُ سَقَطَ فِي أَجَلِهِ بِالْمَوْتِ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ مَا يَرِيدُ .

٥- نَهَجُ الْبَلَاغَةِ : الْحِكْمَةُ ١٩ ، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ : ص ٥٣٧ ، كَنْزُ الْفَوَائِدِ : ج ١ ص ٦٢ ، أَعْلَامُ الْبَلَدِينَ : ص ١٧٤ كلاهما من دون إِسْنَادٍ إِلَى الْمَعْصُومِ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٦ ح ٢٩ ؛ دَسْتُورُ مَعَالِمِ الْحَكْمِ : ص ٢٩ ، الْمُنَاقِبُ لِلْخَوَارِزْمِيِّ : ص ٣٧٦ ح ٣٩٥ ، مَائَةُ كَلِمَةٍ لِلْجَاحِظِ : ص ١١١ ح ٩٤ .

٦- غَرَّرَ الْحَكْمَ : ح ٨٥٩٨ .

٧- غَرَّرَ الْحَكْمَ : ح ٤٣٧٩ .

٨- الْغَيْرُ : تَغْيِيرُ الْحَالِ وَانْتِقَالُهَا عَنِ الصَّلَاحِ إِلَى الْفَسَادِ (النهاية : ج ٣ ص ٤٠١ «غير»).

٩- الْخَطْفُ : اسْتِلَابُ الشَّيْءِ وَأَخْذُهُ بِسُرْعَةٍ (النهاية : ج ٢ ص ٤٩ «خطف»).

١٠- تَحْفُ الْعُقُولِ : ص ٢١٨ ، الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ : ص ٤٤٣ ح ٩٩٢ عَنْ ثَعْلَبِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَليْسَ فِيهِ ذِيْلُهُ مِنْ «فلا أمل» ، نَهَجُ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ١١٤ نَحْوَهُ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٦ .

## ۸ / ۱۸ هجوم ناگهانی اجل

۸ / ۱۸ هجوم ناگهانی اجلامام علی علیه السلام در نامه ای که به یکی از یارانش نوشت: باقی مانده عمرت را دریاب، و مگو: فردا و پس فردا؛ چرا که مردمان پیش از تو، در حقیقت، به سبب تکیه کردن به آرزوها، و امروز و فردا کردن، به هلاکت در افتادند. فرمان خداوند (مرگ)، ناگهان، آن بی خبران را در رسید و بر تابوت هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند.

امام علی علیه السلام: هر که عنان آرزویش را رها کند، با اجلش به سر درآید.

امام علی علیه السلام: هر که در میدان آرزویش بتازد، با اجلش به سر درآید.

امام علی علیه السلام: بر آرزو پیشی گیرید و قبل از هجوم اجل، کاری بکنید؛ زیرا به زودی آرزوی مردم قطع می شود و اجل، گریبانشان را می گیرد.

امام علی علیه السلام: دنیا، چیزی نیست، جز نیستی و رنج و دگرگونی ها و عبرت ها ... و از عبرت هایش یکی این است که انسان به آرزویش نزدیک می شود، اما به ناگاه، اجلش او را در می رُباید، و نه آرزویی برمی آید و نه آرزومندی می ماند.

ص: ۱۶۰

عنه عليه السلام: إِذَا بَلَغْتُمْ نِهَایَةَ الْأَمَالِ فَادْكُرُوا بَغْتَاتِ الْأَجَالِ. (۱)

عنه عليه السلام: مَنْ بَلَغَ أَقْصَى أَمَلِهِ ، فَلْيَتَوَقَّعْ أَدْنَى أَجَلِهِ. (۲)

عنه عليه السلام: مَنْ بَلَغَ غَايَةَ مَا يُحِبُّ ، فَلْيَتَوَقَّعْ غَايَةَ مَا يَكْرَهُ. (۳)

۱- غرر الحکم: ح ۴۰۰۸ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۳۵ ح ۳۰۵۲ .

۲- تنبیه الخواطر: ج ۱ ص ۵۰ .

۳- غرر الحکم: ح ۸۸۰۶ ، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۳۷ ح ۷۵۵۶ .

ص: ۱۶۱

امام علی علیه السلام: هر گاه به نهایت آرزوها رسیدید، از یورش ناگهانی اَجَل، یاد کنید.

امام علی علیه السلام: هر که به دورترین آرزویش رسید، در انتظار نزدیک ترین زمان اَجَلش باشد.

امام علی علیه السلام: هر که به نهایت آنچه دوست دارد، رسید، باید منتظرِ نهایت آنچه ناخوش می دارد (مرگ) باشد.

ص: ۱۶۲

..

ص: ۱۶۳

فهرست تفصیلی .

ص: ۱۶۴

..

ص: ۱۶۵

..



ص: ۱۶۶

..

ص: ۱۶۷

..

ص: ۱۶۸

..

ص: ۱۶۹

..

ص: ۱۷۰

..

ص: ۱۷۱

..

ص: ۱۷۲

..

ص: ۱۷۳

..



ص: ۱۷۴

..

ص: ۱۷۵

..

ص: ۱۷۶

..

ص: ۱۷۷

..

ص: ۱۷۸

..

ص: ۱۷۹

..

ص: ۱۸۰

..

ص: ۱۸۱

..



ص: ۱۸۲

..

ص: ۱۸۳

M۴۱۳\_T۱\_File\_۳۵۶۱۶۱۳



## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

